

مجموعه مقالات

انتخابات ۱۳۹۲

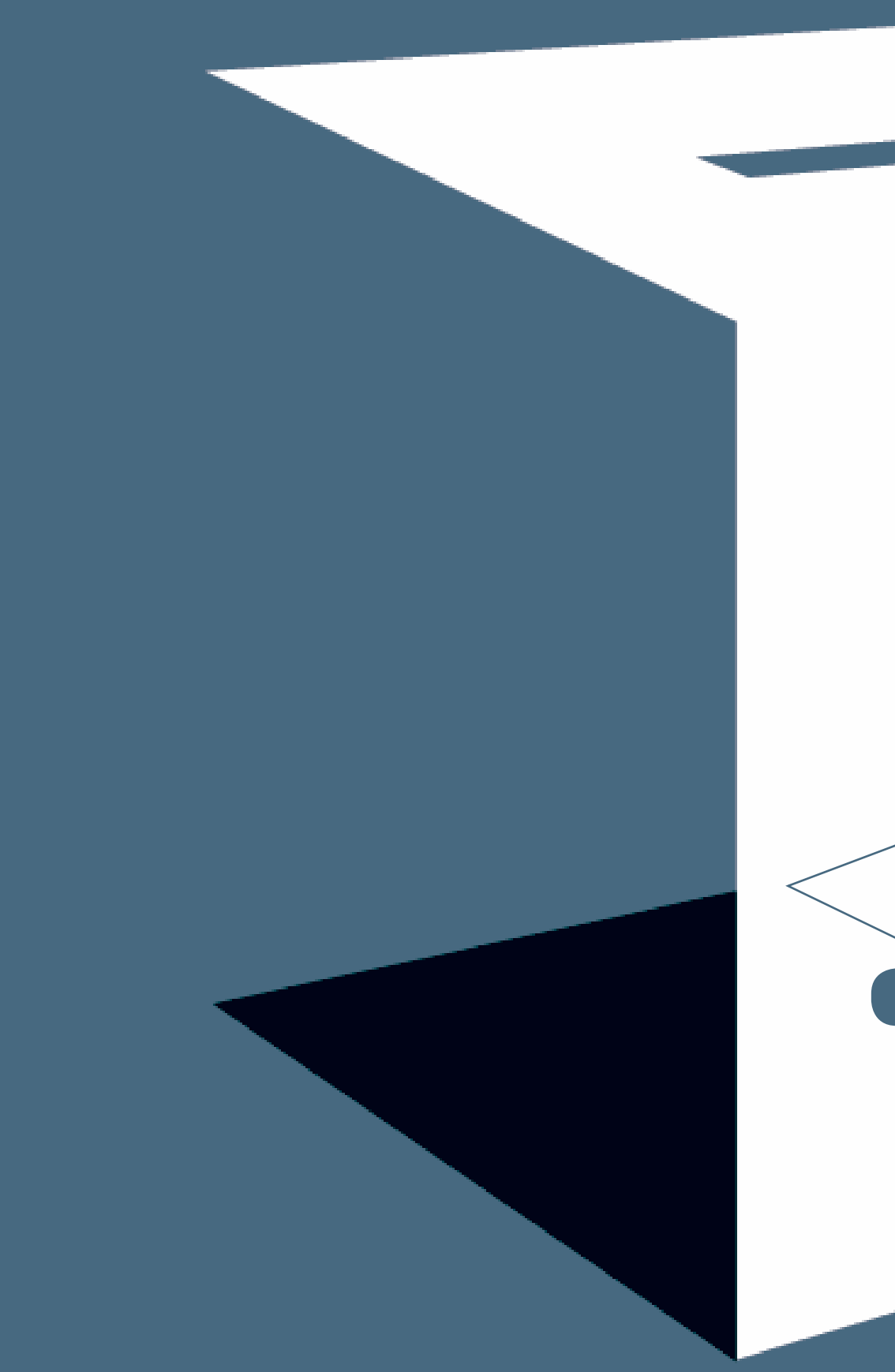
جامعه مدنی در التهاب انتخاباتی دیگر

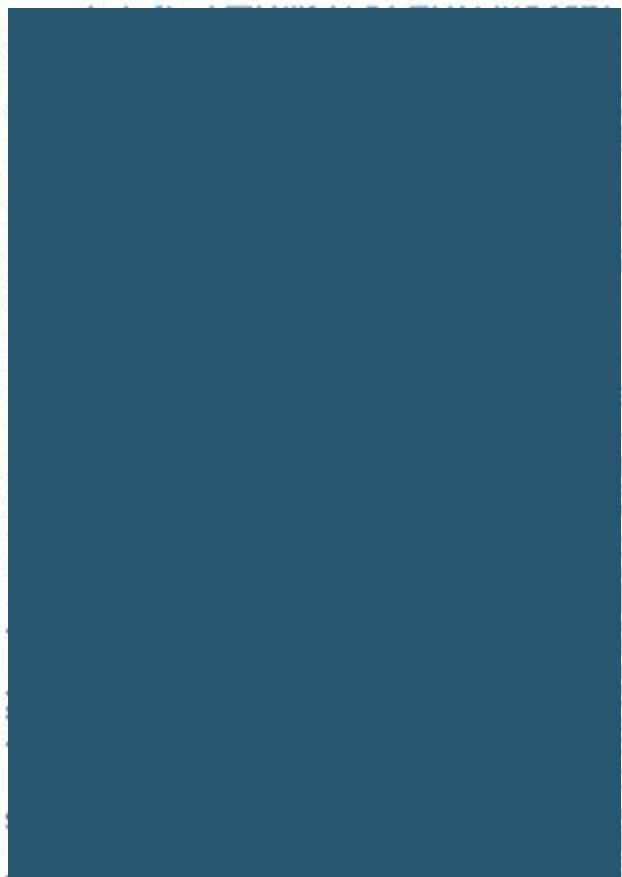
انتشارات عرصه سوم



پرونده انتخابات ۱۳۹۲

مجموعه مقالات







مجموعه مقالات

- ۱۰ ■ مقدمه - پرونده انتخابات ۱۳۹۲
- ۱۶ ■ جامعه مدنی در التهاب انتخاباتی دیگر
محمد رضا سرداری
- ۲۲ ■ اعلامیه اتحادیه بین المجالس: معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه - اتحادیه بین المجالس
- ۳۰ ■ یک تجربه مدنی: کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه - کمیته دفاع از انتخابات
مرتضی کاظمیان
- ۴۰ ■ پارادوکس نظامیان و انتخابات آزاد در ایران
محمد رضا سرداری
- ۵۲ ■ تاثیر متقابل احزاب و انتخابات بر یکدیگر در ایران - حزب های ایران
حسین نورانی نژاد
- ۶۰ ■ جرائم انتخاباتی، مانعی بر سر انتخابات آزاد و سالم در ایران
محمد رضا سرداری
- ۷۰ ■ نگرش فقهی به انتخابات در ایران
کامیار بهرنگ
- ۸۰ ■ شوراها، زائده ای بر بوروکراسی حکومتی
حسین نورانی نژاد
- ۸۶ ■ احزاب و انتخابات آزاد، تجربه ترکیه - پارلمان در ترکیه
حمید مافی
- ۹۲ ■ رجال زن و محرومیت از حق رئیس جمهور شدن
- ۹۶ ■ در باره عرصه سوم



v

عرصه سوم

عرصه سوم

پرونده انتخابات، مجموعه مقالات.

آمستردام، هلند. خرداد ۱۳۹۲.

نویسندگان: کامیار بهرنگ، مرتضی کاظمیان، حسین نورانی نژاد، محمدرضا سرداری. حمید مافی.

انتشارات: عرصه سوم، خرداد ۱۳۹۲، آمستردام - هلند.

«» «» «» «» «» «»

این کتابچه راهنما با هدف تحلیل مفاهیم حقوقی و سیاسی انتخابات و همچنین بررسی مسائل انتخابات از زاویه جامعه مدنی تهیه و تدوین شده است. انتخابات به عنوان یکی از موضوعات اصلی جامعه مدنی نقش تعیین کننده ای در پیدایش و دوام جامعه مدنی ایفا می کند. از این رو برگزاری یک انتخابات آزاد و سالم و مطابق استانداردهای بین المللی یکی از شروط لازم تحکیم پایه نهادهای مدنی است. بنابراین شناخت عوامل و مسائل تاثیر گذار بر سلامت و آزادی انتخابات می تواند یکی از دغدغه های جدی جامعه مدنی بشمار رود. عرصه سوم بر این امید است تا با انتشار این کتابچه، ضمن تقویت دانش حقوقی و سیاسی در خصوص انتخابات زمینه را برای ترویج فرهنگ انتخابات سالم و آزاد فراهم سازد.

«» «» «» «» «» «»



مجموعه مقالات

پرونده انتخابات

مقدمه



انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ماه امسال برگزار خواهد شد. مردم ایران در ۲۴ خرداد بار دیگر به پای صندوق های رأی خواهند رفت تا با استفاده از حق قانونی خود در تعیین سرنوشت کشور رئیس دولت را انتخاب کنند. بدون شک بسیاری از شهروندان ایرانی در آستانه انتخابات جدید به یاد پیامدهای اسفناک آخرین رأی گیری ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ خواهند افتاد و از خود سؤال خواهند کرد آیا انتخابات آتی به معنای واقعی کلمه یک انتخابات آزاد و دموکراتیک خواهد بود؟

در جهان امروز نمی توان از آزادی و دموکراسی بدون تضمین حقوق مردم در انتخاب آزادانه، شرکت در تصمیم گیری ها و تعیین سیاست ها سخن گفت. دموکراسی بدون داشتن انتخابات آزاد معنایی ندارد و تحقق آن به معنای حق مشارکت مستقیم شهروندان در اداره کشور است. و هم چنین دموکراسی به معنای حق برخورداری افراد از آزادی بیان برای طرح دیدگاه های سیاسی خود و انتخاب کاندیدا های مورد نظر و شایسته ای است که صلاحیت انتخاب شدن توسط مردم را دارند.

طبق قوانین تصریح شده در "میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" مشروعیت هر نظام سیاسی در گذار به سوی دموکراسی متکی بر اجرای کامل مفاد این میثاق و تضمین پای بند بودن به اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در اصل ۲۵ این معاهده بین المللی بر اداره امور کشورها طبق نظر و رأی

مردم تاکید شده و برطبق آن هر شهروند حق دارد در اداره امور عمومی به واسطه نمایندگانی که انتخاب می‌کند شرکت کند.

آخرین انتخابات ریاست جمهوری در ایران در سال ۱۳۸۸ برگزار شد. اما با وجود استقبال گسترده مردم از آن حاکمیت جمهوری اسلامی نتوانست در روند برگزاری رأی گیری سلامت و صحت انتخابات را تضمین کرده و به اجرا گذارد. میرحسین موسوی نامزد مورد حمایت اصلاح طلبان در مدتی کوتاه پیش از انجام رأی گیری توانست به عنوان کاندیدای محبوب مردم به میدان بیاید. جنبش مدنی و نوپای سبز با هدف احیای دموکراسی موفق شد هزاران نفر از شهروندان و به خصوص نسل جوان را با شرکت فعالانه در کارزارهای انتخاباتی بسیج کند و با شور و امید به پای صندوق های رأی بیاورد. اما برای میلیونها نفر از هواداران جنبش سبز که به پیروزی خود ایمان داشتند اعلام سریع نتایج رأی گیری، عدم انتخاب موسوی و حوادث پس از آن سخت باورنکردنی و غافلگیرانه بود.

میلیونها نفر از شهروندان با ایمان به آزادی و اراده خود در تعیین سرنوشت کشور با اعلام نتایج شگفت انگیز رأی گیری به شدت خشمگین و دلسرد شدند، خشمی که در چشم به هم زدن بی طوفانی اعتراضی بدل شد.

از عواقب اسفناک سرکوب جنبش سبز در روزها و ماه های پس از انتخابات بازداشت، شکنجه و کشته شدن گروهی از دانشجویان و شهروندان، دستگیری صدها نفر از مردم و حبس خانگی دو نفر از نامزدهای انتخابات یعنی میرحسین موسوی و مهدی کروبی به همراه همسرانشان بود.

۱۱ در چهار سال گذشته شاهد بودیم که مقامات جمهوری اسلامی به اعتراضات بیشمار در زمینه تحقیق درباره جرائم انتخاباتی سال ۱۳۸۸ وقعی ننهاد، به شکایت های متعدد خانواده های قربانیان جنبش اعتراضی رسیدگی نکرده و برای آزادی رهبران جنبش سبز و سایر زندانیان عقیدتی اقدامی انجام نداده اند.

شرط اصلی احیای دموکراسی در ایران برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه با رعایت ضوابط و مصوبه های بین المللی است. افزون بر آن دولت و ارگان های اجرایی موظفند که صحت و سلامت رأی گیری را تأمین و تضمین کنند، و هم از فساد، نفوذ و کارشکنی در امر انتخابات جلوگیری کنند. هر شهروند ایرانی با هر پیشینه قومی و مذهبی باید آزاده حق انتخاب و برگزیده شدن داشته باشد.

آموزش و ترویج حقوق انسانی و مدنی از وظایف اصلی هر کنشگر اجتماعی است که با هدف ایجاد دموکراسی در ایران به مبارزه مسالمت آمیز اجتماعی روی آورده است.

در این میان تشکل ها و سازمان های مردم نهادی که با هدف پیشگیری از نقض حقوق شهروندان و ایجاد فرهنگ دموکراتیک فعالیت می‌کنند، نقش مهمی در آگاهی رسانی و آشنا کردن مردم با مبانی انتخابات آزاد و منطبق با مصوبات بین المللی دارند. ترویج گری و آموزش یکی از حوزه های کار در سازمان های جامعه مدنی است.

بنیاد عرصه سوم به عنوان یکی از نهادهای ترویج گر در زمینه آموزش فرهنگ حقوق بشری و رفع تبعیض به سهم خود می‌کوشد تا با منعکس کردن و حمایت از فعالیت های اجتماعی شهروندان قدمی در تقویت جامعه مدنی کشور و در راستای احیای دموکراسی در ایران بردارد. این بنیاد آگاهی رسانی و آموزش را عرصه فعالیت خود قرار داده و در حد امکانات خود برای پیشرفت جامعه ایرانی تلاش می کند.

به این منظور عرصه سوم با انتشار مقالاتی تحقیقی در زمینه انتخابات به معضلات پیش روی این رویداد مهم سیاسی و اجتماعی خواهد پرداخت. مسائلی که در شرایط حاضر ذهن هر ایرانی را به خود مشغول می‌کند. برای ایجاد بحث اجتماعی و آگاهی رسانی در مورد معضلات و محدودیت‌هایی که در شرایط حاضر گریبان گیر یک رأی‌گیری واقعی و سالم در ایران است. مسائلی مانند فساد و جرائم انتخاباتی، نقش نظامیان در رأی‌گیری، چگونگی شرکت اقلیت‌های دینی در انتخابات و حقوق آنها، چگونگی نظر سنجی در انتخابات و مقایسه قوانین انتخاباتی در ایران با استانداردهای بین‌المللی و بسیاری از موضوعات جنبی دیگر که در این پژوهش‌ها ارائه خواهند شد.







جامعه مدنی در التهاب انتخاباتی دیگر

زای
VOTE



من گو؟

WHERE IS MY

جامعه مدنی در التهاب انتخاباتی دیگر

محمدرضا سرداری



با ثبت نام اکبر هاشمی رفسنجانی و اسفندیار رحیم مشائی در انتخابات ریاست جمهوری و رد صلاحیت آنان از سوی شورای نگهبان، معادلات سیاسی در ایران شکل تازه ای به خود گرفته است. در حال حاضر هشت کاندیدا که تنها دو تن از آنها تمایلاتی به اصلاح طلبان دارند در عرصه رقابت باقی مانده اند. اما پیش از ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری، سپاه پاسداران آرایش جدیدی را برای آنچه مهندسی انتخابات خوانده می شود و همچنین برای جلوگیری از اعتراضات خیابانی احتمالی نظیر سال ۸۸، به خود گرفته بود..

سایت کلمه در گزارشی در این رابطه نوشت حمیدرضا مقدم فر معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه که در این نیروی نظامی به نام مستعار حاج حمید ناصری شناخته می شد، به مدیر عاملی خبرگزاری فارس بازگشته است. همچنین "رضا سراج" از بازجویان زندانیان وقایع پس از انتخابات ۸۸ مجدداً به سمت ریاست بسیج دانشجویی منصوب شد. سراج که با نام مستعار علوی هم شناخته می شود، مدیریت مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی «تابان» وابسته به سپاه پاسداران را بر عهده گرفته بود و از گذشته به عنوان یکی از نیروهای تندروی امنیتی نظامی شناخته می شود. سراج سابقه کارشناس امنیتی (بازجو) در سازمان حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران، سرپرستی اداره اطلاعات قرارگاه ثارالله و همکاری با خبرگزاری فارس و صدا سیما جمهوری اسلامی در زمینه انجام تحقیقات مرتبط با موضوعات براندازی نرم و جنگ روانی و ناتوی فرهنگی را در پرونده فعالیت های امنیتی اش دارد.

از دیگر تغییرات انتخاباتی سپاه، انتخاب "سردار مشفق" با نام واقعی "عبدالله ضیغمی" به سمت مسول جنگ روانی قرارگاه ثارالله تهران است. مشفق همچنین در جریان بازجویی از بازداشت شدگان پس از انتخابات ۸۸، به عنوان یکی از برنامه ریزان و تحلیل گران بازجویی ها فعال بود.

سپاه نگران بود که پس از اعلام رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی و مثنائی کشور دستخوش ناآرامیهای جدید شود. در همین حال از تهران گزارش شد که نیروهای امنیتی در چند نقطه از تهران مستقر شده اند. همچنین کاربران فضای مجازی از کاهش شدید سرعت اینترنت خبر دادند. از محل زندگی هاشمی رفسنجانی در جماران نیز گزارش شده بود که تعداد زیادی نیروی یگان ویژه و نیروی امنیتی در منطقه حضور یافته اند و سرویس پیامک نیز قطع شده است.

در همین راستا، رسول سنایی‌راد، رئیس دفتر سیاسی سپاه نسبت به اجرای شورش «مدل روسی» در انتخابات آینده هشدار داد. آنها به طور مشخص از تیم احمدی‌نژاد و هواداران آن به عنوان مهم‌ترین عامل این شورش‌های احتمالی نام برده بودند.

در همین حال «شبکه ایران» وابسته به دولت از بازداشت گروهی از روحانیون و حامیان محمود احمدی‌نژاد در برخی شهرهای ایران خبر داد. «شبکه ایران» با اعلام اینکه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی اعلام کرده‌اند بازداشت این افراد از سوی آنها صورت نگرفته، این پرسش را مطرح کرد «که کدام مقام یا نهاد، مسئول برخوردهای غیرقانونی با این افراد است».

در همین راستا ستاد جوانان اصلاح طلب نیز که از سوی هواداران محمد خاتمی برای حمایت از نامزدی هاشمی رفسنجانی راه اندازی شده بود نیز تعطیل شد. حسین نقاشی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره انتشار برخی اخبار مبنی بر تعطیل شدن ستاد ملی جوانان اصلاح طلب به دلیل اعمال فشارهای امنیتی گفته بود دلیل توقف فعالیت‌های ستاد نامشخص بودن وضعیت تایید یا رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری است و فعالیت‌های این ستاد تحت تاثیر فشارهای بیرونی یا هر موضوع دیگری متوقف نشده است.

پیشتر سجاد سالک یکی از فعالان ستاد انتخاباتی هاشمی در صفحه فیس بوک خویش نوشته بود "راستش کمی نگرانم" اوضاع خیلی عادی نیست. ستادها با قوت و قدرت راه افتاده، دوستانی که در چهارسال گذشته متفرق شده بودند خیلی خوب همدیگر را پیدا کرده اند. جلسات و بحث ها دوباره شکل گرفته و امید به موفقیت روز به روز بیشتر می شود. چهره های ارشد اصلاح طلب یکجا و جوانان مشتاق و پرآرزو جای دیگر به راحتی جمع می شوند و جلسه می گذارند و خب این اصلا عادی نیست.

در کنار تحولات موجود، گزارشهای دیگری نیز حاکی از آن بود که تعدادی از زندانیان سیاسی که در این ایام در مرخصی بسر می بردند بار دیگر به زندان فرخوانده شدند. شیوا نظرآهاری، بهار هدایت، قربان بهزادیان نژاد، بهمن احمدی امویی، مسعود باستانی و حسین رونقی زندانیان سیاسی که در مرخصی به سر می بردند در پی عدم تمدید مرخصی به همراهان خود در زندان پیوستند.

همچنین در انتخابات شوراها نیز بیشتر اصلاح طلبان کاندیدا شده در انتخابات شوراها رد صلاحیت شدند. محسن رهامی رییس ستادهای اصلاح طلبان در انتخابات شوراها در مصاحبه ای با روزنامه بهار از رد صلاحیت شمار دیگری از اصلاح طلبان در مرحله دوم و توسط هیاتهای نظارت خبر داده است.

این در حالی است که با استعفای دو نامزد سرشناس نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی به نفع سعید جلیلی، پیش فرضیهایی ناشی از تمایل حکومت به انتخاب مسئول تیم مذاکره هسته ای ایران با گروه

پنج بعلاوه یک و دبیر شورای عالی امنیت ملی به عنوان رییس جمهور آینده ایران مطرح شده است. سعید جلیلی در تازه ترین اظهارات خویش گفته است در بسیاری از کشورها دموکراسی وجود دارد ولی آنچه در ایران اسلامی وجود دارد فراتر از دموکراسی است.

در همین حال راستا شنیده شده است برنامه ریزی برای تجمیع آرا به نفع کاندیدای مورد حمایت رهبر آغاز شده است. به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی که نزدیک به حکومت است، برگزاری جلسات بصیرت برای آقایان و بانوان، در مساجد شهرها از جمله سمنان، از سر گرفته شده است و برگزار کنندگان این جلسات که از چهره‌های شناخته شده هستند، به جهت دهی افکار حاضران برای رأی دادن به فردی خاص تلاش می‌کنند.

اکنون با آغاز فعالیتهای انتخاباتی کاندیداها، فضای ملتهد در جامعه مدنی همچنان تداوم دارد. با اینکه هواداران دولت و اصلاح طلبان نسبت به رد صلاحیت کاندیداهای خود سکوت کرده اند، اما گزارشهایی از امکان حمایت برخی اصلاح طلبان از حسن روحانی منتشر شده است. در این راستا بیانیه ای با عنوان جبهه مردمی اصلاحات منتشر شده که در آن ضمن پذیرش رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی از روحانی حمایت شده است. این بیانیه بازتاب گسترده ای در رسانه های اصولگرا داشته است

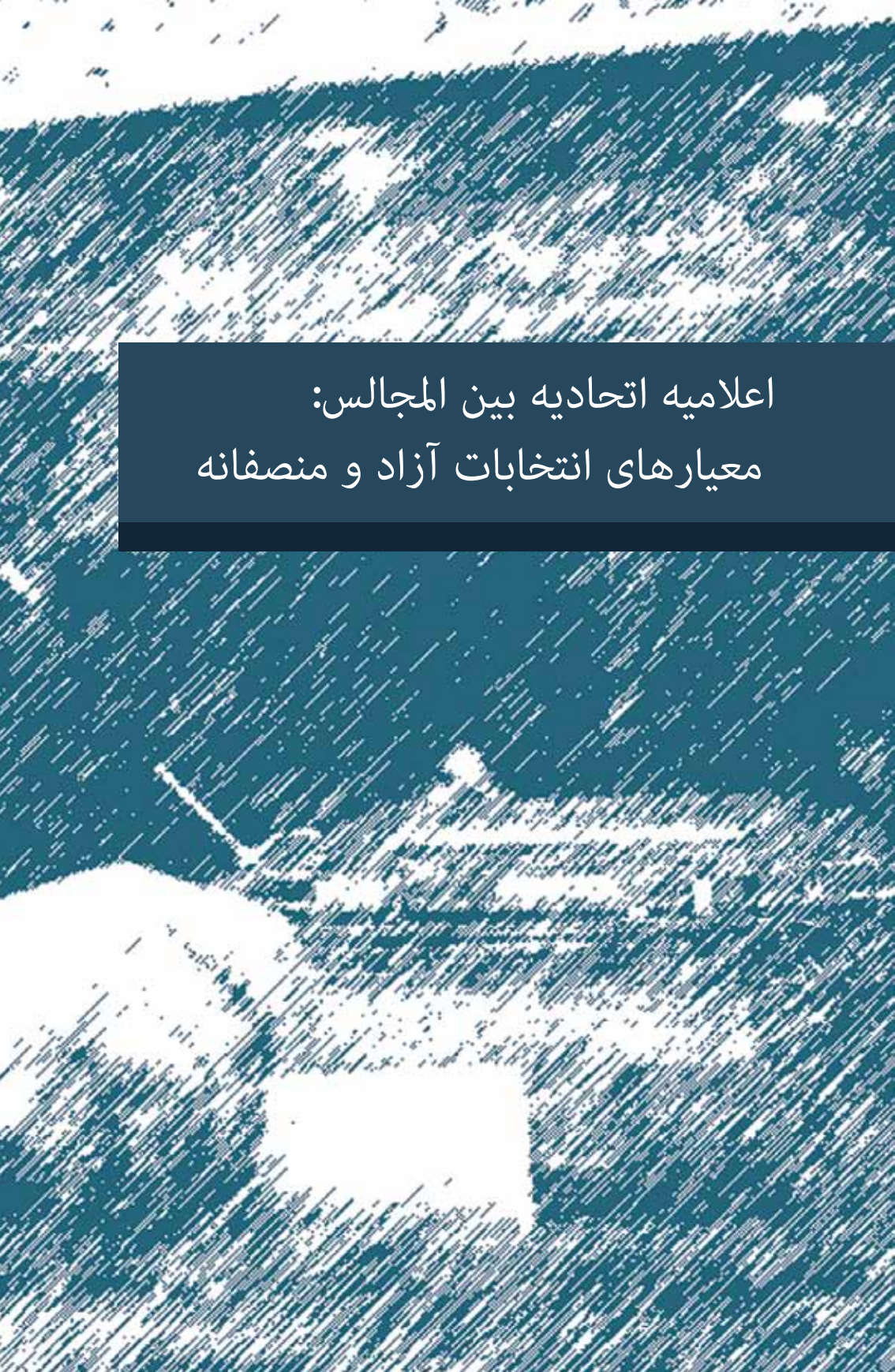
حسن روحانی در یکی از مصاحبه های تلویزیونی خود از وضع موجود کشور بویژه سیاستهای دولت احمدی نژاد انتقاد کرده و واکنشهای مثبتی را بر اساس اظهارات کاربران فیس بوک در جامعه دریافت کرده است.

محمدرضا عارف دیگر نامزد اصلاح طلبان نیز با استفاده از فرصت تبلیغات از هاشمی رفسنجانی و خاتمی روسای پیشین جمهوری در ایران دفاع کرد اما برنامه وی از سوی صدا و سیما قطع شد.

از سوی دیگر گزارشهایی درباره احتمال حمایت اصولگرایان از سعید جلیلی وجود دارد. بر اساس اخبار منتشر شده برخی از فعالان ستادهای مشائی نامزد رد صلاحیت شده طرفداران دولت هم اکنون در ستادهای جلیلی فعالیت می کنند. و این احتمال که وی نامزد مورد حمایت رهبر جمهوری اسلامی باشد قوت گرفته است.







اعلامیه اتحادیه بین المجالس:
معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه



اعلامیه اتحادیه بین المجالس: معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه

اتحادیه بین المجالس

ترجمه: دکتر سید جمال سیفی و دکتر سید قاسم زمانی

سازمان

درباره انتخابات آزاد و سالم چه می دانیم؟ معیارهای برگزاری انتخابات مبتنی بر قوانین پیشرفته و دموکراتیک کدامند؟ چگونه می توان از فساد و تقلب در انتخابات جلوگیری کرد؟ نقش جامعه مدنی در این میان چیست؟ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران هستیم. مردم در خردادماه امسال بار دیگر به پای صندوق های رای خواهند رفت. در شرایطی که هم چنان خاطره دردناک و تلخ رویدادهای خونین پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ با آنهاست و میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو منتخب آنها همچنان در حبس اند.

یکی از وظایف مهم فعالان اجتماعی در حوزه فعالیت های انتخاباتی آموزش و آگاهی بخشی به مردم است. شهروندان باید از اصول و ضوابط معیارهای یک انتخابات آزاد و منصفانه مطلع باشند. وهم باید از ضوابط بین المللی در مورد قوانین مربوط به آن باخبر باشند. یکی از اسناد مهم درباره انتخابات آزاد اعلامیه اتحادیه بین المجالس است که در سال ۱۹۹۴ تصویب شده است.

در معرفی اتحادیه بین المجالس باید خاطر نشان کرد که این سازمان در سال ۱۸۸۹ تاسیس شد و مقر دائمی آن در سوئیس است. و در حال حاضر ۱۵۰ عضو اصلی و هشت عضو وابسته دارد. این اتحادیه سازمانی غیردولتی و متشکل از پارلمان های ملی در سراسر جهان است.

هدف این اتحادیه پیشبرد صلح و امنیت از طریق گفتگوهای سیاسی، ارتقاء دموکراسی، احترام و رعایت حقوق بشر و هم‌مشارکت در گسترش نهادهای موثر نمایندگی و قانونگذاری است.

این سازمان تریبون سیاسی برای نمایندگان مجالس است که با گردهمایی قانونگذاران پارلمان‌های جهان اعم از نمایندگان مخالف دولت و احزاب حاکم به طور منظم دوبار در سال، مجمعی برای تبادل نقطه نظرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل می‌دهند. این اتحادیه با پیشبرد مذاکرات و اتخاذ ساز و کارهایی برای پیشگیری از مناقشات و حل و فصل آنها از طریق گفتگوهای چند جانبه و دیپلماسی مبتنی بر مذاکره برای پیشرفت صلح در جهان تلاش می‌کند.

این سازمان از طریق قطعنامه‌ها و گزارشات تخصصی، نظرات و مواضع این مجمع پارلمانی جهانی را درباره مسائل و موضوعات مهم بین‌المللی اعلام و توصیه‌ها و پیشنهاداتی را برای اتخاذ اقدامات پارلمانی مناسب ارائه می‌کند.

اتحادیه بین‌المجالس برای افزایش مشارکت زنان در حوزه سیاسی و اجتماعی کشورها تلاش‌های زیادی انجام داده است. هم‌درزمینه دفاع از حقوق بشر نمایندگان مجالس نیز با طرح موارد نقض حقوق بشر نمایندگان در کمیته‌های ویژه تلاش می‌کند.

اعلامیه اتحادیه بین‌المجالس درباره انتخابات آزاد و دموکراتیک تصویب شده در سال ۱۹۹۴ یکی از اسناد مهم و معتبر بین‌المللی است که متن کامل آن را در اینجا می‌خوانید.

اعلامیه راجع به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه

اتخاذ شده به اتفاق آرا در اجلاس یکصد و پنجاه و چهارم شورای اتحادیه بین‌المجالس +

پاریس ۲۶ مارس ۱۹۹۴

شورای اتحادیه بین‌المجالس

با تاکید بر اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر می‌دارند اقتدار حکومت باید به موجب انتخابات ادواری و واقعی به اراده مردم متکی باشد؛

با تصدیق و تایید اصول بنیادین راجع به انتخابات آزاد و منصفانه که توسط کشورها در اسناد جهانی و منطقه‌ای پذیرفته شده‌اند، از جمله حق مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم همه افراد در اداره کشور خود به وسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند، حق رای دادن در انتخاباتی که با رای‌گیری مخفی انجام می‌شود،

برخورداری از موقعیت مساوی برای نامزد شدن و بیان دیدگاههای سیاسی خود به صورت انفرادی یا گروهی همراه با دیگران؛ با آگاهی از این حقیقت که هر دولت از این حق حاکمه برخوردار است که طبق اراده مردم خود، نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش را بدون مداخله دیگر دولت‌ها و براساس منشور ملل متحد آزادانه برگزیند و توسعه دهد؛

با آرزوی اعتلای استقرار نظام‌های دموکراتیک کثرت‌گرای نماینده مردم در سراسر جهان؛

با شناسایی اینکه ایجاد و تحکیم روندها و نهادهای دموکراتیک، مسولیت مشترک حکومت‌ها، انتخاب‌کنندگان و نیروهای سیاسی سازمان یافته است و اینکه انتخابات ادواری و واقعی رکن لازم و جدایی‌

ناپذیر تلاشهای مستمر برای حمایت از حقوق و منافع حکومت‌شوندگان است و این امر که به عنوان یک تجربه عملی، حق هر کس به مشارکت در اداره کشور خود عاملی حیاتی در برخورداری موثر از حقوق و آزادیهای اساسی تلقی میشود؛

با استقبال از گسترش نقش سازمان ملل متحد، اتحادیه بین‌المجالس، سازمان‌های منطقه‌ای، مجامع پارلمانی و سازمان‌های بین‌المللی و ملی غیر دولتی در ارایه معاضدت‌های انتخاباتی به درخواست دولت‌ها، اعلامیه راجع به انتخابات آزاد و منصفانه تصویب می‌شود و موکداً از دولتها و پارلمان‌ها در سراسر جهان درخواست میشود که تحت راهنمایی اصول و معیارهای زیر عمل کنند:

۱- انتخابات آزاد و منصفانه

در هر کشوری، اقتدار دولت تنها می‌تواند از اراده مردم منبعث گردد، مردمی که در انتخابات واقعی، آزاد و منصفانه و در ادوار منظم با رای‌گیری فراگیر مساوی و مخفیانه شرکت می‌کنند.

۲- حقوق رای‌دهی و انتخاباتی

۱) هر شهروند که به سن قانونی رسیده باشد (شهروند بالغ)، حق دارد که بدون تبعیض از حق رای دادن در انتخابات برخوردار باشد.

۲) هر شهروند که به سن قانونی رسیده باشد، حق دارد که به آیینی موثر، بی‌طرفانه و بدون تبعیض، برای ثبت نام رای‌دهندگان دسترسی داشته باشند.

۳) هیچ شهروند واجد شرایط نباید از حق رای دادن محروم یا از ثبت نام به عنوان رای‌دهنده منع گردد، مگر طبق موازینی که به طور عینی قابل احرازند و به موجب قانون مقرر شده‌اند، مشروط بر اینکه این موازین با تعهدات دولت در حقوق بین‌الملل سازگار باشند.

۴) هر فرد که از حق رای دادن یا حق ثبت نام به عنوان رای‌دهنده محروم شده است حق دارد به مرجع صالح دادخواهی کند تا تصمیم متخذه در باره وی را مورد بررسی قرار دهد و هرگونه اشتباهی را فوراً و به طور موثر تصحیح نماید.

۵) هر رای‌دهنده به منظور اعمال حق رای، از حق دسترسی مساوی و موثر به مراکز رای‌گیری برخوردار است.

۶) هر رای‌دهنده محق است که حق رای خود را در تساوی با دیگران اعمال کند و به رای او اعتباری یکسان با رای دیگران داده شود.

۷) حق رای دادن به صورت مخفی مطلق است و به هیچ وجه نباید محدود گردد.

۳- حقوق و تکالیف نامزدی، حزبی و مبارزاتی

۱) هرکس حق دارد که در اداره کشورش مشارکت کند و از موقعیت مساوی برای نامزد شدن در انتخابات برخوردار باشد. موازین مشارکت در حکومت طبق قوانین اساسی و عادی ملی تعیین خواهد شد. این قوانین نباید با تعهدات بین‌المللی دولت مغایر باشد

۲) هرکس حق دارد که به منظور مبارزه انتخاباتی به حزب یا سازمان سیاسی وارد شود، یا همراه

دیگران حزب یا سازمان سیاسی تشکیل دهد.

۳) هرکس منفرداً یا مجتمعاً با دیگر افراد حق دارد دیدگاه‌های سیاسی خود را بدون بیم و نگرانی ابراز کند؛ درصد یا در مقام دریافت یا مبادله اطلاعات باشد و به انتخابی آگاهانه مبادرت ورزد؛ برای مبارزات انتخاباتی در کشور آزادانه رفت و آمد کند؛ بر مبنای مساوی با دیگر احزاب سیاسی از جمله حزب تشکیل دهنده دولت حاکم، به مبارزه انتخاباتی بپردازد.

۴) هر نامزد انتخاباتی و هر حزب سیاسی باید برای دسترسی به رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی، از موقعیت مساوی با نامزدهای احزاب دیگر برخوردار باشد تا دیدگاه‌های سیاسی خود را ارایه دهد.

۵) حق امنیت جانی و مالی هر نامزد انتخاباتی باید شناخته و تامین گردد.

۶) هر فرد و حزب سیاسی حق تامین و حمایت قانونی دارد و حق دارد در موارد نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی از جبران خسارت قانونی برخوردار شود.

۷) حقوق فوق تنها می‌تواند تابع چنان محدودیتهایی خصلتاً استثنایی گردد که به موجب قانون معین شده‌اند. و در هر جامعه‌ی دموکراتیک به علت مسایل امنیت ملی یا نظم عمومی، یا حمایت از بهداشت، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضروری و معقولند؛ مشروط بر اینکه این محدودیت‌ها با تعهدات کشورها در حقوق بین‌الملل سازگار باشند. محدودیت‌های مجاز نسبت به حق نامزد شدن در انتخابات، ایجاد و فعالیت احزاب سیاسی، و حقوق مبارزاتی نباید به گونه‌ای اعمال شوند که ناقض اصول عدم تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا دیدگاه سیاسی یا غیر سیاسی، منشا اجتماعی یا ملی، مالکیت، تولد یا هر وضعیت دیگر باشند.

۲۵

سازمان
حقوق
انسان

۸) هر فرد یا حزب سیاسی که حقوق مبارزاتی، نامزدی یا حزبی او سلب یا محدود شده باید حق داشته باشد به مرجعی صالح دادخواهی کند تا مرجع مذکور آن تصمیمات را بررسی، و اشتباهات را به طور فوری و موثر تصحیح کند.

۹) حقوق نامزدی، حزبی و مبارزاتی توأم با تکالیفی در قبال جامعه است. مخصوصاً این تکلیف که هیچ نامزد یا حزب سیاسی نباید خشونت بورزد.

۱۰) هر نامزد و حزب سیاسی که در انتخابات مبارزه می‌کند باید حقوق و آزادیهای دیگران را محترم شمرد.

۱۱) هر نامزد و حزب سیاسی که در انتخابات مبارزه می‌کند باید نتیجه انتخابات آزاد و منصفانه را بپذیرد.

۴- حقوق و تکالیف کشورها

کشورها باید اقدامات تقنینی و غیر تقنینی لازم را به موجب روند قانون اساسی خود اتخاذ کنند تا طبق تعهدات خود در حقوق بین‌الملل، حقوق و چارچوبی نهادین برای انتخابات ادواری، واقعی، آزاد و منصفانه تضمین کنند. به ویژه کشورها باید:

« آیینی موثر، بی طرفانه و بدون تبعیض برای ثبت نام رای دهندگان ایجاد نمایند؛

« موازینی روشن مانند سن، شهروندی و اقامت برای ثبت نام رای دهندگان اتخاذ نمایند و تضمین کنند که این موارد بدون هرگونه تبعیض اعمال می‌شوند؛

« امکان تشکیل و فعالیت آزاد احزاب سیاسی را فراهم کنند و حتی الامکان تامین هزینه احزاب سیاسی و مبارزاتی را تحت نظم در آورند که حزب و دولت حاکم جدای از یکدیگرند و شرایط رقابت در انتخابات قوه قانون گذاری منصفانه است؛

« برای اطمینان از اینکه مردم با مسایل و آیین های انتخاباتی آشنا هستند، برنامه های ملی آموزش همگانی را ایجاد یا تسهیل کنند.

۲) به علاوه کشورها به منظور اطمینان از دستیابی تدریجی و تحکیم اهداف دموکراتیک، باید اقدامات سیاست گذاری و نهادین لازم را اتخاذ نمایند. از جمله اینکه یک ساز و کار بی طرفانه، مستقل و متعادل برای مدیریت انتخابات فراهم کنند. به عنوان مثال باید:

« مطمئن شوید که مسوولان امور مختلف انتخابات، آموزش دیده هستند و بی طرفانه عمل می‌کنند، و اینکه آیین های رای گیری منسجمی ایجاد شده و به اطلاع عموم رسیده است؛ مطمئن شوند که رای دهندگان، ثبت نام کرده و فهرست انتخاباتی و آیین های رای گیری با مساعدت ناظران ملی و حسب لزوم بین المللی، روز آمد شده اند؛ احزاب، نامزدها و رسانه ها را تشویق کنند که یک ضابطه رفتاری واحد را برای انجام مبارزات انتخاباتی و دوره ای رای گیری مورد پذیرش قرار دهند؛ اعتبار برگه رای را با انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از رای دهی مکرر و یا رای دهی توسط کسانی که واجد شرایط نیستند، تضمین کنند؛ اعتبار روند شمارش آرا را تضمین کنند.

۲۶

۳) کشورها باید حقوق انسانی همه افراد موجود در قلمرو، و تحت صلاحیت خود را مورد احترام قرار دهند و تامین کنند. در زمان انتخابات، دولت و ارکان حکومتی باید تضمین کنند که:

آزادی رفت و آمد، انجمن ها، تجمعات و بیان، به ویژه در قالب راهپیمایی و تجمعات سیاسی محترم شمرده شوند؛ احزاب و نامزدها دیدگاه های خود را آزادانه به انتخاب کنندگان منتقل کنند و از دسترسی یکسان به رسانه های دولتی و عمومی برخوردار شوند؛ اقدامات لازم برای تضمین پوشش بی طرفانه انتخابات در رسانه های دولتی و عمومی انجام گیرد.

۴) برای انجام انتخابات منصفانه، کشورها باید اقدامات لازم را جهت حصول اطمینان از اینکه احزاب و نامزدها از فرصت های معقول برای ارائه مواضع انتخاباتی خود برخوردار هستند، به عمل آورند.

۵) کشورها باید تضمین احترام اصل مخفی بودن رای و اینکه رای دهندگان بتوانند رای خود را آزادانه و بدون ترس با ارباب به صندوق ها بریزند، کلیه اقدامات لازم و مناسب را اتخاذ کنند.

۶) علاوه براین، مقامات حکومتی باید تضمین کنند که رای گیری بدون هرگونه تقلب یا دیگر اقدامات غیرقانونی انجام می پذیرد و امنیت، صحت و اعتبار روند رای گیری حفظ میشود و همچنین تضمین نمایند که شمارش آرا مشروط به نظارت و بازبینی بی طرفانه است که توسط افراد آموزش دیده صورت می گیرد.

۷) کشورها باید اقدام لازم و مناسب را برای اطمینان از شفافیت کل روند انتخاباتی به عمل آورند، مثلا از طریق حضور نمایندگان احزاب و ناظران معتبر مجاز.

۸) کشورها باید با انجام تمام اقدامات لازم و ضروری مطمئن گردند که احزاب، نامزدها و هواداران آنها از امنیت مساوی برخوردارند و مقامات دولتی اقدامات لازم را برای جلوگیری از خشونت انتخاباتی به عمل آورده‌اند.

۹) کشورها باید تضمین کنند که موارد نقض حقوق بشر و شکایات راجع به روند انتخاباتی فوراً و در چارچوب محدوده زمانی جریان انتخابات به طور موثر توسط مقامی مستقل و بی‌طرف مانند کمیسیون انتخاباتی یا دادگاه‌ها، رسیدگی و احراز می‌شوند.


«»«»«»«»«»«»

برگرفته از کتاب، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌الملل

پرفسور گای اس. گودوین گیل

ترجمه: دکتر سید جمال سیفی و دکتر سید قاسم زمانی





یک تجربه مدنی: کمیته دفاع
از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه



یک تجربه مدنی: کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه

کمیته دفاع از انتخابات

مرتضی کاظمیان



نهادهایی که جامعه مدنی ایران را سامان می‌دهند، پرشمارند؛ نهادهایی که متأسفانه به علل و دلایل گوناگون، امکان استمرار و تاثیرگذاری آن‌ها، با موانع و مشکلات متعدد مواجه می‌شود. یکی از این عوامل، حاکمیت اقتدارگرایی است که نهادهای مدنی مستقل و ناظر را برمی‌تابد، و می‌کوشد به اشکال مختلف مانع فعالیت مستقل و موثر آنان در جامعه، و البته نقد وضع سیاسی مستقر شود.

«کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» که در ۱۴ مرداد ۱۳۸۶ کار خود را آغاز کرد از جمله این نهادهای مدنی است. بنیادی مستقل و غیردولتی که به دعوت فعالان «کانون مدافعان حقوق بشر» (از جمله شیرین عبادی، محمد سیف‌زاده، محمدعلی دادخواه، و عبدالفتاح سلطانی) شکل گرفت. «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» با تشکیل دوگروه کاری یعنی «بررسی قوانین و مقررات انتخابات» و «نحوه اجرای عملکرد مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات» کوشید بر روند برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی، از بستر سیاسی - اجتماعی آن تا هنگام انجام و اعلام نتایج و اعتراض به خروجی انتخابات، نظارت و در مورد آن‌ها اطلاع‌رسانی کند. افزون بر حقوق‌دان‌هایی که اسم آن‌ها ذکر شد، هادی اسماعیل‌زاده، عباس امیرانتظام، محمد بسته‌نگار، داوود هرمیداس‌باوند، حبیب‌الله پیمان، تقی رحمانی، عزت‌الله سبحانی، عبدالفتاح سلطانی، خسرو سیف، احمد صدرحاج سیدجوادی، محمدعلی عمویی، مرتضی کاظمیان، نرگس محمدی، سعید مدنی، مرضیه مرتضی لنگرودی، علی‌اکبر معین‌فر، علی‌اکبر موسوی خوئینی، ابراهیم یزدی و حسن یوسفی اشکوری در این کمیته حضور داشتند.

این کمیته وظیفه دیده‌بانی و نظارت بر انتخابات را از انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی

شروع کرد؛ رصدی که مبنای آن ضوابط بین‌المللی در خصوص چگونگی برگزاری انتخابات آزاد، سالم و عادلانه بود. «کمیته» در اوایل آبان‌ماه همان سال فعالیت رسمی و علنی خود را آغاز کرد. و در اطلاعاتی، معیارهای بیست‌گانه‌ای تحت عنوان «پیش شرط برگزاری انتخابات» که از اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن و بیانیه اتحادیه بین‌المللی مصوب ۲۶ مارس ۱۹۹۴ اقتباس شده بود، مورد تأکید قرار گرفت و به عنوان مبنای کار کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، اعلام شد.

این استانداردها و معیارها به شرح زیر بودند:

۱) اراده مردم اساس و منش قدرت حکومت است و این اراده باید بوسیله انتخابات آزاد، سالم و عادلانه اعلام شود.

۲) آزادی و سلامت انتخابات هنگامی میسر است که حقوق و آزادی‌های اساسی مردم طبق معیارهای جهانشمول تحقق پیدا کرده باشد.

۳) آزادی و سلامت انتخابات بدین معنی است که همه احاد ملت و همه گرایش‌ها و تشکل‌های سیاسی، عقیدتی و قومی و مذهبی بتوانند بدون احساس زور و تحمیل در انتخابات شرکت نمایند و به نامزدهای مورد نظر خود رأی دهند و به لحاظ رأیی که می‌دهند مورد بازخواست و فشار و محرومیت قرار نگیرند، شرکت با عدم شرکت در انتخابات تحمیلی نباشد و اثر سویی در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افراد نداشته باشد.

۳۱

۴) به منظور رعایت عدالت و انصاف در خصوص انتخاب شوندگان و نامزدهای انتخاباتی، غیر از محدودیت‌هایی از قبیل سن قانونی، تابعیت کشور محل رأی یا نداشتن سوء پیشینه مؤثر کیفری در جرائم عادی - که منجر به محرومیت موقت از حقوق اجتماعی شده باشد - هیچ محدودیت دیگری نباید ایجاد نمود.

۵) مردم حق دارند به عنوان رأی‌دهنده یا انتخاب‌شونده بطور فردی یا از طریق احزاب و تشکل‌های مختلف، در انتخابات شرکت نمایند.

۶) احزاب و تشکل‌های مختلف، هر نوع گرایش سیاسی و عقیدتی باید بتوانند در شرایط یکسان نامزدهای خود را معرفی و برای شرکت در انتخابات از شرایط و تسهیلات مساوی و عادلانه بهره‌مند باشند.

۷) رأی‌دهندگان و نامزدهای انتخاباتی، فردی یا حزبی حق دارند بدون بیم و نگرانی، دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود را تبلیغ و ترویج و در رسانه‌های گروهی مطرح کنند.

۸) دولت باید تمام اقدامات لازم را به عمل آورد تا احزاب و نامزدها و رأی‌دهندگان از امنیت جانی و مالی و حیثیتی مساوی برخوردار گردند و از هر نوع خشونت، جلوگیری بعمل آورد.

۹) دولت باید تضمین کند که موارد نقض حقوق بشر در رابطه با انتخابات آزاد را فوراً در محدود زمانی معینی در دادگاه‌های عمومی علنی، مستقل و بی‌طرف مورد رسیدگی قرار دهد و با ناقضان قانون اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی یا نهادهای دولتی برخورد جدی و فوری در چارچوب قانون بعمل آورد، و رأی‌ساز را از طریق رسانه‌های گروهی برای اطلاع عمومی اعلام نماید.

۱۰) قوانین و مقررات داخلی مربوط به انتخابات نباید با عرف و تعهدات بین‌المللی دولت مغایرت داشته باشند.

- ۱۱) انتخابات باید دوره ای و در دوره های مشخص انجام گیرد.
- ۱۲) دولت موظف است برنامه های ملی آموزش همگانی، جهت آشنایی مردم با معیارها و آیین های انتخابات آزاد را اجرا نماید.
- ۱۳) رأی گیری باید بطور فراگیر انجام شود و شامل کلیه اتباع ایرانی باشد.
- ۱۴) به منظور تأمین سلامت انتخابات دولت موظف است امکان نظارت و بازبینی بی طرفانه نهادها و تشکل های مردمی و غیر دولتی و نمایندگان احزاب سیاسی را بر فرآیند انتخابات فراهم نماید.
- ۱۵) در فرآیند انتخابات همه آحاد مردم باید مورد حمایت قانونی قرار گیرند و چنانچه حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و انتخاباتی آنان تضییع گردد باید از امکان جبران خسارت مادی و معنوی برخوردار باشند.
- ۱۶) کلیه احاد ملت اعم از زن و مرد و تشکل ها و احزاب سیاسی - عقیدتی و قومی باید در شرایط مساوی بتوانند از رسانه های گروهی و به ویژه از رسانه های دولتی جهت تبلیغات انتخاباتی بهره مند گردند.
- ۱۷) رأی گیری باید مخفیانه به عمل آید بدین معنی که غیر از رأی دهنده هیچ شخص دیگری از مفاد رأی وی مطلع نشود.
- ۱۸) دولت باید اقدامات لازم و مناسب برای شفافیت روند انتخابات به عمل آورد و اصل را بر برائت و واجد صلاحیت دانستن همه نامزدها اعم از زن و مرد قرار دهد و از هر گونه تفتیش عقاید و اعمال نظارت سلیقه ای جلوگیری کند.
- ۱۹) رأی گیری باید بدون هر گونه تقلب یا ارباب یا هر گونه اقدام غیر قانونی انجام گیرد و شمارش آراء باید تحت نظارت و بازبینی بیطرفانه نمایندگان احزاب، تشکل ها و نامزدها باشد، دولت مکلف به تضمین و اجرای این بند می باشد.
- ۲۰) اعمال هر گونه نظارت استصوابی توسط نهادهای حکومتی - تحت هر عنوان باشد - ناپسندیده انگاشتن حقوق شهروندی و مخدوش ساختن انتخابات آزاد، سالم و عادلانه است.

انتشار اطلاعیه کمیته

شیرین عبادی در گفت و گویی با «دویچه وله» در مورد تشکیل این کمیته گفت: «قرار است که عملکرد تقنینی و همچنین عملکرد اجرایی دولت با توجه به ضوابطی که بوسیله ی افراد خوشنام، ملی و قدیمی این کشور اعلام شده است، به همه مردم گفته بشود. و در نتیجه این کمیته نه تنها برای انتخابات مجلس شورای اسلامی که در اسفندماه برگزار خواهد شد، بلکه برای سایر انتخابات نیز فعالیت خواهد کرد. هدف ما معرفی کاندیدای خصوصی و یا دعوت مردم به شرکت در انتخابات یا دعوت آنها به تحریم انتخابات نیست. اینها اموری است که مردم خود باید تصمیم بگیرند. اما آنچه این کمیته انجام می دهد این است که ضوابطی دقیق و مشخص برای چگونگی انتخابات آزاد، سالم و عادلانه را اعلام بکنند بر طبق معیارهایی که در جهان هست و بعد اظهار نظر کند که آیا انتخاباتی که در ایران صورت می گیرد منطبق با این ضوابط هست یا خیر.»

سه ماه تا برگزاری انتخابات مجلس هشتم در جمهوری اسلامی، کمیته با انتشار بیانیه ای از «نگرانی های»

خود در مورد سلامت برگزاری انتخابات اسفندماه ۱۳۸۶ گفت: "با اشاره به اظهار نظر برخی مقام‌های برگزارکننده و ناظر بر انتخابات، اعلام کرد: «صحت انتخابات آتی مورد تردید می‌باشد. انتخاباتی آزاد، سالم و عادلانه ارزیابی خواهد شد که: غیر از محدودیتهائی از قبیل سن قانونی، تابعیت کشور محل رأی یا نداشتن سوء پیشینه مؤثر کیفری در جرائم عادی" که منجر به محرومیت موقت از حقوق اجتماعی شده باشد "هیچ محدودیت دیگری (با ابزار نظارت استصوابی یا به شکل‌ها و بهانه‌های دیگر) در آن اعمال نشود.»

در بیانیه دی ماه این کمیته نیز تاکید شد که «دولت باید اصل را بر برائت و واجد صلاحیت دانستن همه‌ی نامزدها (اعم از زن و مرد) قرار دهد و از هرگونه تفتیش عقاید و اعمال نظارت سلیقه‌ای جلوگیری کند. اعمال هرگونه نظارت استصوابی توسط نهادهای حکومتی - تحت هر عنوان - نادیده انگاشتن حقوق شهروندی و محدود ساختن انتخاب آزاد، سالم و عادلانه است. در اقدامی کم سابقه، کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه با انتشار اطلاعیه‌ای در آستانه انتخابات مجلس هشتم، از مردم خواست که "تخلفات انتخاباتی" و موارد نقض حقوق فردی و اجتماعی و تخلفات انتخاباتی را همراه با شواهد معتبر و قابل ارائه به اطلاع این کمیته برسانند.»

کمیته همچنین از همه کسانی که اقدام به ثبت نام جهت نامزدی مجلس کرده و رد صلاحیت شده بودند خواست که کلیه مستندات و مکاتبات مربوط به دلایل هیئت‌های اجرایی و نظارتی برای رد صلاحیت شان و دلایل معارض آن را به این کمیته ارسال کنند. نظارت این کمیته بر انتخابات، فعالانه ادامه یافت.

۳۳

در بهمن ۱۳۸۶ کمیته مزبور نسبت به چگونگی بررسی صلاحیت داوطلبان ورود به هشتمین دوره‌ی مجلس در هیات‌های اجرایی انتخابات، و نتایج مترتب بر آن، اعتراض کرد. در بیانیه‌ی منتشر شده توسط کمیته، تصریح شد: «نه تنها تمامی نامزدهای غیروابسته به حکومت و افرادی که در حوزه‌ی اپوزیسیون و مخالفان قانونی قدرت مسلط، فعال هستند، رد صلاحیت شده‌اند؛ بلکه بخش قابل توجهی از منتقدان و نیروهای سیاسی غیرهمسو با جریان حاکم در حکومت نیز فاقد صلاحیت برای حضور در رقابت انتخاباتی اسفندماه آتی، ارزیابی شده‌اند.»

کمیته با اعتراض نسبت به اعمال نظارت استصوابی در انتخابات، و حمایت رئیس جمهور وقت (محمود احمدی‌نژاد) از رد صلاحیت نامزدهای مستقل و منتقد، تاکید کرد: «عدم اصلاح روند کنونی، انتخابات مجلس هشتم را به غایبی خالی از محتوای قابل دفاع و منطبق با استانداردهای یک انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، مبدل می‌سازد.»

و سرانجام در آستانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس هشتم در ۲۴ اسفند ۱۳۸۶، کمیته با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد:

«انتخابات مجلس در حالی برگزار خواهد شد که فاصله محسوس نحوه برگزاری این انتخابات با استانداردها و ضوابط یک انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، غیرقابل کتمان است. پس از رد صلاحیت‌های گسترده نامزدها در هیات‌های اجرایی و ادامه این روند در هیات‌های نظارت، سرانجام شورای نگهبان با تعیین تکلیف و اعلام فهرست نهایی نامزدهای مجاز به حضور در رقابت انتخاباتی، بر برگزاری یک انتخابات ناسالم و غیرعادلانه، مهر اجرا زد. اینک، قرار است انتخاباتی برگزار شود که نه تمامی نامزدها در آن امکان رقابت دارند و نه شهروندان آزادند که نامزدهای مورد نظر خویش را برگزینند زیرا قریب به اتفاق نامزدهای مخالف، منتقد و غیرهمسو با جریان مسلط در ساخت قدرت، از امکان حضور در

عرصه رقابت انتخاباتی، محروم و حذف شده‌اند.»

در این بیانیه همچنین آمده بود: «اکنون انتخابات مجلس هشتم به گونه‌ای صورت‌بندی شده است که پیش از اراده مردم، اراده برخی صاحبان قدرت، تکلیف کرسی‌های مجلس را معلوم کرده و بیش از آنکه انتخابات، واجد رقابت تمامی جریان‌ها و جمعیت‌های سیاسی باشد، به صحنه رقابتی محدود و از قبل کنترل و طراحی شده، مبدل گردیده است.»

به باور کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه: «افزون بر مشکلات ساختاری، حقوقی و اجرایی روند انتخابات، نامساوی بودن امکانات و ابزارهای تبلیغاتی - به‌ویژه در آن بخش که به‌عملکرد رسانه ملی مربوط و معطوف - است و نیز دخالت‌های صریح (مستقیم و غیرمستقیم) مقام‌های نظامی، از دیگر موضوعات مهم و تأثیرگذار بفرآیند و نتیجه انتخابات محسوب می‌شوند.»

نظارت «کمیته» بر انتخابات ادامه یافت؛ مرحله دوم انتخابات مجلس نیز در رصد این نهاد مدنی، قرار گرفت؛ ارزیابی کمیته چنین بود: «سیاست‌گذاران، مجریان و خصوصاً ناظران انتخابات مزبور، در حالی این فرآیند را تکمیل کردند که به درخواست‌ها و اعتراض‌های برخی نامزدها و احزاب برای بازشماری آرا و نیز ارائه اطلاعات و آمار صندوق‌های رای (شامل کل آرای مأخوذه، آرای صحیح، آرای فرد نامزدهای راه‌یافته به مرحله دوم و پیروز در مرحله نخست) پاسخ لازم و قانع‌کننده، ندادند.»

کمیته در بیانیه دیگری که در اردیبهشت ۱۳۸۷ منتشر شد - اعلام کرد که «صرف‌نظر از مشکلات ساختاری و حقوقی نظام انتخاباتی در ایران و مستقل از ایرادات وارد به چگونگی برگزاری انتخابات مجلس هشتم در مرحله نخست (از جمله: اعمال نظارت استصوابی، حمایت برخی از نهادهای ساخت قدرت از یکی از جناح‌های سیاسی اصلی و به‌ویژه همسویی رسانه ملی و نیز نحوه شمارش آرا)، کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه روند طی شده در مرحله دوم انتخابات مجلس هشتم را در ادامه تخلفات و روند مخدوش و غیرمنصفانه مرحله نخست، انتخاباتی ناسالم، غیرآزاد و ناعادلانه، ارزیابی می‌کند.»

پس از آن، و در تیرماه ۱۳۸۷، گزارش مفصل و نهایی کمیته از انتخابات مجلس هشتم منتشر شد؛ گزارشی که «برای چهار مرجع مسئول در ایران (دبیر شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه، رئیس قوه مقننه و رئیس قوه مجریه) ارسال شد و بعد برای اطلاع و ارزیابی افکار عمومی منتشر گردید.»

نشست خبری

شیرین عبادی، سخنگوی کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه در نشستی خبری که به همین منظور تشکیل شد با بیان اینکه ابزار فعالان حقوق بشر، افکار عمومی در عرصه ملی و بین‌المللی است، گفت: «ما در درجه اول حرف خود را برای مردم و حکومت خودمان می‌گوییم بعد با افکار عمومی بین‌المللی سخن می‌گوییم. برای همین هم این گزارش برای چهار مقام ارشد نظام جمهوری اسلامی ارسال شده است. این گزارش البته برای همه نهادهای بین‌المللی ارسال خواهد شد.»

گزارش نهایی ارزیابی انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی با یک مقدمه، ۹ سرفصل و یک پیوست تدوین و منتشر شد: «موانع قانونی در برابر انتخابات آزاد»، «سالم و عادلانه، انتخابات و رسانه ملی»، «تبلیغات انتخاباتی و مطبوعات»، «تبلیغات انتخاباتی نامزدها»، «نظامیان و انتخابات مجلس هشتم»، «عملکرد هیات‌های اجرایی و نظارت در تأیید و رد صلاحیت نامزدها»، «نظارت استصوابی شورای نگهبان»، «شمارش آرا در انتخابات مجلس هشتم» و «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری سرفصل‌های این

گزارش را تشکیل می‌دادند. همچنین ضوابط و معیارهای انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، پیوست این گزارش بود.

عبدالفتاح سلطانی، حقوقدان عضو کمیته در نشست مطبوعاتی مزبور، گفت: «اگر به احزاب و جریان‌های سیاسی اجازه داده نشود تا از طریق مسالمت‌آمیز حرف خود را بزنند و کاندیداهای مورد نظر خود را معرفی کنند آیا این احتمال که جامعه به سوی خشونت برود، وجود ندارد؟ در چنین شرایطی آیا مدافعین حقوق بشر باید سکوت کنند و ناظر بروز زمینه خشونت در جامعه باشند؟»

ابراهیم یزدی عضو این کمیته و دبیرکل نهضت آزادی ایران نیز گفت: «کانون مدافعان حقوق بشر یک شخصیت فراملی دارد و از طرف مجامع بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. درخواست نظارت بین‌المللی وظیفه سازمان‌های سیاسی است.»

بررسی تطبیقی قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر اسناد بین‌المللی راجع به انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، از دیگر اقدامات کمیته است. ارزیابی و گزارشی که در آبان ۱۳۸۷ منتشر شد. کمیته‌ی انتخابات آزاد، سالم و عادلانه در بیانیه‌ای تأکید کرد که «قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران در موارد زیر با معیارهای انتخابات آزاد، تعارض جدی داشته و به موجب تهددی که نمایندگان مجلس ایران در نشست اتحادیه‌ی بین‌المجالس در سال ۱۹۹۴ میلادی بر آن تأکید داشته‌اند، کلیه‌ی قوانین راجع به انتخابات گوناگون را باید با معیارهای مندرج در بیانیه‌ی صادره از سوی نهاد بین‌المللی مذکور، تطبیق دهند و قوانینی را که مخالف این معیارهاست، اصلاح کنند.»

۳۵

در بیانیه‌ی مزبور همچنین تأکید شده بود که «قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران بنا به دلایل آشکار نظیر اعمال نظارت استصوابی در احراز صلاحیت کاندیدها، فقدان معیارهای عینی برای داوطلبان در قوانین اساسی و عادی کشور، تضيیقات شدید تبلیغاتی و عدم تساوی حقیقی کاندیدها در امر تبلیغات، امکان ابطال انتخابات و ایراد خدشه به آرای ملت توسط کارگزاران حاکمیت، مشروط بودن رای ملت به نظر مقام رهبری و همچنین تبعیض جنسیتی آشکار در صلاحیت داوطلبان این مقام دارای تعارضات آشکار با حقوق بنیادین ملت و تعهدات بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران است.»

امضا کنندگان این بیانیه به دولت جمهوری اسلامی ایران توصیه کرده بودند تا «در کوتاه‌ترین زمان، نسبت به اصلاح این قانون اقدام کند.»

هادی اسماعیل‌زاده، سعید آل‌آقا، داوود هرمیداس باوند، محمد بسته‌نگار، محمدتوسلی، محمدعلی دادخواه، تقی رحمانی، عزت‌الله سحابی، عبدالفتاح سلطانی، خسرو سیف، سیدمحمد سیف زاده، حسین شاه ویسی، عطاءالله شیرازی، هاشم صباغیان، احمدصدرحاج سید جوادی، شیرین عبادی، محمدعلی عمویی، مرتضی کاظمیان، نرگس محمدی، سعید مدنی، مرضیه مرتاضی لنگرودی، مهدی معتمدی مهر، علی‌اکبر معین‌فر، علی‌اکبر موسوی خوئینی، و ابراهیم یزدی امضاکنندگان و اعضای کمیته بودند.

درحالی‌که اعضای کمیته زیر تهدید مستمر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی بودند، بیانیه مهم دیگری از این نهاد ناظر در مورد «مداخله‌های آشکار و پیاپی نظامیان در انتخابات ریاست جمهوری دهم» در بهمن ۱۳۸۷ منتشر شد؛ بیانیه‌ای که در آن آمده بود: «متأسفانه با وجود فاصله چند ماهه تا انتخابات آتی و به ویژه طی هفته‌های اخیر مقامات نظامی به‌گونه‌ای کاملاً آشکار مواضع صریح و جانبدارانه‌ای را به سود نامزدی رییس فعلی قوه مجریه در انتخابات اعلام کرده و در قالب گردهمایی‌های نظامی موضعی را علیه سایر نامزدهای ریاست جمهوری اتخاذ کرده‌اند.»

کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه ضمن ابراز نگرانی نسبت به ادامه هرگونه مداخله نظامیان در روند برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، از مقام‌های مسئول در جمهوری اسلامی خواسته بود که «با استفاده از امکانات، موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که به‌واسطه مسئولیت‌های رسمی در اختیار آنان قرار گرفته، حقوق اساسی شهروندان را مخدوش نکنند و در انتخابات آتی، موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کنند.»

نظارت بین‌المللی

فعالیت کمیته در فروردین ماه ۱۳۸۸ با انتشار بیانیه‌ای کم سابقه در مورد «نظارت بین‌المللی» بر انتخابات ریاست جمهوری ادامه یافت. در این بیانیه تأکید شده بود: «در فقدان فضای باز سیاسی، نبود مطبوعات آزاد و محدودیت امکان فعالیت احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد، نظارت نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی بر انتخابات ریاست جمهوری، یکی از راهکارهای قانونی مؤثر است که می‌تواند به برگزاری یک انتخابات آزاد، سالم و عادلانه یاری رساند.»


این بیانیه با اشاره به «بیانیه اصول نظارت بین‌المللی بر انتخابات» که در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده، و با تأکید بر این نکته که این بیانیه به امضای ۲۱ سازمان و نهاد بین‌دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی - از جمله اتحادیه بین‌المجالس، که مجلس شورای اسلامی ایران هم عضو آن می‌باشد - رسیده است؛ و نیز اشاره به این نکته که «سال‌ها پیش از آن هم، اتحادیه بین‌المجالس، در نشست سال ۱۹۹۳، سیاست نظارت بر انتخابات به وسیله این اتحادیه را به اتفاق آرا تصویب کرده بود»؛ تصریح کرد: «نظارت بین‌المللی بر انتخابات نه تنها، به هیچ‌وجه، نشان از نقض استقلال و حاکمیت ملی ندارد، بلکه مبتنی بر تعهدات بین‌المللی دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران و بر اساس ظرفیت‌ها و سازوکارهای مندرج در قانون اساسی ایران صورت گرفته است. حکومت‌ها و دولت‌ها در اعمال حق حاکمیت، مقید و محدود به رعایت موازین داخلی و بین‌المللی شده‌اند. به عبارت دیگر، اعتبار حاکمیت ملی، به میزان قابل توجهی به رعایت حقوق ملت و تحقق حاکمیت ملت بستگی پیدا می‌کند. هیچکس حضور نماینده ایران در سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و یا تمایل ایران به عضویت در سازمان تجارت جهانی (W.T.O) و مانند آن‌ها را معادل نقض حاکمیت ملی تلقی نمی‌کند و بر ضرورت اینگونه روابط تردیدی ندارد.»

۳۶

کتابخانه

کمیته تأکید کرده بود که «اگر صیانت از آرای مردم بر طبق قانون انتخابات از طریق نظارت نهادهای ملی ممکن شود، نیازی به نظارت بین‌المللی نخواهد بود. از این رو از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد در راستای تقویت فضای اعتماد عمومی و مشروعیت اخلاقی انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری نسبت به اجرایی ساختن نظارت نهادهای مدنی ملی پیشگام شود. بدیهی است چنان‌چه حداقل‌های مندرج در فصل سوم قانون اساسی رعایت شوند؛ مطبوعات مستقل، آزادانه آگاهی‌رسانی کنند؛ نهادهای مدنی ملی شامل احزاب و جمعیت‌های سیاسی و گروه‌های اجتماعی داخلی و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد، امکان حضور و فعالیت آزادانه منطبق بر قانون داشته باشند؛ و چنان‌چه قوه قضاییه در چارچوب اصل تفکیک قوا، از امکان دادرسی عادلانه و الزام صاحبان قدرت به پاسخگویی در برابر نقدها و پرسش‌ها و اتهام‌ها برخوردار باشد، هرگز نیازی به طرح موضوع نظارت بین‌المللی به منظور یاری رساندن به تحقق انتخابات آزاد، سالم و عادلانه نخواهد بود.»

پس از انتشار این بیانیه بود که فشار و تهدید و اعمال خشونت حکومتی علیه کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه به شکل معناداری افزایش یافت؛ احضار و ارباب و بازجویی و بازداشت برخی



پارادوکس نظامیان و
انتخابات آزاد در ایران



پارادوکس نظامیان و انتخابات آزاد در ایران

محمد رضا سرداری



ورود یا دخالت نیروهای مسلح در روند برگزاری انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ریشه در اوایل انقلاب بویژه دهه شصت دارد، در واقع پس از تاسیس نهادی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملی شد. این نهاد یک سازمان مسلح به موازات ارتش است و وظیفه پاسداری از انقلاب اسلامی را برعهده دارد. پس از تاسیس نیروی مقاومت بسیج، این سازمان نیز به عنوان یک تشکیلات گسترده شبه نظامی زیر نظر سپاه قرار گرفته و هر دو تحت امر رهبر جمهوری اسلامی قرار دارند. بنابراین صرف نظر از ارتش که هیچگاه دخالتی در امر سیاست بویژه انتخابات نداشته است، سپاه و بسیج همواره به عنوان گارد ویژه انقلاب در انتخابات ها نقش آفرینی کرده اند. در صورتی که می دانیم قانونی مبنی بر دخالت نیروهای مسلح در انتخابات جز تامین امنیت که آن نیز بر عهده نیروی انتظامی است وجود ندارد. و حتی برخی قوانین و همچنین توصیه های آیت الله خمینی به صراحت نظامیان را از دخالت در سیاست، انتخابات و همچنین عضویت در احزاب یا حمایت از آنان منع کرده است.

۴۰

منع دخالت نظامیان در انتخابات در قوانین جمهوری اسلامی:

در قوانین انتخاباتی، نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی به صراحتاً از هرگونه دخالت در روند اجرایی و نظارتی انتخابات منع شده اند. (ماده ۲۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده ۱۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) این بدان مفهوم است که نظامیان از جزئی ترین امور انتخابات یعنی شمارش آرا و اخذ رای تا مدیریت روند انتخابات در سطح کلان منع شده اند. همچنین به موجب ماده واحده ای نظامیان و نیروهای اطلاعاتی نمی توانند به عنوان نمایندگان کاندیداها بر سر صندوقهای رای حاضر شوند. (تبصره ۴ ماده واحده قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری) همچنین بر اساس ماده ۴۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مداخله، شرکت یا فعالیت کارکنان نیروهای مسلح در دسته بندی ها، مناقشه های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع و جرم تلقی می شود. و مرتکبین به شش ماه تا ۳ سال حبس محکوم می گردند.

همچنین در ماده ۴۹ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح به موارد ذیل به عنوان تخلف اعضای این نیرو اشاره شده است:

"استفاده از امکانات سپاه بر له یا علیه احزاب، جناحها، گروهها، تشکلهای سیاسی و نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری،

راهاندازی و اداره هر نوع جلسه، اجتماع و سخنرانی تبلیغاتی له یا علیه هر یک از نامزدها، جناحها، گروهها و تشکلهای سیاسی،

دعوت از عناصر و مسئولین تشکلهای سیاسی و نامزدهای انتخاباتی به مراکز سپاه،

تبلیغ له یا علیه نامزدهای انتخاباتی، گروهها، جناحها، احزاب و تشکلهای سیاسی و توزیع، نصب یا کندن و پاره نمودن اعلامیه، عکس، پوستر، پلاکارد آنان و پخش نوار، سی دی و امثال آن برای کلیه کارکنان سپاه و بسیج،

دخالت در انتخابات با عنوان نظارت و بازرسی و عضویت در هیاتهای اجرایی و نظارت، بدون هماهنگی و حکم ماموریت سازمان،

هرگونه دخالت در امور حوزههای انتخاباتی و اعمال نظر شخصی و مغایر با وظایف قانونی،

ایجاد درگیری و برهم زدن سخنرانی و همچنین استفاده از عناوین مسئولیتی، درجه، جایگاه و نیز تهدید، تشویق مردم له یا علیه هر یک از گروهها و جناحها و نامزدها،

هرگونه اظهار له یا علیه نامزدهای انتخاباتی توسط کارکنان سپاه و بسیجیان محافظ صندوقهای اخذ رای،

تهیه طومار و امضا له یا علیه هر یک از گروهها و جناح و نامزدها،

نصب عکس، پلاکارد، بنر، پوستر، اعلامیه تبلیغی نامزدهای انتخاباتی با گروهها، جناحها و تشکلهای سیاسی در اماکن سپاه، بسیج و خودروهای متعلق به سپاه،

هر گونه اقدامی که به منزله ورود به فعالیتها، برنامهها و تبلیغات نامزدها و یا احزاب و گروهها باشد: از قبیل شرکت درگردهماییها، جلسات عمومی و خصوصی، تردد به ستادهای انتخاباتی و

فعالیت مطبوعاتی در نشریات آنها مانند نگارش هر نوع مطلب، مقاله و توزیع یا فروش مجلات و کتب منتشره.

اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که حکم قانون را دارد نسبت به منع دخالت اعضایش در مسائل سیاسی و حزبی صراحت دارد. بر اساس ماده ۴۷ این اساسنامه "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و عقیدتی تابع ولایت فقیه بوده و از کلیه احزاب و گروه های سیاسی مستقل است و خود نیز هرگز نباید در جامعه شخصیت حزبی پیدا کرده و به صورت یک حزب یا سازمان سیاسی عمل کند." همچنین مطابق ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ افراد زیر نظامی محسوب می شوند:

کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته،

کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته،

کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروی های و سازمان های وابسته،

کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران،

کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان خدمت،

محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح و مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح،

کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند.

این قوانین گرچه قوانینی کوتاه و مختصرند اما در خصوص منع حضور نظامیان در امر انتخابات به میزان کافی از شفافیت برخوردارند.

رای دادن

شواهد و مستدللات دخالت سپاه پاسداران و بسیج در انتخابات و سوابق موجود

با این حال بسیاری از رجال پیشین و کنونی نظام جمهوری اسلامی در سطوح مختلف به دخالت نظامیان بویژه سپاه پاسداران و نیروهای بسیج در انتخابات اقرار کرده اند. مهمترین رجل در این خصوص آیت الله خمینی است. وی در اظهاراتی به مناسبت تولد امام رضا در این خصوص گفته بود: "برای سپاهی ها جایز نیست که وارد بشوند در دسته بندیها و آن طرفدار آن یکی و آن یکی طرفدار آن یکی. به شما چه ربطی دارد که در مجلس چه می گذرد در امر انتخابات، باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی ها بازم صحبت هست، خوب، انتخابات در محل خودش دارد می شود، جریانی دارد، به سپاه چه کار دارد که آنها هم اختلاف پیدا کنند، برای سپاه جایز نیست این کار، برای ارتش جایز نیست این کار (ر.ک و ب سایت آهنگ راه، سیدمحمد موسوی خویینی ها)."

این اظهارات که مربوط به انتخابات مجلس است به خوبی نشان می دهد که انگیزه دخالت در امور سیاسی حتی در دوره رهبری آیت الله خمینی تا حدی بوده که وی را به واکنش واداشته است. درعین حال در دهه شصت، با وجود فضای بسته سیاسی از یک سو و همچنین جنگ ایران و عراق و درگیری تمام عیار نیروهای مسلح در جنگ، دخالت نظامیان چندان محسوس نبود.

اما از آغاز دهه هفتاد فصل تازه ای از دخالت نظامیان در انتخابات شکل می گیرد. در دوره دوم انتخابات مجلس پنجم که جریان کارگزاران به محوریت غلامحسین کرباسچی از طیف راست نظام انشعاب کرده و برچسب لیبرال از سوی رقبای خود خورده بود، محسن رضائی، فرمانده وقت سپاه فرمان عملیات سیاسی را در مراسم صبحگاه لشکر ۷ حضرت رسول صادر کرد و گفت: «ما در مرحله دوم باید به صحنه بیائیم و با رای خود نگذاریم لیبرالها و لویک نفر از اینها به مجلس بروند و بخواهند برای ملت و کشورمشکل درست کنند (کیهان ۲۹ فروردین سال ۱۳۷۵)».

وی در انتخابات دوره قبل کاندید انتخابات ریاست جمهوری بود و پس از آن به نتیجه انتخابات اعتراض کرد ولی از پیگیری اش منصرف شد. وی در این دوره نیز تصمیم گرفته نامزد انتخابات شود. اظهارات رضایی آغازی بر حضور تشکیلاتی سپاه در انتخابات بود که بعدها از آن به سبب رای سپاه یاد شد. با این حال نقش سپاه در انتخابات پس از رویداد غیر منتظره دوم خرداد تا آغاز دهه هشتاد مسکوت ماند. تا اینکه در دومین دوره انتخابات شوراها سپاه و بسیج با سازماندهی جدیدی ورود خود به مسئله انتخابات را از سر گرفتند. پروژه دخالت نظامیان با نام "طرح بصیرت" و آموزشهای عقیدتی "سیاسی و تشکیلاتی" آغاز شد. افزون بر این آموزشهای تشکیلاتی لازم برای جمع آوری رأی به آنها داده شد و هر بسیجی موظف شد که آراء حداقل ده نفر از اعضای خانواده و آشنایان را در روز انتخابات مدیریت کند. فعالیت‌های سیاسی عایدتولوژیک انتخاباتی نیز از راه "هادیان سیاسی سپاه" سازماندهی گردید. در روز انتخابات و شمارش آرا نیز سپاه کنترل نا محسوسی بر سایت کامپیوتری اعمال کرد تا جایی که حتی بازرسان وزارت کشور نیز اجازه نیافتند بر سر سایتهای مذکور حضور یافته و بر شمارش آراء نظارت کنند.

دخالت نظامیان از این پس وارد مرحله تازه ای شد و آن به خدمت گرفتن نیروهای بسیجی به عنوان ناظرین شورای نگهبان بود. شورای نگهبان، علیرغم مخالفت‌های صریح وزارت کشور در هر استان دفاتر نظارتی تاسیس کرد و از طریق جذب نیرو از سوی نیروهای مقاومت بسیج و سازماندهی آنها به دو شیوه از حضور آنان بهره برد. نخست تحقیقات محلی از نامزدهای انتخاباتی و سنجش میزان نزدیکی دوری آنان با معیارهای این شورا و سپس حضور آنان بر سر صندوقهای رای که بعضا در برخی صندوقها بالغ بر ۱۰ نفر می شد. پس از این انتخابات تعدادی از نمایندگان مجلس صراحتا نسبت به دخالت مستقیم سپاه در انتخابات هشدار دادند. از جمله این هشدارها، سخنان بهزاد نبوی نایب رئیس وقت مجلس بود که به نقش قرارگاه ثارالله و سازمان اطلاعات سپاه در انتخابات مجلس هفتم اشاره کرده بود.

نقش سپاه در هر دوره از انتخابات پررنگ تر می شد. انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری که به انتخاب محمود احمدی نژاد منتهی گردید یکی دیگر از جلوه های گسترده حضور نظامیان در انتخابات و در واقع مهندسی آن با محوریت سپاه بود. در این انتخابات سپاه نه تنها یک استراتژی و کاندیدا برای انتخابات داشت بلکه از لحاظ تدارکاتی نقش پشتیبانی ستاد انتخاباتی کاندیدای مورد نظر خویش را ایفا کرد. هیات بازرسی وزارت کشور گزارش مفصلی از نحوه دخالت و نفوذ سپاه در آن انتخابات و همچنین کمکهای تدارکاتی آنان تهیه کرد که هیچگاه انتشار نیافت. مهدی کروبی رئیس پیشین مجلس و مصطفی معین وزیر پیشین دولت و از نامزدان انتخابات از جمله افرادی بودند که به نقش مستقیم

سپاه در آن انتخابات اشاره کردند. مهدی کروی در نشست مطبوعاتی خود که بعد از ظهر روز شنبه (فردای انتخابات) برگزار شد گفت: "من انتخابات را به جهت اعمال نفوذ برخی سپاهیان و بسیجیان مخدوش می دانم و از رهبری می خواهم که هیئتی را مسئول پیگیری این موضوع کنند. وی همچنین گفت: "از چند روز پیش از انتخابات احساس کردم که نیروهای بسیج و سپاه یک سری تحرکات دارد، ولی اول این خبرها به یک نامزد دیگر بازمی گشت، من هم شروع کردم به تذکر دادن و هشدار دادم که نکند برخلاف توصیه امام نیروهای مسلح در انتخابات دخالت کنند و وقایعی همچون برخی کشورهای دیگر بیفتد."

مصطفی معین نیز در بیانیه ای نوشت که در روزهای پایانی انتخابات، "اراده ای قاهره - با برای پیروزی" یک کاندیدای خاص و حذف نامزدهای دیگر به میدان آمد و باب سازماندهی برخی نهادهای نظامی و حمایت دستگاه نظارتی انتخابات را گشود. "الله کولایی، سخنگوی مصطفی معین نیز پس از قرائت بیانیه این نامزد انتخاباتی در محل جبهه مشارکت گفت "یک فرایند نظامی و شبه نظامی" در نتیجه انتخابات تأثیرگذار بوده است. این اظهارات در حالی ابزار می شد که دولت محمد خاتمی مجری انتخابات بود و در واقع آخرین انتخابات خود را برگزار می کرد."

اما انتخابات مجلس هشتم که مجری آن دولت محمود احمدی نژاد بود یک انتخابات تمام عیار نظامی بود. سردار افشار که پیشتر فرمانده نیروی مقاومت بسیج بود اینک در جایگاه رئیس ستاد انتخابات کشور (اتاق فرمان انتخابات) قرار گرفته بود. با این حال در این انتخابات رقابت میان طرفداران دولت و جریانی بود که امروز مجلس را در اختیار دارند و واقع رقابتی میان نظامیان بود.

انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران را باید اوج دخالت‌های مهندسی شده سپاه در انتخابات دانست که بسیاری آن را یک کودتای انتخاباتی خوانده اند. در این انتخابات سپاه با توجه خواست از پیش تعیین شده رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد برای بار دوم و از بیم انتقال قدرت به دست اصلاح طلبان که از پشتوانه رای بالایی برخوردار بودند با تمام امکانات خویش وارد عرصه انتخابات شد و سپس سردار مشفق فرمانده قرارگاه ثارالله به نقش مستقیم سپاه در این انتخابات اعتراف کرد.

گزارش منتشر شده از سوی کمپین میرحسین موسوی به زوایایی از دخالت‌های آشکار نیروهای بسیج و سپاه در این انتخابات اشاره دارد. در این گزارش سندی وجود دارد به حمایت صریح سپاه از محمود احمدی نژاد به استناد نظر رهبر جمهوری اسلامی اشاره می کند. در این گزارش می خوانیم: "پخش بسیار گسترده تراکت انتخاباتی یاالثرات الحسین انصار حزب الله در بین پرسنل سپاه و بسیج و نظامیان که در آن سردار سرتیپ پاسدار پاکپور از حجت الاسلام سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه در خصوص انتخابات ریاست جمهوری درخواست رهنمود کرده است و ایشان پاسخ داده اند: و نظر صریح مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه ای، انتخاب مجدد ریاست محترم جمهوری جناب آقای دکتر احمدی نژاد می باشد. بر فرماندهان محترم نیروی زمینی سپاه واجب است در عمل به رهنمودهای مکرر معظم له، پرسنل تحت امر خود و خصوصاً برادران وظیفه را توجیه نمایند. این تراکت علاوه بر نقض موارد فوق الذکر قانونی مبنی بر منع دخالت نظامیان در انتخابات و موضع گیری های جناحی، عملاً زمینه را برای انواع دخالت ها و تصرفات سپاه و بسیج در انتخابات را نیز فراهم می کرد.

استفاده وسیع از امکانات سپاه و نیروی انتظامی برای تبلیغ محمود احمدی نژاد، برگزاری جلسات و همایش های تبلیغاتی و انتخاباتی با توجیه ترغیب نظامیان به مشارکت در انتخابات ولی عملاً

تبلیغ برای محمود احمدی نژاد و مخاطره آمیز قلمداد کردن پیروزی مهندس موسوی برای کشور (سخنرانی‌های گسترده آقایان سعیدی و ذوالنور مسئول و جانشین دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه و تحلیل‌های اداره سیاسی سپاه منعکس در بولتن‌ها که نمونه‌های آن موجود است و مواضع هفته نامه صبح صادق در ماههای فروردین، اردیبهشت و خرداد، جملگی نقض قانون ممنوعیت دخالت نظامیان بوده است.

در تحلیل‌های سپاه اینگونه وافود شده است که جریان رقیب احمدی نژاد (کروبی و موسوی) دستاویز بیگانگان برای اجرای انقلاب مخملی در ایران هستند (سخنرانی آقای سعیدی، منعکس در نشریه تحلیل سیاسی هفته، معاونت سیاسی ستاد کل سپاه)

یا در نشریه روزانه نمایندگی ولی فقیه در سپاه با کنار هم قرار دادن اخبار روزنامه‌هایی همچون جوان، کیهان و ایران عملاً به حمایت از احمدی نژاد پرداخته و کاندیداهای رقیب برای احمدی نژاد را متهم به حمایت از احزاب و گروه‌هایی می‌نمایند که به نظام اعتقاد ندارند (گزیده اخبار روزنامه ویژه انتخابات، واحد سیاسی نمایندگی ولی فقیه ۲۲/۲/۸۸ و ۱۹/۳/۸۸).

از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اقدامات نیروی انتظامی، سپاه و بسیج در ایام قبل از رأی‌گیری در زمینه‌هایی مانند پاره کردن بنرهای تبلیغاتی و جمع‌آوری تبلیغات نامزدهای رقیب آقای احمدی نژاد، حمله به ستادها، تهدید، توهین، ضرب و جرح و فعالیت‌های تبلیغاتی به ویژه مسئولان رده بالا به نفع آقای احمدی نژاد، جمع‌آوری شناسنامه‌ها افراد وظیفه در بعضی پادگان‌ها، توزیع کتاب و انتشار نشریات و بولتن‌ها به نفع آقای احمدی نژاد و علیه آقای موسوی.

۴۵

سازماندهی گسترده با هزینه سپاه و حضور ده‌ها هزار بسیجی با لباس شخصی در متینگ انتخاباتی آقای احمدی نژاد در مصلاي تهران و سازماندهی حضور بسیجیان در همایش‌های تبلیغاتی به نفع آقای احمدی نژاد که در مواردی با پرداخت حق مأموریت همراه بوده است

اقدامات غیرقانونی نیروی انتظامی، لباس شخصی‌ها، سپاه و بسیج در روز رأی‌گیری در مواردی همچون تبلیغ برای آقای احمدی نژاد در حوزه‌های رأی‌گیری، مجبور کردن مردم به دادن رأی به احمدی نژاد، تهدید و ارعاب در بسیاری از حوزه‌ها، روستاها و شعب رأی‌گیری، نوشتن رأی توسط بسیجیان، نشان دادن کارت بسیج و عدم ممه‌ور کردن شناسنامه، دخالت در شعب اخذ رأی.

اقدامات غیرقانونی نیروی انتظامی، لباس شخصی‌ها، سپاه و بسیج در حمله به ستاد آقای موسوی در قیطریه، دستگیری اعضای ستادها و حمله به ستاد مرکزی و سایر ستادها و حمله به ستاد مرکزی و سایر ستادها برای جلوگیری از اطلاع رسانی و جمع‌آوری مستندات تخلفات انتخاباتی.

دخالت نظامیان پس از موفقیت در این انتخابات نیز متوقف نگردید و در انتخابات مجلس نهم علیرغم اینکه رقبای اصلی خود انتخابات را تحریم کرده بودند تداوم یافت. در این انتخابات با توجه به اختلافات محمود احمدی نژاد رئیس جمهور با آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تلاش سپاه جلوگیری از اعمال نفوذ دولت در انتخابات مجلس و راه‌یابی کاندیداهای مورد حمایت آن به مجلس بود. در این انتخابات فرماندهان سپاه در بسیاری از مناطق کاندیداهای مورد نظر خود را انتخاب کرده و براساس برآورد به عمل آمده رقبای جدی آنان را حذف می‌کردند. نمونه مشخص آن انتخابات شهر رشت بود. در این انتخابات قهرمانی استاندار گیلان پس از کناره‌گیری از سمت استانداری، نامزد انتخابات شده اما در حالی که وی شش ماه گذشته استاندار بوده است رد صلاحیت می‌شود. از این

سازماندهی

موارد در سایر نقاط کشور نیز به چشم می خورد و نشان از تسلط کامل سپاه بر فضای انتخابات داشت. از جمله افراد شاخصی که به دخالت مستقیم سپاه در انتخابات اشاره کردند، علی مطهری نماینده مجلس بود که با واکنش تند سپاه و تهدید به شکایت از وی روبرو گردید.

سخنان برخی از فرماندهان و مقامات ارشد سپاه و بسیج در خصوص انتخابات

مقامات روحانی و نظامی سپاه تا کنون و در مقاطع مختلف اظهارات مختلفی در خصوص انتخابات داشته اند. در این میان سرلشگر جعفری فرمانده کل سپاه معتقد است که سپاه پاسداران یک نیروی نظامی صرف نیست. به گفته وی سپاه قبل از نظامی بودن، یک سازمان امنیتی - سیاسی است و نباید صرفاً با اسلحه از انقلاب دفاع کند. وی همچنین در خصوص نقش نیروهای بسیج در انتخابات در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ می گوید: "آن بخش از بسیج که فعالیت‌های نظامی ندارد جزو نیروهای مسلح محسوب نمی‌شود و مجاز است در رابطه با صیانت انقلاب وارد مباحث سیاسی شود. وی همچنین ادعا کرد که فعالیت‌های این بخش از بسیج در انتخابات ریاست جمهوری هم منع قانونی ندارد."

حجت الاسلام سعیدی نماینده رهبر جمهوری اسلامی در سپاه نیز بر نقش سپاه در انتخابات تأکید دارد. به گفته وی سپاه نسبت به انتخابات و اینکه چه کسی رئیس جمهور شود نیز بی تفاوت نخواهد بود. وی معتقد است که "سپاه باید جریان انتخابات را مهندسی کرده و اجازه ندهد افرادی که با رهبر جمهوری اسلامی زاویه دارند به مسند ریاست جمهوری برسند. سپاه یک سید رأی دارد و باید شاخصها و معیارها را بگوید؛ ما رئیس جمهوری را می‌خواهیم که ولایت مدار باشد و تدابیر رهبری را به نحو احسن اجرا کند؛ ما معیارهای ارزشی بودن، ولایت مداری و مدیریت بالا را برای پاسداران و بسیجیان تبیین می‌کنیم." وی همچنین از "اطاعت کامل نمایندگان شوراهای شهر، روستا و مجلس با رهبری نظام سخن گفته است و با صراحت می گوید: "مجلس زمانی رأی من در صندوق، وقتی الهی است که نماینده ای از جنس و گفتمان رهبری انتخاب شود و زمانی رأی من برای شورای روستا و شهر الهی است که عضو شورا گفتمانش از جنس رهبری باشد" در واقع اگر با انتخاب ما جایگاه رهبری تقویت شد آنگاه درست است و این سخن بدین معناست که سلسله مراتب باید طوری باشد که همه همسو با ولایت و رهبری حرکت کنند

سردار نقدی فرمانده کل نیروهای بسیج نیز معتقد است که کلیه برگزیدگان مردم باید با رهبر جمهوری اسلامی مواضعی مشترک داشته باشند. از این رو وظیفه بسیج است تا معیارها را مشخص کند. راهبرد بسیج در انتخابات آینده بصیرت بخشی به مردم است بگونه ای که خودشان بتوانند گزینه اصلح را انتخاب کنند؛ بدون اینکه نیاز باشد مصادیق را به آنها معرفی کنیم."

سرلشگر فیروزآبادی رئیس ستاد نیروهای مسلح نیز یکی مقامات ارشد نظامی است که اظهاراتی مبنی بر تأیید دخالت نظامیان در انتخابات دارد. وی در انتخابات ریاست جمهوری پیشین اظهاراتی مبنی بر حمایت از محمود احمدی نژاد و همچنین شرایط سنی نامزدهای انتخاباتی داشته بود.

جدای از این مقامات ارشد، از اظهارات فرماندهان نظامی سپاه و بسیج در سایر شهرها و همچنین در محافل خصوصی آنان نقل قولهای بسیاری وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است و به خوبی نشانگر فعالیتهای این مجموعه در زمینه انتخابات دارد.

سازمان و تشکیلات سپاه برای انتخابات

گفته سردار جعفری که سپاه یک نهاد نظامی صرف نیست گزاره ای کاملا صحیح است. سپاه امروز نه تنها یک سازمان نظامی است بلکه یک سازمان سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی محسوب می شود و در ساختار آن نیز این تقسیم بندیها دیده می شود. در واقع برخی انتقادات را باید به ساختار این نهاد منتسب دانست. سپاه در واقع در نقش یک دولت موازی عمل می کند و نه تنها در انتخابات بلکه در کلیه امور کشور تصرف و مداخله دارد. گرچه این امر با عقاید و مرام بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز سازگار نباشد اما این ساختار در زمان حیات وی شکل گرفته و پس از وی نیز توسعه یافته و امروز به دولتی موازی تبدیل شده است. دولتی که قدرت اجرایی بیشتری حتی از دولت اصلی دارد. سپاه در واقع نقش یک گارد ویژه را برای رهبر جمهوری اسلامی ایفا می کند. مرحوم آیت الله منتظری در این رابطه گفته بود که آیت الله خامنه ای از ابتدا عقیده داشته که سپاه باید همچون انگشتری بر دست «حزب جمهوری اسلامی» باشد. (اشاره به حزب جمهوری اسلامی که در ابتدای پیروزی انقلاب تاسیس و در اواسط دهه شصت منحل شد. جرس: بازخوانی دوباره پرونده مهدی هاشمی ۲۲ دی ماه ۱۳۹۰)

اما انتخابات در سپاه چگونه مهندسی و اجرا می شود؟ این روش با در نظر گرفتن شرایط سیاسی حاکم بر کشور صورت می گیرد و اینکه چه جریاناتی در انتخابات حضور دارند و اینکه چه نوع انتخاباتی در کشور برگزار می شود. در انتخابات مجلس با توجه به تنوع نامزدها و پراکندگی آنان در سطح کشور نوع فعالیت سپاه نیز غیر متمرکز است. در واقع اصل بر این است که مجلسی برگزیده شود که اکثریت مطلق آن تبعیت محض از رهبر داشته باشند.

فعالیت سپاه را به دو بخش می توان تفکیک کرد:

نخست فعالیت بخش امنیتی و اطلاعاتی سپاه در شناسایی نامزدها، وزن کشی آنها در حوزه انتخابی مورد نظر و همچنین شناسایی رقبا که با هماهنگی شورای نگهبان و وزارت اطلاعات صورت می گیرد. هر چند که نقش سپاه علنی نیست با این حال تصمیمات نهایی در اتاقهای عملیاتی صورت می گیرد که به نوعی با شرایط جنگی شبیه سازی شده است و در شهرهای بزرگ عموماً از مرکز فرماندهی هدایت می شود. نامزدهای منتخب سپاه در صورتی که رقیبی جدی در انتخابات نداشته باشند و برای حذف سپاه ناچار به پرداخت هزینه نباشد، در واقع پیشاپیش راه یافته به مجلس خواهند بود

اما در صورتی حوزه مورد نظر نامزدهای متعددی داشته باشد، سپاه فاز دوم عملیاتی خود را اجرا کرده و تلاش می کند تا با بکارگیری نیروهای خود از جمله بسیجیان فرد، نزدیکتر به موضع رهبر را راهی مجلس کنند. اعمال شیوه هایی چون خرید رای یا هدایت آرا از جمله شیوه هایی است که در این فاز معمولاً بکار می رود و آموزشهای لازم نیز به مجریان در غالب اردوهای سراسری داده شده است.

در انتخابات ریاست جمهوری شیوه عمل سپاه متفاوت است. در واقع بر خلاف انتخابات مجلس، در این رای گیری نقش سپاه در فاز دوم پر رنگ تر است. هدایت آرا، تخریب رقیب و حتی مهندسی در شمارش آرا از جمله شیوه هایی است که تا کنون سپاه از آن بهره برده است. تشکیل قرارگاه انتخاباتی به بهانه تامین امنیت، فعالیت تشکیلات هادیان سپاه که بیشتر زیر نظر نماینده رهبری صورت می گیرد و اعضای آن روحانیون عضو سپاه هستند، تولید بولتنهای تبلیغاتی برای اعضای سپاه و بسیج و همچنین نظارت بر عملکرد رقبا و در صورت نیاز برخوردهای امنیتی لازم شیوه های مرسوم سپاه در انتخابات ریاست جمهوری است.

سخن آخر

وجود یک تشکیلات نظامی قدرتمند و تسلط کامل بر روند اجرایی انتخابات، امکان برپایی یک انتخابات آزاد را عملاً سلب کرده است. مسئولان ارشد این سازمان عریض و طویل بارها در تئوری و عمل نشان داده اند که در ایران حتی نمایندگان شوراهای روستایی نیز مورد توجه قرار گرفته و انتخاب آنان با میزان وفاداری به رهبر جمهوری اسلامی سنجیده می شود. سپاه همچنین پا را فراتر گذاشته و حتی در انتخابات نهادهای غیر دولتی نظیر سازمان نظام پزشکی نیز دخالت و صلاحیت افراد را با لحاظ این معیارها تایید و رد می کند. از این رو می توان گفت در ایران علیرغم آنکه نظامیان صراحتاً در قانون از دخالت در امر انتخابات منع شده اند، سیستم اجرایی انتخابات کاملاً در تسلط نظامیان قرار دارد و برگزاری انتخابات آزاد با این شرایط دور از دسترس خواهد بود.



تأثير متقابل احزاب و انتخابات
بر يك ديگر در ايران





تأثیر متقابل احزاب و انتخابات بر یکدیگر در ایران

حزب های ایران

حسین نورانی نژاد



۵۲

”انتخابات، بره کشان احزاب است.“ این حرف را سعید حجاریان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ که با او مصاحبه ای را انجام می دادم، گفت. ضرب المثلی فارسی را در خدمت سیاست گرفتن به این معنا که برای احزاب سیاسی، بهترین موعد برای فعالیت، زمان انتخابات است. همان زمان من مسئولیت حوزه شمال تهران جبهه مشارکت و ستاد دکتر مصطفی معین (از کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴) در آنبخش را به عهده داشتم. حوزه ای که پیدایشش نیز به دو سال پیش از آن در پی انتخاباتی دیگر، انتخابات دور دوم شوراهای شهر و روستا، باز می گشت. (رجوع کنید به سایت پیک نت مصاحبه نگارنده با روزنامه اقبال ۱۳۸۴)

احزاب در ایران را به سه دسته کلی می توان تقسیم کرد. احزاب غیر فعال، احزاب نیمه فعال و احزاب فعال. اگرچه تعداد احزاب دارای مجوز در ایران، آن چنان که وزارت کشور در سال ۱۳۹۰ اعلام کرد، ۲۲۳ حزب است و همان زمان حمیدرضا فولادگر، از نمایندگان مجلس تعداد آنها را ۲ هزار و ۵۰۰ حزب عنوان کرد، اما واقعیت آن است که اغلب آنها مجوزهایی هستند در اختیار تعداد معدود افرادی که یا هیچ کاری با آن مجوز ندارند و یا حداکثر در مواقعی مانند انتخابات خانه احزاب، برای فروختن حق رایشان به کار می گیرند و عملاً هیچ نقش و انگیزه ای برای ورود به حوزه سیاست ندارند. (www.khabaronline.ir ۹۰/۷/۲۲).

برخی احزاب در این بین حالت نیمه فعال داشته اند. احزابی همچون حزب همبستگی، به جزیره هایی کوتاه از دوره فعالیتش به این ترتیب عمل می کرد. و فقط روزنامه ای داشت که بدون ارتباط با حزب و تشکیلات، کار خود می کرد. اما احزاب فعال در کشور، بیش از ۱۰ حزب، که با تسامح می توان بر آنها به دلایل ساختاری عنوان حزب نامید، وجود ندارند. برخی از آنها را هم باید خارج از آمار ارائه شده از سوی وزارت کشور بررسی کرد. در حال حاضر اصلی ترین جمع هایی که عملاً ساختار حزبی دارند و کار حزبی می کنند، مانند جبهه پایداری مجوز رسمی فعالیت ندارند. برخی احزاب مانند جبهه مشارکت ایران اسلامی هم که عملاً فعالند، از سوی نهادهای رسمی منحل اعلام شده اند. نسبت هر یک از احزاب سه گانه فوق با انتخابات را این گونه می توان توضیح داد:

احزاب غیر فعال

برخی از آنها تنها برای پرکردن عدد ائتلاف ها به کار می آیند. به عنوان مثال «جبهه اصلاح طلبان ایران» که گفته می شود با عضویت ۱۴ حزب اصلاح طلب در آستانه مجلس نهم شکل گرفت، در واقع تعدادی مجوز هستند که بدون اینکه فعالیت مستقل و ساختار قابل اعتنایی داشته باشند، با محوریت حزب مردمسالاری، عدد ۱۴ را برای مهم جلوه دادن این ائتلاف پر کرده اند. دارندگان مجوز این احزاب تنها می توانند از این فرصت برای لابی های فردی استفاده کنند و نه بیشتر. اغلب احزاب غیر فعال دیگر، در این حد بهره برداری از مجوز خود را نیز دنبال نمی کنند و در واقع "هیچ" هستند.

احزاب نیمه فعال

این احزاب بعضاً سعی می کنند از فرصت انتخابات برای ورود برخی افراد خود به مصادره قدرت، فعال شدن خود و کسب وجهه نسبی بهره ببرند. نگاهی به نمونه های این احزاب مانند حزب همبستگی در سال های پیشین، موید این نظر است.

احزاب فعال

این احزاب در آستانه انتخابات همان کاری را می کنند که از یک حزب انتظار می رود. یعنی تلاش برای بهره برداری از فرصت انتخابات. در ادامه این مطلب تلاش می شود تاثیر متقابل انتخابات بر این دسته از احزاب بررسی شوند.

احزاب فعال در آستانه هر انتخاباتی به اوج فعالیت های خود می رسند. انتخابات اگر برای برخی از احزاب انتخابات مطلوبی باشد که تکلیفشان معلوم است. آنها از فرصت انتخابات برای ورود به قدرت، کسب اشتهار و محبوبیت اجتماعی، کسب منابع مالی جدید و جذب نیروهای تازه که وارد ستادهای انتخاباتی می شوند، استفاده می کنند. اما اگر حتی انتخاباتی مطلوب یک حزب نباشد، مانند دلایلی همچون رد صلاحیت اعضای حزب برای کاندیداتوری و یا جانبداری نهادهای اجرایی و ناظر بر انتخابات از گروه های رقیب و غیره، باز هم اهمیت انتخابات برای احزاب و گروه های سیاسی کاملاً از بین نمی رود.

برای این موضوع مثالی می زنم. در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲، اغلب اعضای جبهه مشارکت از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده و در نتیجه این حزب اعلام عدم شرکت در این انتخابات کرد. اما در همان زمان که مصادف با زلزله بم بود، در محل ستادی که پیش از اعلام بررسی صلاحیت ها شکل گرفته بود، ستاد جمع آوری کمک های مردمی و اعضای حزب برای کمک به زلزله زدگان بم برپا شد که تاثیر روحی و روانی مثبتی بر اعضای حزب و هواداران آن داشت.

تداوم این شرایط در طول سال به شکل گسترده امکان نداشت و علت استقبال زیاد از آن، حضور فعال اعضا در زمان انتخابات برای پی گیری اخبار در محل ستاد و دفتر حزب بود. گردهمایی اعضا، منجر به فعال شدن آن ستاد نیز شد. همزمان از دل رفت و آمدهای فراوان به ستاد و دفتر مرکزی جبهه مشارکت، پایه اولیه این حزب برای راه اندازی سیستم خوشه ای سازمان رای و هواداران حزب، بنا شد. پایه ای که بعداً با گسترش آن حساسیت فوق العاده مخالفان این حزب در بین حاکمیت را برانگیخت که نمایانگر اثربخشی این برنامه بود.

از دیگر مثال هایی که مبتنی بر تجربه شخصی است، آنکه در انتخابات حوزه شمال تهران، جبهه مشارکت که سال پیش از آن در پی انتخابات شورای شهر تهران، با جذب من و دو سه نفر دیگر از فعالان ستادی از سوی منطقه تهران حزب پایه ریزی شده بود، در این انتخابات توانست شورای ۹ نفره خود را از بین مراجعان به ستاد تکمیل کند. شورایی که به زودی فعال ترین حوزه جبهه مشارکت در کشور شد و از سوی دبیرکل این حزب تحت این عنوان تقدیرنامه دریافت کرد. (خبرنامه مشارکت سال ۸۳)

خارج از فواید تشکیلاتی که حزب مشارکت از خلال انتخاباتی که در آن شرکت نداشت، کسب کرد، این حزب توانست با جلب همراهی برخی موتلفان سیاسی خود در موضع عدم شرکت در انتخابات، در بی رونق شدن آن انتخابات تأثیر بسزایی بگذارد. به عنوان مثال تا مدت ها به جای عنوان نماینده از واژه "راهیافته" برای منتخبان آن رأی گیری نام برده می شد که نشان از کاهش مشروعیت انتخابات نزد بخشی از جامعه و فعالان سیاسی و رسانه ای داشت. موضوعی که نشان می داد موضع گیری جبهه مشارکت و دیگر احزاب همسو در آن انتخابات، تا پایان دوره مجلس تأثیراتش را بر نمایندگان آن و ادبیات سیاسی روز گذاشته بود.

۵۴

همچنین آن انتخابات آرایش سیاسی برخی نیروها را نیز دگرگون کرد. اگرچه جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و برخی گروه های سیاسی دیگر در آن انتخابات موضع عدم شرکت داشتند، اما گروه های اصلاح طلب دیگری مانند مجمع روحانیون مبارز به دبیرکلی مهدی کروبی در آن انتخابات حضور یافتند که این موضوع باعث کدورت هایی بین این دو گروه اصلاح طلب شد که با توجه به اختلاف های مشابه در دوران مجلس ششم، اثر خود را در انتخابات دو سال بعد ریاست جمهوری و عدم همراهی مشارکتی ها با مهدی کروبی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری نشان داد. اختلافی که هنوز که هنوز است، منشا برخی خط بندی های درون طیف اصلاحات را می توان به آن مقطع نسبت داد.

این همه اثربخشی و اثرپذیری متقابل نهاد انتخابات، احزاب و سیاست در حالی است که انتخابات مجلس هفتم، یک انتخابات بی رونق و با موضع عدم شرکت اغلب احزاب بزرگ اصلاح طلب بود. در انتخابات مهم بعدی در سال ۱۳۸۴ که با رقابت شدید کاندیداها برگزار شد، نقش احزاب و تأثیر انتخابات بر احزاب فوق العاده افزایش یافت. متأثر از فضای گرم آن دوره، به عنوان نمونه در حالی که در سال ۱۳۸۲ تنها حدود ۱۰ نفر از قبل از انتخابات مجلس هفتم جذب حوزه شمال تهران جبهه مشارکت شدند، این بار حدود ۴۵۰ فرم درخواست عضویت، تنها برای عضویت در این حوزه وصول شد که باعث شد سال بعد، اولین انتخابات درون حوزه ای برای تشکیل شورای مرکزی حوزه شمال تهران برگزار شود. البته بسیاری از آن افراد پس از خوابیدن تب داغ انتخابات، پی گیر مسایل سیاسی به معنای جدی و حزبی آن نشدند، اما با این حال اغلب آن ارتباط ها در قالب سازمان رای و به شکل خوشه ای در جبهه مشارکت پی گیری شد و این حوزه را به یکی از فعال ترین و قدرتمندترین بخش

های حزب بزرگ جبهه مشارکت تبدیل کرد. به نحوی که در کنگره سال ۸۶ و ۸۷ جبهه مشارکت، این حوزه با توجه به اعضای از آن که در سایر کمیته ها و شاخه ها مرکزی حزب عضو شده بودند، صاحب نه رای در کنگره شد که عدد بسیار مهم و قابل توجهی در رای گیری ها و تصمیم گیری های درون حزبی برای یک حوزه محسوب می شود. همه این تحولات حاصل برنامه ریزی این حوزه برای بهره گیری از فرصت انتخابات بود که از انتخابات دور دوم شوراها در سال ۱۳۸۱ آغاز شد، و در سال ۱۳۸۲ و مجلس هفتم جدی تر شد و در سال ۸۴ این حوزه را به یک مرکز قدرتمند سیاسی در مجموعه ای تاثیرگذار به نام جبهه مشارکت تبدیل کرد. (خبر نامه مشارکت سال ۸۲)

حزب اعتماد ملی

از مهم ترین نسبت های دیگر بین انتخابات و احزاب باید به خلق گروه های سیاسی و احزاب در آستانه انتخابات مختلف و یا حاصل یک انتخابات اشاره کرد. به عنوان مثال می توان به حزب اعتماد ملی اشاره کرد. انتخابات در هر دوره ای آرایش نیروها را متاثر از تحولات و نتایج خود می کند. همان طور که اشاره شد پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ که متاثر از تحولات مجلس ششم و سپس انتخابات مجلس هفتم بین اصلاح طلبان اختلافاتی به وجود آمد، مهدی کروبی، دبیر کل وقت مجمع روحانیون مبارز که آن زمان اغلب گفتمان چپ سنتی مذهبی و خط امامی را نمایندگی کرده و طیف مشارکتی اصلاح طلبان را متهم به تندروی می کرد، پس از آنکه تصمیمش برای کاندیداتوری با نظر مخالف هم تشکلی های خویش در مجمع روحانیون مبارز شد و در انتخابات بدون کسب حمایت تشکل های اصلی اصلاح طلب، متکی به شعارهای توده پسند خویش، رای قابل توجهی را کسب کرد، پس از انتخابات از مجمع روحانیون مبارز جدا و حزب اعتماد ملی را تشکیل داد. اعضای حزب مهدی کروبی را اغلب اعضای ستادهای او در همان انتخابات تشکیل می دادند. به این ترتیب تحولات انتخابات مجلس هفتم و سپس ریاست جمهوری نهم، تاسیس یک حزب را در پی خود داشت.

حزب کارگزاران سازندگی، ملی گراهای داخلی

اما نمونه دیگری که تحولات پیش از انتخابات منجر به تاسیس یک حزب فراگیر شد، شکل گیری حزب کارگزاران سازندگی در آستانه انتخابات مجلس پنجم بود. زمانی که محافظه کاران سنتی از پذیرش تعدادی از تکنوکرات های نزدیک به رئیس جمهور وقت، علی اکبر هاشمی رفسنجانی در لیست انتخاباتی خود سر باز زدند، حزب کارگزاران سازندگی متولد شد. حزبی که در مجلس پنجم یکی از جریان های اقلیت اما تاثیرگذار را هدایت می کرد و در حمایت از سید محمد خاتمی در انتخابات ۲ خرداد ۷۶ نقش موثری ایفا کرد.

رابطه مهم دیگر احزاب و گروه های سیاسی با انتخابات، تقویت و گسترش گفتمانی مجموعه هایی است که حرفی برای گفتن دارند. گفتمان های برخی از احزاب تحت تاثیر سانسور و کنترل رسانه ها به ناچار در سطح جامعه فراموش شده و یا به محاق می روند. انتخابات فرصتی برای احیا این گفتمان ها از سویی و به روز کردن دیدگاه فعالان و گروه های سیاسی از سوی دیگر است.

برای نمونه می توان به دو جریان ملی گرای داخلی اشاره کرد. یک سو جبهه ملی که پس از انقلاب از اغلب بحث و جدل های سیاسی وهم فعالیت برکنار بوده و سیاست صبر و انتظار را دنبال کرده است. این حزب دیرپا و تاریخی با همه پشتوانه تاریخی و نظری که دارد به دلیل درحاشیه بودن نه توان بازتولید گفتمانی داشته و نه توانسته از فرصت های سیاسی برای معرفی خود به جامعه و نسل های جدید سیاسی بهره گیری کند. فرصت هایی که اصلی ترین آنها همین انتخابات ها است که تقریباً

هر سال در ایران به بهانه ای برگزار می شود. انتخابات، بحث ها و رقابت های نهفته در آن صیقل زننده دیدگاه ها و مواضع همه گروه های سیاسی است تا همچنان تنه به تنه و سپر به سپر جامعه و هواداران ایشان، بحث های خود را به روز کنند. اما این جریان ملی گرا تقریباً از این فرصت محروم بوده است. لذا نه تحول و تطور گفتمانی در این جریان دیده و شنیده می شود و نه در بحث ها و پیش بینی های سیاسی، جایی برای این گروه در تحلیل ها در نظر گرفته می شود. اما نهضت آزادی ایران و برخی از طیف های ملی مذهبی که آنها هم جز انتخابات دور دوم شوراها، چندان فرصتی برای معرفی کاندیدا در انتخابات نداشته اند، به خصوص پس از جنبش اصلاحات و دوم خرداد ۷۶، با ارتباط گرفتن با احزاب اصلاح طلب و حضور در بحث های انتخاباتی که اوج آن در انتخابات سال ۸۴ بود، هم خود را به لحاظ گفتمانی به روز کرده، هم تعدادی نیروی جوان را به مجموعه های خود جذب کرده و هم در تحولات جاری و آتی برای خود در تحلیل ها و پیش بینی ها جایی باز کرده است. در واقع این مجموعه ها حتی اگر کاندیدا نداشتند و یا موضع عدم شرکت در انتخاباتی را اتخاذ کرده اند، اما در هر حال با پدیده انتخابات، به صورت فعال برخورد کرده اند. فعالیتی که اگرچه گرمابخش انتخابات می شده، اما در کوران آن، نیروهای ملی مذهبی و نهضت آزادی هم پخته و به روز شده اند.

سخن آخر

آنچه آمد خلاصه ای از تاثیرات متقابل انتخابات و احزاب در ایران بود. تاثیراتی که به پیش یا پس از زمان انتخابات متوقف نشده و همواره منشا تاثیرات بزرگی بوده است. تنها یک انتخابات مجلس نهم که اصلاح طلبان در آن غایب بوده و عرصه برای رقابت اصولگرایان خالی گذاشته شد، تغییرات بسیار در آرایش نیروهای اصولگرا، معرفی چهره های تازه از آنان به جامعه و عرصه سیاسی، و به روز شدن برخی نیروهای آنها را در نتیجه ورود به عرصه های اجرایی و کسب اطلاعات و تجربه گرانقدر ناشی از حضور در مناصب رده بالای حکومتی، در پی داشته است. اتفاقی که شاید در تجدید نظر اصلاح طلبان برای مشارکت فعال در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۹۲ بی تاثیر نبوده باشد.

۵۶

انتخابات بره کسان احزاب است و تاکنون براساس تجربه، کسانی که نسبت به این پدیده سیاسی و اجتماعی بی تفاوت بوده اند، نه تنها نتوانسته اند به هدف خود برای از مشروعیت انداختن انتخابات برسند، بلکه خود را از گردونه بحث های روز سیاست و ارتباط با جامعه محروم ساخته اند و بعضاً به مرور تنها به خاطره پیران سیاست بدل شده اند.


سیاست به رقابت و نقد و ارتباط با جامعه از طریق انتخابات (به خصوص در شرایط فقدان امکان کارتشکیلاتی مفصل و منظم و نبود رسانه های قوی حزبی) زنده است و هر چقدر که این عرصه ناعادلانه باشد، برخورد فعال با آن منافع بزرگی را برای احزاب و متقابل برای نهاد انتخابات در ایران در پی دارد.

«»«»«»«»«»«»

حسین نورانی نژاد، متولد ۱۳۵۵، دانش آموخته مدیریت بازرگانی و دانشجوی فعلی دانشگاه سیدنی، رئیس کمیته اطلاع رسانی جبهه مشارکت و روزنامه نگار سیاسی که پس از وقایع انتخابات ۸۸ و جنبش سبز به مدت یک سال در زندان بود، وی همچنین گردآورنده کتاب "عاشورا در گذار به عصر سکولار" است.







جرائم انتخاباتی، مانعی بر سر انتخابات
آزاد و سالم در ایران



جرائم انتخاباتی، مانعی بر سر انتخابات آزاد و سالم در ایران

محمدرضا سرداری



تخلف و تقلب در انتخابات، از پدیده های شایع در دوره های متوالی برگزاری انتخابات در ایران و از موانع جدی برگزاری انتخابات سالم و آزاد بویژه پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد بوده است. صرف نظر از اینکه قوانین انتخاباتی موجود و اعمال سلیقه های نهادهای حکومتی مانع حضور بسیاری از شهروندان در انتخابات به عنوان کاندیدا و در نتیجه برگزاری انتخابات آزاد می شود، بررسی ها نشان می دهد شرایط برگزاری انتخابات حتی برای آن دسته از افرادی که توانسته اند وارد عرصه رقابت انتخاباتی شوند نیز سالم نیست.

در مقایسه با چهار نوع انتخابات سراسری و ملی برگزار شده پس از وقوع انقلاب در ایران به ترتیب تخلفات و تقلبات انتخاباتی در انتخابات مجلس، انتخابات ریاست جمهوری، شوراهای شهر و روستا و نهایتاً مجلس خبرگان رهبری مشاهده شده است. در این مقاله تلاش می شود تا ابتدا پدیده تقلب و تخلف از دید قوانین انتخاباتی ایران بررسی و ضمن تفکیک عوامل موثر در این جرائم به ذکر موارد به مصادیق آن در دوره انتخابات اخیر (ریاست جمهوری سال ۸۸ و مجلس سال ۹۰) اشاره شود. و راهکارهای موجود در برخورد با این پدیده مورد ارزیابی قرار گیرد.

تقلب و تخلف در قوانین انتخاباتی ایران و موارد آن

در میان قوانین چهارگانه انتخابات در ایران، قانون انتخابات مجلس و قانون انتخابات ریاست جمهوری موارد جرم و تخلف را در انتخابات ارائه کرده اند. قانون انتخابات مجلس در ماده ۶۶ خود ۱۸ مورد و قانون انتخابات ریاست جمهوری در ماده ۳۳ خود ۱۷ مورد را به عنوان جرم انتخاباتی ذکر کرده اند. قانون انتخابات شوراها نیز در ماده ۶۷ خود ۱۹ مورد را به عنوان جرم انتخاباتی ذکر کرده است اما در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری به جرائم انتخاباتی اشاره ای نشده و از خرید و فروش رای تا دخالت غیر قانونی مجریان انتخاباتی در روند رای گیری به عنوان مصادیق جرم انتخاباتی ذکر شده است. در این بخش به پاره ای از جرائم انتخاباتی در قانون که شیوع بیشتری نسبت به موارد اشاره شده داشته و در سرنوشت انتخابات تاثیر گذار بوده اند پرداخته و سپس به نمونه هایی از موارد رخ داده در کشور اشاره می شود.

خرید و فروش رای

خرید و فروش رای به این معنی است که یک کاندیدا درازای پرداخت پول یا هدیه به رای دهنده وی را تشویق به رای دادن به او کند. یا مدارک وی را برای رای دادن می خواهد. خرید و فروش رای یکی از جرائم و تخلفات انتخاباتی شایع در دوره اخیر بویژه در شهرهای کوچک، روستاها و حاشیه شهرهای بزرگ است، مردم در نواحی روستایی از اطلاعات سیاسی محدودتری برخوردارند.

برابر بند ۱ ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری خرید و فروش رای جرم محسوب می شود. برابر ماده ۲۵ این قانون نیز آرای حاصله از خرید و فروش باطل خواهد شد. اما در این قانون مجازاتی برای آن پیش بینی نشده است. همچنین برابر بند ۱۲ ماده ۱۹ قانون انتخابات مجلس، آرای که براساس خرید و فروش بدست آمده باشد باطل است. همچنین سقف مجازات پیش بینی شده در این قانون برای افرادی که مرتکب این جرم شوند سه ماه زندان و پرداخت ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی است. در سایر قوانین نیز مجازاتی برای این جرم پیش بینی نشده است.

موارد متعددی از این نوع تخلف در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و انتخابات مجلس در سال ۹۰ گزارش شده است. که در انتخابات سال ۸۸ منجر به بروز اعتراضات گسترده و سرکوب آن از سوی دولت شد، خرید و فروش رای در سطح گسترده از سوی ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد رئیس جمهور کنونی و کارگزاران دولت وی در شهرها و روستاها از سوی کاندیداهای رقیب و رسانه های مستقل گزارش شده اند.

کمپین میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو تن از کاندیداهای رقیب در گزارشی که پس از انتخابات منتشر شد به مواردی از قبیل پرداخت ۸۰ هزار تومان سود سهام عدالت به بیش از چهار میلیون و پانصد هزار نفر مددجوی کمیته امداد، سازمان بهزیستی و رزمندگان و بیش از ۵ میلیون و دویست هزار نفر روستایی، اجرای عجولانه قانون مدیریت خدمات کشوری بعد از ۵/۱ سال توقف و پرداخت اضافه حقوق های ناشی از آن در ایام تبلیغات انتخاباتی، افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی در آستانه انتخابات، پرداخت کمک های نقدی همزمان با ایام تبلیغات انتخاباتی به کسانی که در جریان سفرهای استانی هیأت دولت نامه های درخواست کمک داده بودند.

هم چنین پرداخت های نقدی، سکه، بُن و امثال آن به گروه های مختلف اجتماعی نظیر پرستاران، دانشجویان، اعضای شوراهای اسلامی روستایی، برخی از مدیران و کارکنان دولت و... توزیع سیب زمینی

مجانی در نقاط مختلف کشور، توزیع بن ۶۰ تا ۸۰ هزار تومانی دو سه روز قبل از رأی‌گیری بین روستائیان، توزیع پول توسط فرمانداری‌ها و کمیته امداد به ویژه در روستاها، توزیع برنج، آرد، روغن و ... به ویژه در مناطق محروم و دعوت به دادن رأی به محمود احمدی‌نژاد اشاره کرده است.

برخی از موارد ذکر شده در این گزارش را می‌توان از مصادیق غیرمستقیم خرید و فروش رای تلقی کرد و جزو مواردی دانست که نظام در دوره‌های گذشته نیز برای تشویق مردم به شرکت در انتخابات و نه لزوماً رای دادن به کاندیدایی خاص انجام داده است. اما برخی موارد مستقیماً می‌تواند به نفع کاندیدای خاص تعبیر گردد. زیرا توزیع مستقیم پول و کالا به شکل گسترده در انتخابات‌های ادوار گذشته از سوی نهادهای مجری انتخابات امری نادر و بی سابقه بوده است.

در انتخابات دوره گذشته مجلس نیز موارد بی شماری از خرید و فروش رای مشاهده گردیده است. به عنوان نمونه فرهاد دلق پوش نماینده مجلس در آستارا به موضوع خرید و فروش رای در شهر خود و شهرهای "نیر" و "نمین" در استان اردبیل اشاره می‌کند. (سایت خبر آنلاین ۱۵/۱۲/۹۰) عبدالرضا ترابی نماینده دوره هشتم گرمسار که خود کاندیدای دور بعدی بوده است گفته است خرید و فروش رای در این شهر با مبالغ ۴۰ تا ۱۰۰ هزار تومان صورت گرفته است. (سایت کلمه ۱۶ اسفند ۱۳۹۰).

احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز خرید و فروش آرا را تأیید می‌کند و از دلالتی رای سخن گفته است. به گفته وی برخی نامزدها به دنبال خرید رای هستند و بعد هم برخی به دنبال خرید رای نمایندگان و البته رای هر کسی قیمتی دارد. (روزنامه شرق ۸ اسفند ۹۰) نمایندگان دیگری از جمله داریوش قنبری نماینده ایلام نیز به خرید و فروش رای در شهر خویش اشاره کرده اند.

شخصاً در زمان برگزاری انتخابات دوره گذشته مجلس در گیلان بسر می‌بردم. و به عنوان روزنامه نگار مستقل درگفت و گو با تعدادی از بازرسان انتخابات و همچنین فعالان ستادهای انتخاباتی در این استان از خرید و فروش رای در موارد بسیاری اطلاع یافتم. از جمله توزیع پول نقد به مبلغ پنجاه هزار تومان و توزیع پارچه میان مردم در شهرهای مختلف از جمله تالش و رشت در ازای رای دادن.

رای دادن با شناسنامه دیگری، شناسنامه جعلی یا رای دادن بیش از یک بار و رای گرفتن با شناسنامه فرد غائب

این موارد از جمله جرمی هستند که می‌توان آن را شایع‌ترین تخلف در انتخابات ذکر کرد. بر اساس برآوردهای حاصله از سوی عبدالواحد موسوی لاری وزیر پیشین کشور در دوران اصلاحات بیش از بیست میلیون شناسنامه بدون صاحب متعلق به درگذشتگان است، تا کنون باطل نشده و در اختیار افراد است (ایستا ۱۴ مهر ۱۳۸۴).

در انتخابات رای دادن تنها با ارائه شناسنامه امکان پذیر است و این تعداد شناسنامه نقش بالقوه ای در تعیین نتیجه انتخابات بویژه در انتخابات مجلس و عمدتاً در شهرهای کوچک می‌توانسته ایفا کند. همواره در زمان انتخابات در درون وزارت کشور این بحث وجود داشته که چطور می‌توان شناسنامه‌ها را چنان کنترل کرد که باطل شده‌ها وارد چرخه آراء نگردد. و به صورت آرای بدون صاحب به صندوق‌ها ریخته نشوند. اما باز این معضل بدون چاره می‌ماند تا آنکه با اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته ارائه کارت ملی به همراه شناسنامه در هنگام اخذ رای الزامی شد.

در قوانین انتخاباتی ایران رای دادن با شناسنامه دیگری، یا شناسنامه جعلی و همچنین رای دادن بیش از یکبار جرم است. و قانونگذار در مواد ۷۵ و ۷۶ مجازات‌هایی همچون حبس و جریمه نقدی برای

مرتکبین پیش بینی کرده است. مصادیق این نوع جرائم در انتخابات دوره گذشته مجلس و ریاست جمهوری در ایران متعدد است.

کمپین میرحسین موسوی به پاره ای از این موارد از جمله، رأی‌گیری مکرر، دادن چند برگه رأی به افراد خاص، مهرنکردن شناسنامه، اخذ رأی بدون شناسنامه، اخذ رأی با کارت ملی و یا رأی‌گیری با شناسنامه غیر یا معجول، خرید و فروش شناسنامه، رأی‌نویسی خارج از صندوق یا نوشتن رأی برای دیگران، اخذ رأی از غیرواجدان شرایط از جمله افراد زیر ۱۸ سال اشاره کرده است.

خبرگزاری انتخاب نیز در این مورد گزارشی از مشاهدات خبرنگار خود را یک حوزه انتخاباتی منتشر کرده بود. به گزارش این خبرگزاری در شعبه ۲۰۵۹ اخذ رأی تهران، رئیس شعبه به شهروندانی که به این محل برای رأی دادن مراجعه کرده بودند گفته است "با توجه به طولانی بودن صفوف رأی، می‌توانید شناسنامه خود را تحویل دهید و نام نامزد مورد نظر را روی کاغذ کوچکی به ما بدهید تا ما این کار را انجام دهیم" همچنین در شعبه ی ۲۲۰۱ تهران، رئیس این شعبه از مردم می‌خواهد که در ابتدا شناسنامه را به یکی از اعضای این شعبه تحویل داده و پس از نیم ساعت با صدا زدن صاحب شناسنامه برگ انتخاباتی را به آنها تحویل دهند. این درحالیست که امکان جا به جایی تعرفه و همچنین زدن چندین تعرفه به نام صاحب شناسنامه به سادگی در این موارد وجود داشته است. آرای بدست آمده ناشی از این تخلفات برابر ماده ۲۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری باطل محسوب می‌شود.

در انتخابات دوره گذشته مجلس نیز موارد بیشماری از این نوع تخلف گزارش شده است. در مواردی در روستاها و شهرهای کوچک شناسنامه افراد واجد شرایط را به مبلغ ۱۵ هزار تومان اجاره می‌کردند. چند تن از نمایندگان با تایید این خبر گفتند که رقبای شان دست به انجام این عمل می‌زدند و آنها همواره از این خطاها مصون هستند. (پایگاه خبری تحلیلی مازندران ۲۰/۴/۹۰) در کاشان رقبای شکست خورده ادعا کرده اند که کاندیدای پیروز که فردی نظامی بود از آرای سربازان وظیفه بدون شناسنامه به نفع خویش استفاده کرده است.

شناسنامه های جعلی نیز از معضلات انتخاباتی عمدتاً در شهرهای کوچک بوده است. در برخی شهرهای بوشهر و خوزستان نیز گزارشهایی از سوی برخی سایتها و وبلاگهای محلی مبنی بر دخالت هزاران شناسنامه جعلی در انتخابات منتشر شده است.

یکی از روشهای رایج برای رأی دادن بیش از یکبار پاک کردن مهر شناسنامه و حضور دوباره بر پای صندوق رأی دیگر بوده است. در ادامه به نحوه سازمان دهی این نوع تخلف از سوی نهادهای نظامی و تباری آنها با مسئولان اخذ رأی اشاره خواهد شد.

اما محمد ناظمی اردکانی رئیس سازمان ثبت احوال کشور ادعا کرده است در انتخابات دور گذشته مجلس امکان رأی دادن بیش از یک بار ممکن نبوده است. به گفته وی کلیه شعب اخذ رأی به پایگاه وزارت کشور متصل بودند. و به این ترتیب با استفاده از شماره ملی، امکان بیش از یکبار رأی دادن برای هیچ یک از ایرانیان وجود نداشت (پایگاه خبری تحلیلی فردا ۱۷ اسفند ۹۰). استفاده از شماره ملی یکی از روشهای موثر در جلوگیری از تکرر در رأی‌گیری است، زیرا هر ایرانی صرفاً دارای یک شماره ملی است. کلیه اطلاعات فرد مورد نظر از طریق این شماره قابل دسترس است. با این حال وزیر کشور در این دوره اعلام کرده بود که ارائه کارت ملی برای رأی دادن الزامی نیست. این اظهارات به این دلیل است که آمار مشارکت کنندگان در انتخابات کاهش نیابد. تا نظام از منظر تبلیغاتی دچار مشکل نشود. زیرا بسیاری از رأی دهندگان از الزامی شدن ارائه کارت ملی بی اطلاع بوده اند و از این رو در

صورت ملزم شدن به ارائه کارت ملی از دادن رای باز می ماندند.

تخلفات مجریان و ناظران انتخابات

حجم عمده تخلفات انتخاباتی در ایران به مجریان و ناظران آن باز می گردد. گرچه این امر قابل تسری به کلیه مجریان انتخابات نیست، اما شواهد نشان می دهد عمده تخلفات بر سر صندوقهای رای و از سوی مجریانی صورت می گیرد که مسئولیت برگزاری انتخابات از جمله رای گیری و شمارش آرا را عهده دار هستند. صرف نظر از انتخابات ریاست جمهوری سال هشتاد و هشت که یک شبکه کاملا منجسم به شکلی مافیایی مدیریت انتخابات را دست داشت، در انتخابات مجلس نیز مواردی از این دست به چشم خورده است که توانسته سرنوشت انتخابات را در برخی مناطق تغییر دهد.

سیستم اجرایی انتخابات

پیش از تشریح این دسته از تخلفات، لازم است اشاره ای مختصر به سیستم اجرایی انتخابات در ایران داشته باشیم. در ایران یک ستاد که به ستاد انتخابات کشور موسوم است و رئیس آن از سوی وزیر کشور منصوب می شود وظیفه اجرای انتخابات را بر عهده دارد. پیش از زمان شروع ثبت نام کاندیداها، این ستاد آغاز بکار کرده و متناظر آن نیز در کلیه استانهای کشور برپا می شود. این ستادها وظیفه هماهنگی امور کلان مربوط به انتخابات از جمله پشتیبانی، اطلاع رسانی، تامین امنیت و جمع آوری آرا را بر عهده دارند. اما مجریان اصلی انتخابات فرمانداران و بخشداران در شهرها و روستاها هستند.

بر اساس کلیه قوانین انتخاباتی، هر شهر بر حسب جمعیت خویش به چندین حوزه رای گیری تقسیم می شود و در هر حوزه یک یا چند صندوق قرار می گیرد. فرماندار یا بخشدار در هر صندوق رای یک نماینده دارد. ولی مسئولیت صندوق با گروهی از افراد محلی است که پیشتر از سوی هیات اجرایی انتخابات در هر شهر که توسط فرماندار و با تایید هیات نظارت تعیین شده اند برگزیده می شوند. ترکیب این هیاتها معمولا ثابت است. اما بعضا می تواند با تشخیص فرماندار تغییر کند. صندوقهای رای معمولا در مدارس، مساجد یا سازمانهای دولتی برپا می شوند. همچنین تعدادی از صندوقهای رای به شکل سیار هستند که برای بیمارستانها، پادگانها یا مناطق دور افتاده پیش بینی شده اند.

۶۴

کلیه

پیشتر عمده تخلفات مجریان در صندوقهای سیار و صندوقهایی بوده که در مساجد قرار داشت. مجریان انتخابات در این حوزه ها بیشتر از اعضای پایگاه بسیج هستند که در انتخابات معمولا از نامزد خاص مورد حمایت خود به صورت غیرعلنی پشتیبانی می کردند. در مدارس بیشتر از کادر اداری و معلمان برای اجرای انتخابات استفاده می شود. در دوره اصلاحات، تلاش شد تعداد کمتری از حوزه ها در مساجد قرار گیرد و تعدادی از مساجد که پیشتر تخلفاتی در این زمینه مرتکب شده بودند کنار گذاشته شدند. اما شرایط پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد بشدت تغییر کرده و با دوره گذشته بسیار متفاوت شد. فرمانداران و بخشداران که بسیاری از آنان پیشتر از اعضای سپاه پاسداران بودند بدون در نظر گرفتن قوانین صرفا به توصیه های مدیران ارشد خود، همچون سلسله مراتب نظامی عمل می کردند. انتخابات ریاست جمهوری سال هشتاد و هشت اوج فرمان پذیری بی چون و چرای فرمانداران و بخشداران از دستوراتی بود که مستقیما از سوی ستاد انتخابات کشور به آنان ابلاغ می شد. و آنان نیز به نمایندگان و مجریان انتخابات ابلاغ می کردند. این اتفاق با هماهنگی کامل هیاتهای نظارت صورت می گرفت، زیرا عملا هم مجریان ارشد و هم ناظران ارشد از محمود احمدی نژاد حمایت می کردند.

در قوانین انتخاباتی مواردی از جمله، کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه ها، تقلب در رأی گیری و شمارش آراء، تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رأی یا صورت جلسات، توصیه به نوشتن اسم کاندیدای معین در ورقه رأی از طرف اعضای شعبه اخذ رأی، ناظرین و بازرسان، تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد تبلیغاتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورت جلسات و تلکس و تلفن گرامها و تلگراف ها، بازکردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوق های رأی بدون مجوز قانونی، جابجایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی، انجام یا عدم انجام هرگونه عملی که باعث مخدوش شدن رأی مردم از ناحیه اعضای شعبه اخذ رأی باشد از قبیل خودداری کردن از مهر نمودن برگ تعرفه یا شناسنامه یا انتقال صندوق اخذ رأی به غیر از محل آگهی شده، به عنوان جرائم مجریان و ناظران انتخاباتی ذکر شده است. قانونگذار همچنین مجازاتهایی چون حبس، جزای نقدی و انفصال از خدمات دولتی را برای مرتکبین آن پیش بینی کرده است.

گزارشات کمپین موسوی

گزارشهایی که در این زمینه از سوی کمپین میر حسین موسوی منتشر شده به تخلفات مجریان و ناظران در انتخابات ۸۸ پرداخته است. از جمله در این گزارش به: تغییر مکان، تغییر شماره یا شکسته شدن پلمپ صندوقها، گم شدن یا خارج شدن تعرفهها، خروج دسته‌های برگه رأی از شعب، پیدا شدن ته برگ بهای تعرفه نوشته شده با سریالی مشخص خارج از صندوقها، مهر نداشتن برگه رأی، گم شدن مهر انتخاباتی یا خروج آن از شعبه، رأی‌نویسی خارج از صندوق یا نوشتن رأی برای دیگران، اخذ رأی از غیرواجدان شرایط از جمله افراد زیر ۱۸ سال، عدم پاکسازی شعب از مواد تبلیغی آقای احمدی‌نژاد، تقلب در شمارش آراء از جمله در تغییر کد ۴ به ۴۴، اخراج نماینده میر حسین موسوی در بسیاری از شعب قبل از شمارش یا پلمپ صندوق و در نتیجه تقویت شائبه خواندن آراء دیگر کاندیداها به نفع نامزد دولت، عدم نظارت بر تنظیم صورتجلسات شعب اخذ رأی و تطبیق دقیق آراء شمارش شده با صورتجلسه تنظیمی اشاره شده است.

۶۵

سازمان
مجلس

این موارد تخلفاتی است که از سوی مجریان حوزه های رأی گیری و فعالان کمپین انتخاباتی موسوی گزارش شده اند. اما در سطح کلان تخلفات صورت گرفته بیش از موارد مذکور بود که اساسا نشان از یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده حکومتی داشت. مواردی چون، تدارک مهر انتخاباتی به تعداد بیش از دو برابر موردنیاز و نیز میلیونها تعرفه اضافی، کمبود تعرفه در برخی از شعب اخذ رأی علیرغم چاپ میلیونها تعرفه اضافی، تعجیل در خاتمه دادن زمان رأی‌گیری با وجود تقاضاهای مکرر مبنی بر تمدید ساعت اخذ رأی، اعلام زود هنگام نتایج آراء پیش از خاتمه رأی‌گیری در تمامی شعب و مطابق با نسبت حاکم در نتیجه نهایی آراء و نیز بدون هماهنگی معمول با شورای نگهبان چاپ ۲۲ تا ۳۲ میلیون برگ تعرفه که تعداد نامشخصی از آنها بدون شماره سریال بوده و با اجازه آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان (تایید کننده نهایی نتیجه انتخابات) صورت گرفته است.

این موارد صرف نظر از سیاست ویژه ستاد انتخابات کشور در نحوه جمع آراء بود که به شیوه ای مافیایی و بدون حضور نمایندگان کاندیداها و حتی کارکنان عادی ستاد انتخابات کشور صورت گرفت که در نوع خویش بی سابقه بوده است.

آخرین انتخابات مجلس

در انتخابات مجلس گذشته نیز تخلفات متعددی از سوی مجریان انتخابات در سطح فرمانداران و

متصدیان اخذ و شمارش آرا گزارش شد. به عنوان نمونه، در این انتخابات تعدادی از نمایندگان مجلس به مواردی از تخلفات مدیران ارشد انتخابات اشاره کرده اند. نورالله حیدری نماینده شهر اردل در استان چهارمحال و بختیاری در تذکری به مصطفی محمدنجر وزیر کشور خواستار برخورد وی با رئیس ستاد انتخابات کشور به دلیل دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اردل و برخورد با استاندار چهارمحال و بختیاری به دلیل تخلفات انتخاباتی وی شد.

در شهر کوهستانی سپیدان در استان فارس گزارش مفصلی از نحوه تخلفات فرماندار و مجریان زیر مجموعه وی در یک وبلاگ منتشر شده است. در بخشهایی از این گزارش آمده است که در بخش مرکزی شهر اردکان از توابع سپیدان میزان رای ریخته شده به صندوقها برای نمایندگان کاندیداها شبهه برانگیز بوده است. و حتی اعتراضاتی از طرف نمایندگان کاندیداها صورت پذیرفته که این آرا از کجا وارد صندوق شده اند. در این گزارش همچنین به مواردی از جمله آنکه تعداد زیادی شناسنامه و کارت ملی از فردی که گفته شده رئیس دانشگاه پیام نور بوده به همراه یک عدد صندوق اخذ رای بدست آمده و فرد مذکور بازداشت شده است.

همچنین صندوقی دیگر توسط افرادی مجهول الهویه وارد ساختمان اداره بهزیستی شده و پس از ساعاتی این صندوق توسط این افراد از این حوزه خارج می گردد یا صندوق دیگری وارد خانه ای شخصی میگردد و دوساعت بعد بیرون می آید و همچنین تعداد زیاد تعرفه هایی بیرون از حوزه دست فرد بسیار متدینی دیده می شود که در حال نوشتن است

در این گزارش به چندین محموله ساک پر از شناسنامه و کارت ملی نیز که وارد شهر اردکان و در بین مردم توزیع شده اشاره کرده اند. از آن سو افرادی بصورت مکرر وارد حوزه رای گیری شده و دوباره خارج می شوند. برگه های رای به صورت دسته ای به یک نفر رای دهنده داده می شد (با گفتن رمز از قبل طراحی شده). همچنین شناسنامه ها فاقد مهر اخذ رای بوده و در مواقعی فاقد مهر توسط مسئول هیات اجرایی بود (اعتراض برخی از نمایندگان کاندیداها مستند می باشد).

ضمن آنکه درگیری نمایندگان کاندیدا با نماینده فرماندار و هیاتهای اجرایی جزء لاینفک این رای گیری بوده و به صورت دائم این درگیری وجود داشته و حتی در مواقعی به زد و خرد فیزیکی انجامیده است (نوشته شده در پنجمین یازدهم اسفند ۱۳۹۰ ساعت ۱۷:۵ توسط دلسوخته نظام و وطن)

جانبداری مدیران اجرایی انتخابات از یک یا چند کاندیدا در انتخابات مجلس نیز یکی از موارد شایع در ادوار گذشته از جمله در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد بوده است. در انتخابات گذشته مجلس موارد متعددی از جانبداری فرمانداران و چپش عوامل اجرایی انتخابات به نفع یک نامزد خاص از سوی سایر کاندیداها که خود نماینده در مجلس پیشین بوده اند از سراسر کشور گزارش شده است که از جمله می توان به شهرهایی چون ماکو و استارا در شمال غرب و شمال ایران، گچساران و سپیدان در جنوب غرب ایران، اسفراین در شمال شرقی ایران، زابل در جنوب شرقی و فلاورجان و رباط کریم در مرکز ایران به عنوان نمونه هایی از سراسر کشور اشاره کرد. نگرانی از دخالت عوامل اجرایی در انتخابات پس از تجربه انتخابات ریاست جمهوری حتی دغدغه بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی در دستگاه قضایی و مجلس نیز بوده است. از این رو دستگاه قضایی ایران با تاسیس ستادی با عنوان پیشگیری از تخلفات انتخاباتی درصدد نظارت بیشتر بر وقوع جرائم از سوی مجریان برای انتخابات آینده برآمده است.

سخن آخر

ساختار انتخابات در ایران، ساختاری متمرکز و وابسته به حاکمیت است. چه بخش اجرا کننده که به دولت وابسته است و چه نهاد نظارتی که وابسته به رهبر جمهوری اسلامی است. جامعه مدنی از جمله سازمانهای غیر دولتی، احزاب، رسانه ها هیچ یک نقشی در روند برگزاری و نظارت بر انتخابات را ندارند. از این رو عمده تخلفات انتخاباتی از سوی افرادی صورت می گیرد که وابسته به نهادهای مجری یا ناظر بر انتخابات هستند. تخلفات شهروندان یا کاندیداهای مستقل بسیار ناچیز است. در واقع می توان گفت وقوع جرائم انتخاباتی بدون حمایت نهادهای مجری و ناظر بسادگی امکان پذیر نیست. شواهد نشان می دهد که عمده تخلفات از جمله خرید و فروش رای و رای دادن با مدارک تقلبی یا متعلق به غیر از سوی نامزدهایی صورت گرفته است که رابطه نزدیکی با دولت یا نهادهای نظارتی داشته اند.

اما تخلفاتی مثل خرید و فروش رای از پدیده هایی است که رواج آن در هشت سال اخیر بسیار اتفاق افتاده است. و این امر مستقیماً به سیاستهایی باز می گردد که دولت خود در بوجود آوردن آن نقش داشته، و وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی و توسعه فقر نیز بر رواج این پدیده بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته افزوده است. علیرغم پیشرفتهای حاصله در مکانیزه کردن سیستم شمارش آرا و اخذ رای، نقش انسان همچنان تعیین کننده است. و عمدتاً اراده مجریان و ناظران انتخاباتی بجای اراده شهروندان در اعلام نتیجه آراء دخالت دارد.

از سوی دیگر تا کنون قاطعیتی از سوی مسئولان قضایی ایران در رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی به شکلی ملموس و علنی دیده نشده است. معمولاً در پاره ای از موارد با رخ دادن تخلفاتی در رای گیری یا شمارش، آرا برخی صندوقها یا انتخابات برخی شهرها از سوی شورای نگهبان باطل شده است. اما جزییاتی از چگونگی تخلف صورت گرفته و اینکه با چه مستندات این ابطال صورت گرفته منتشر نمی شود. در واقع نهاد ناظر بر انتخابات در ایران هیچ مسئولیتی برای پاسخ گویی به نحوه عملکرد خویش ندارد. از این رو روشن نیست در این روند آیا مجرمان انتخاباتی نیز شناسایی یا مجازات می شوند یا خیر؟

عدم رسیدگی شفاف و دقیق به تخلفات انتخاباتی و برخورد قانون نسبت به افرادی که در قالب حامی کاندیدها یا مجریان انتخاباتی مرتکب جرم شده اند یکی از موانع جدی انتخابات آزاد و سالم در ایران است و ریشه آن به بینشی باز می گردد که برخی از روحانیون سنتی با نفوذ نسبت به انتخابات دارند. از این زاویه انتخابات در اصل یک امر تشریفاتی است. و لذا ارتکاب به تخلف انتخاباتی نیز منجر به گناه نخواهد شد. در برخی موارد حتی فتاوی نانوشته ای نیز برای توصیه به امر تقلب از بیم انتخاب افراد ناصالح صادر شده است که از دایره این بحث خارج است.

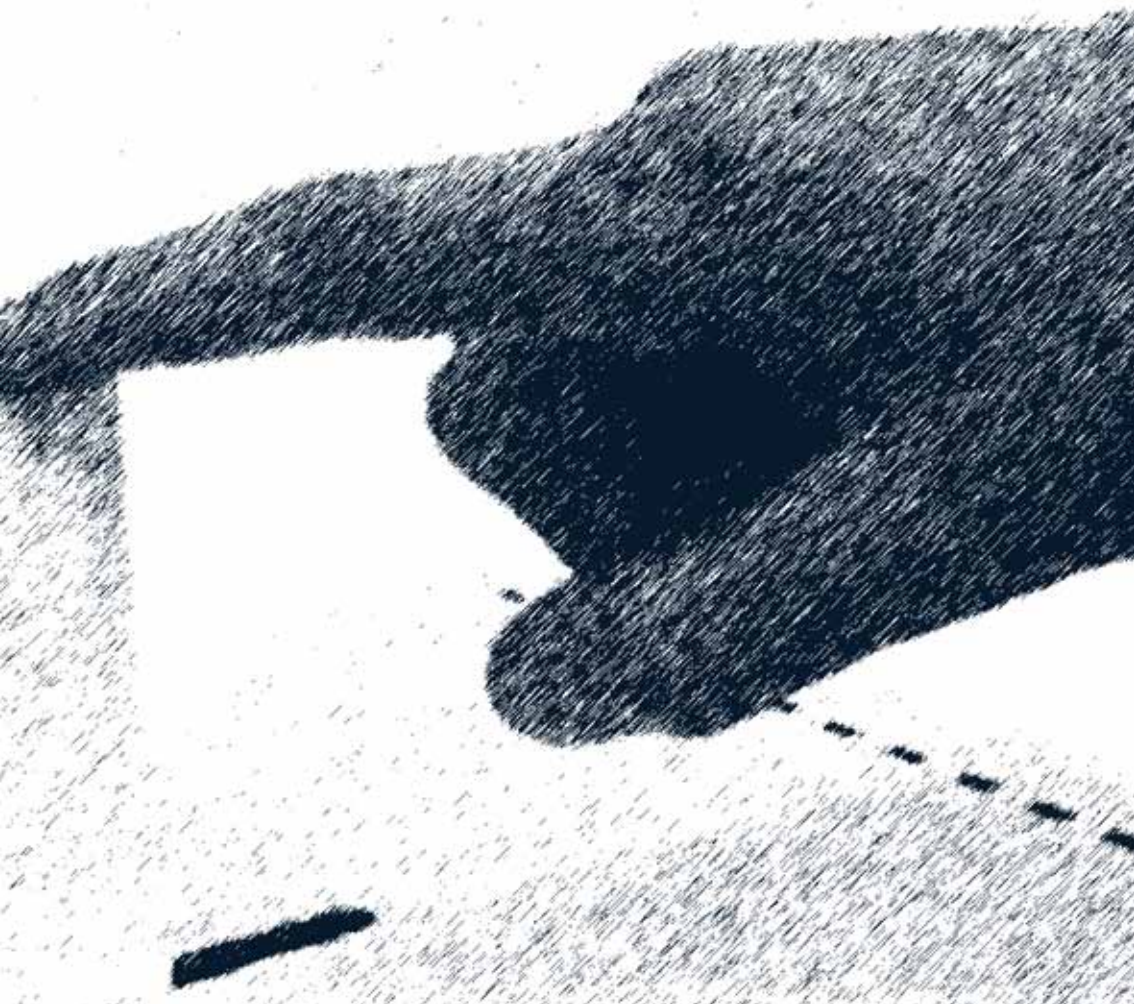
«»«»«»«»«»«»

— محمدرضا سرداری از سال ۱۳۷۵ به عنوان روزنامه نگار با نشریات کشور از جمله روزنامه شرق همکاری کرده است. او هم چنین برای سایت های جرس، روز و تهران ریویو می نویسد.



پرسش و فقه

نگرش فقهی به انتخابات در ایران



۱ انتخابات

نگرش فقهی به انتخابات در ایران

کامیار بهرنگ



۷۰

انتخابات در ایران و جامعه اسلامی به عنوان پدیده‌ای نوین شناخته می‌شود، اما در عین حال انتخاب امری است که در مورد آن آیاتی و احادیثی متعددی موجود است. این موضوع به دو طریق قابل بررسی است که در واقع این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. زیرا در جامعه‌ای که اختیار و انتخاب تعریف شفافی نداشته باشد، نمی‌توان انتخابات را به عنوان یکی از سطوح و عرصه‌های مهم مشارکت سیاسی بررسی کرد. مفاهیمی دینی که در آن نوعی انتخاب، مشورت و نظرخواهی عمومی دیده می‌شود به سه دسته‌ی کلی تقسیم بندی می‌شوند: مشورت، اجماع و بیعت.

قرائت‌های قرآنی

از این سه مفهوم به مانند بسیاری از مفاهیم دیگر قرائت‌های متفاوتی وجود دارد که می‌تواند گاه متناقض نیز باشد. از همین روی می‌توان سه برداشت فقه سنتی، که به تفسیر وارد نمی‌شود، فقه شیعه، با نگاه هرمنوتیک به آن را و در آخر فقه شیعی، با تفسیر ولایی را مرجع تقسیم بندی‌ها قرار داد. در مورد اصل «مشورت» در قرآن دوباره صراحت بیان شده است. از این آیات در جمهوری اسلامی نیز در عرصه‌ی انتخابات به عنوان شعار استفاده می‌شود: آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، «و شاورهم فی الأمر» (در کارها با آنها مشورت کن) و دیگری در آیه ۳۸ سوره شوری، «و أمرهم شورى بينهم» (و

کارهایشان به طریق مشورت در میان آنان صورت می‌گیرد). این دو آیه در همین ابتدای بحث وارد تقسیم‌بندی‌های سه گانه‌ی دوم می‌شوند و تعبیر و تفاسیر بسیاری را با خود به همراه می‌آورند. به واقع با این آیات خداوند به پیغمبر خود و تمام مسلمانان راهی را نشان می‌دهد که در امور یومیه خود به آیات قرآن رجوع نکرده و موضوعات را با مشورت و در چهارچوب قوانین کلی اسلام حل کنند.

اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت و با اشاره به یکی از همین آیات، به نحوی پایه‌ی اصلی برای آماده سازی ذهنی و شرعی برای اصل ولایت فقیه پیاده می‌شود. چنانچه در قانون اساسی نیز حق مشورت دادن به فرد اعطا می‌شود اما حدود آن را همان قانون و چهارچوب های آن را ولی فقیه مشخص می‌کند. در واقع اینجا مشورت، که در قانون از آن به عنوان انتخابات یاد می‌شود، نمایش نظر مردم به ولی فقیه تعبیر شده است و او تصمیم گیرنده‌ی نهایی برای اجرای حکم الهی است.

باید به این موضوع توجه داشت که حکم رئیس جمهورمنتخب اکثریت مردم، تا زمانی که ازسوی ولی فقیه تنفیذ نشود، قانونا اعتبار ندارد و ازسوی دیگرعزل رییس جمهورمنتخب نیزدرهمین مسیر حتی پس از صدور حکم دیوان عدالت اداری و یا رای مجلس مبنی برعدم کفایت سیاسی رئیس جمهور، می‌بایست به تایید ولی فقیه برسد. این نکته را نیز باید توجه داشت که اولین قانون مصوب در جمهوری اسلامی با وجود چنین اختیاراتی برای ولی فقیه (رهبر)، اما تنها رییس جمهور در مقابل ملت پاسخگو است، که این امر در اصلاحیه قانون اساسی به ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی تغییر می‌کند. این تغییر را حتی در منش دومین رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز مشاهده نمود.

سید روح الله خمینی جایگاه خود را در واقع همان رهبری می‌دید که کلیات و چهارچوبها را تعیین کند و حتی با تبیین و پررنگ کردن احکام ثانویه، حکم به تعطیلی احکام اولیه و مستقیم خدا، همچون حج بدهد و امور مملکت را بر اساس آن آیه‌هایی که اشاره شد، به مردم واگذار کند، چنانچه در انتخابات اول ریاست جمهوری شاهد آن بودیم.

۷۱

سید روح الله خمینی

البته این رویه‌ای بود که به تدریج و با کھولت سن و قدرت‌یابی شبکه‌های اطراف او، کم‌رنگ و کم‌رنگ تر شد. این نقش به واقع سایه‌ای از امامت و مرتبه‌ای از شریعت را برای شخص او ترسیم می‌کرد که به هیچ شکلی در قامت سید علی خامنه‌ای مشاهده نمی‌شود. سید علی خامنه‌ای از آنجایی که خود می‌داند با نقض صریح قانون اساسی مبنی بر مرجعیت رهبر جمهوری اسلامی و به واسطه‌ی نامه‌ای که قرائت آن پس از مرگ سید روح الله خمینی در مجلس خبرگان رهبری صورت گرفت، به قدرت رسیده است، و نمی‌توانست و نمی‌تواند در مقابل مراجع، حتی بخشی از آن سایه‌ای باشد که اولین رهبر جمهوری اسلامی بر امور شرعی و سیاسی مردم داشت.

این نقص را شما می‌توانید در دستورات مکرر او و همچنین ورود به جزئی‌ترین مسائل کشورمشاهده کنید. و همین حضورمکرر، آثار ولایت او را هر روز کم‌رنگ‌تر می‌کند. با این نگاه می‌بینیم که ولایت فقیه و برداشت مشورتی این نگاه از آیات قرآن، نمی‌تواند صورت واحدی داشته باشد و در هر دوره این تفسیر ولی است که حکم خدا را به نحوی اجرا می‌کند.

اما نگاهی دیگر، استفاده از این آیات را برای توجیه مفاهیمی مانند شوراهای اسلامی شهر و روستا اشتباه می‌داند و بر این باور است که این آیات در محدوده‌ی جغرافیای خاص شبه جزیره عربستان و در زمان مشخص نازل شده است. این نگاه براین باور است که این آیات در مقامی بوده اند که امت اسلام به پیامبر در اموری که درقرآن به صراحت ذکرنشده، مشورت می‌داده است و همین سنت در زمان خلفای راشدین به صورت مشورت اهل حل و عقد و همچنین امر به معروف و نهی از منکر

ولی امر (خلیفه) ادامه یافته است. (البته موضوع مشورت اهل حد و عقد که در ادامه به آن اشاراتی خواهیم داشت، مرجع بحث بسیاری میان شیعه و سنی است که در این مطلب محل بحث ما نیست.)

این موضوع در چهارچوب جامعه‌ی آن روز شبه جزیره عربستان و بعدها سرزمین‌های اسلامی به نوعی آزادی و مشارکت سیاسی و درنگاهی دیگر دموکراسی ارسطویی است که تعیین رهبری سیاسی جامعه را نه به رای مردم که به رای نخبگان مردم تعریف می‌نمود. به واقع با ورود به بحث اهل حل و عقد می‌توان بخش دوم و سوم آیات و روایات در اسلام را مبنی بر اجماع در امور نیز بررسی کرد. با توجه به آیه ۵۹ سوره نسا، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوِي الْأَمْرَ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید، پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به خدا و پیامبر عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است). فقه سنتی در این میان «اولی الامر» را در کلیت دانشمندان و علمایی می‌داند که حکم آنها منطبق بر حکم خدا باشد و یا منتخب اهل حد و عقد باشد و با این نگاه «اولی الامر» را به حاکمان برحق تفسیر می‌کند و در همین مسیر فکری، مشورت مردم را نه یک نظر که انتخاب تعریف می‌کند که در این میان «اولی الامر» وظیفه دارد انطباق آن با حکم خدا در قرآن و سنت پیامبر را به مردم اعلام و نه اجبار کند. حتی تفسیری دیگری که بر حدیث غدیر واقع است می‌گوید، علی بن ابیطالب، ولایت مسلمانان را حق خود می‌دانسته است و بر خلاف آنچه ۱۹ سال سکوت تعبیر می‌کنند، در چندین خطبه بعد از فوت پیغمبر اسلام تا زمان بیعت مردم با او به آن حدیث اشاره می‌کند، اما نکته‌ی مهم آنجا است که او همین ولایت و یا به تعبیری خلافت را نه تنها بر پایه‌ی گفتار پیامبر که بر اصل خواست مردم استوار می‌کند.

این نگاه که مشروعیت سیاسی (خلافت) را از مشروعیت فقهی (ولایت) جدا می‌کند، در ادامه‌ی تاریخ امامان شیعه نیز مشهود است، چرا که هیچ‌کدام از امامان، مقام خلافت نداشته‌اند و البته مقام ولایت آنها نیز به گستره‌ی شیعیان محدود می‌شود. اما در جمهوری اسلامی تاکید می‌شود که مقام ولایت و خلافت می‌بایست در قامت یک نفر ظاهر شود و او نه به رای مردم، که می‌تواند بیعت تعبیر شود، بلکه بر آمده از نگاه مجلس خبرگان رهبری خواهد بود. نکته‌ی مهم آنجا است که یکی از مهمترین ایراداتی که برخی فقهای شیعه به شیوه‌ی انتخاب و بیعت خلفای راشدین وارد می‌کنند، همین است که اجماع در جامعه اسلامی را به اجماع در اهل حل و عقد و یا حتی اکثریت آنها تقلیل داده‌اند. حال آنکه امروز ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی نه تنها بر همان پایه است، که مجموعه‌ی علمانی که خلیفه و به تعبیر خودشان ولی امر مسلمین جهان‌گ را انتخاب می‌کنند، هر روز با اعمال سلیقه محدودتر می‌کنند.

اجماع

به واقع اجماع نیز محل اختلاف است. عده‌ای اجماع را تنها میان علما مشروع می‌دانند و بخشی دیگر آن را بدون حضور عام امت اسلام مرجع می‌دانند. برخی نیز بر پایه‌ی شیوه‌ی رفتاری خلفای راشدین، اجماع را حاصل اتفاق رای علمایی می‌دانند که مورد مسائلی که در قرآن و سنت به وضوح ذکری نیامده است، در حضور خلیفه می‌توانند به اتفاق، فتوا صادر کنند. اما نگاهی که حتی در بخشی از شیعه نیز رواج دارد، اجماعی را، رای و نظر افرادی خیره می‌داند که در آن مسئله خاص تخصص دارند. این نگاه حتی در تأیید جایگاه «ولایت فقیه» نیز بر می‌آید، ولی جایگاه آن را ولایت امری برامور فقهی مردم، نه امور سیاسی می‌دانند. با این تفسیر ولی فقیه بر آمده از اجماع علمای مسلمان

انتخاب می‌شود و چنان قدرتی را دارا است که پس از مشورت با علم، در مورد حکم و یا احکامی که ضروری است فتوی صادر کند و براساس آیه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، اطاعت از حکم «اولی الامر» محسوب می‌شود.

انتخابات و تفاسیر فوق

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان موضوع انتخابات آزاد را با توجه به تفاسیر فوق از دو جنبه بررسی کرد. البته پیش از آغاز بحث می‌بایست دو مفهوم انتخابات آزاد در معنای عام و خاص آن را از یکدیگر متمایز کرد، به این معنی که انتخابات می‌تواند در چهارچوب قوانین موضوعه در یک جغرافیای سیاسی خاص، آزاد تعریف شود و همان شیوه در کشوری دیگر مورد قبول نباشد. در این مطلب معنی عام انتخابات آزاد برآمده از منشوری است که به اتفاق آرا در اجلاس یکصد و پنجاه و چهارم شورای اتحادیه بین‌المجالس، پاریس ۲۶ مارس ۱۹۹۴ به تصویب رسیده است، و جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از اعضای شرکت‌کننده در آن اجلاس بود. باید توجه داشت که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی در جهان معیارهای جغرافیای و تفاوت‌های مفهومی دارد، اما درعین حالی تعاریف پایه‌ای آن بر مبنای شاخصه‌های مورد تفاوت در سازمان ملل متحد و یا بانک جهانی اندازه‌گیری می‌شود.

پرواضح است که برداشت یک کارگر سوئدی از آزادی و عدالت با کارگری در عربستان سعودی و یا چین بسیار متفاوت است، اما این تفاوت نگاه اجازه نمی‌دهد که برای بررسی‌های آماری ضریب خاصی برای جوامع در نظر گرفته شود. انتخابات آزاد نیز چنین مفهومی را در کلیت به همراه خود دارد و نمی‌توان با تقسیم‌بندی جوامع مسلمان و غیرمسلمان به آن پرداخت، مگر آنکه مفهوم را تحت عنوان انتخابات آزاد اسلامی تعریف کنیم که مسلماً با مفهوم عام آن تفاوت خواهد داشت.

امروزه این تفاسیر در محافل روشنفکری اسلامی نیز جریان دارد. اغلب مفاهیم روز، که درگیر با مفاهیم دینی است به بحث گذاشته شده است، مانند سکولاریسم، دموکراسی، مدرنیته و غیره، اما اینجا است که تفاوت تفاسیر قشری و نو باز هم خود را نمایان می‌کند. آنجا که علمای روشنفکر اسلامی تلاش می‌کنند با جدا سازی مفاهیم دنیای نوین از مفاهیم دینی، آنها را نه در یک راستا که درد و چهارچوب کاملاً مجزا بررسی کنند. البته این به معنی غیردینی نگاه کردن به مسائل نیست، چرا که خواسته یا ناخواسته اسلام به مانند دیگر ادیان دارای پیام‌های سیاسی - اجتماعی است که نمی‌توان صورت آن را پذیرفت، ولی ذات آن را باور نداشت.

البته این ذات تفاسیری دارد که به بخش‌هایی از آن درموضوع انتخاب نگاه کردیم. از سوی دیگر تجربه مبارزه‌ی مدنی مردم ایران، به خصوص پس از مشروطیت نشان می‌دهد که آموزه‌های ما حتی در جایگاه روشنفکری اگر کاملاً مذهبی نبوده است، همواره رگه‌های بسیار پرنرنگی از آن در این مسیر وجود داشته و دارد. و به تجربه ثابت شده، مفاهیمی که به طور کامل از دین جدا شده‌اند، نتوانسته‌اند به جریانی ماندگار تبدیل شوند.

با این نگاه مضامین دین را می‌توان به سه دسته‌ی عمومی عبادات، معاملات و سیاست‌ها تقسیم کرد و تفسیر و تعبیر این امور را در چهارچوب قرآن و سنت بر عهده‌ی فقیه نهاد. این تفسیر (فتوی) در واقع یکی از مزیت‌های اسلام به شمار می‌آید که با تعبیر شریعت عقلانی بتواند دو خط شریعت و دستاوردهای امروزی جامعه را در توازن با یکدیگر ارائه دهد. باید توجه داشت در این میان تلاش بر آن نیست که اموری چون دموکراسی را با آیه‌های قرآن و یا سنت پیغمبر تطبیق داد، چرا که چنین امری

براساس شرایط زمان و مکان امکان ناپذیر است. چنانکه برخی از علمای شیعه نبود زندانی عقیدتی در دوران امام اول شیعیان را نمونه‌ی آزادی بیان در شیعه بیان می‌کنند، حال آنکه حدیث و یا خطبه‌ای مشخص از امامان شیعه در دست نیست که به عدم برخورد با مخالفان اشاره داشته باشد در واقع از آنجایی که جزه‌مان دوره‌ی مشخص امام اول شیعیان، هیچ یک از امامان در جایگاه خلافت نبوده‌اند و کل نگاه آنان از جایگاه مخالفان خلفا یا اپوزیشن بوده است و برخلاف نگاه قشری به موضوع فقه (عرضه واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی موجود مسلمانان بر کتاب، سنت و به دست دادن احکام شرعی) نمی‌توان مسیر مناسبی را پیش گرفت. اما اگر به آن سه دسته مضامین اسلام بازگردیم، شاهد آن هستیم که یک مسلمان و در عمومیت جامعه‌ی مسلمان (نه الزاماً حاکمیت اسلامی) در موضوع عبادات (نماز و روزه و وضو) یا معاهدات (ازدواج، بیع و ض) و سیاست‌ها (قصاص، دیه، مجازات و ض) به طور مشخص همواره نیاز دارد به ضرورت زمان و مکان به مکاشفه در احکام بپردازد، تا به نحوی آنچه را در جامعه زمان پیامبر اسلام وجود نداشته است، استخراج کند. شرح و بحث در دو مضمون اول خارج از بحث ماست، اما با ورود به بحث سوم و مضامین سیاسی، ما شاهد آن هستیم که حتی در زمان پیامبر اسلام هم با توجه به امکان دسترسی مستقیم به وحی، اما وجهی عقلانی و عقلایی نقش پررنگی را ایفا می‌کنند، به نحوی که حتی برای احکامی که اجر اخروی تعیین شده است، به وضوح دلایل اجتماعی و دنیوی نیز ترسیم می‌شود تا جامعه‌ی اسلامی به آینده‌ی اخروی عودت داده نشود و تاثیر اجرای احکام را در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده کند.

چنانکه برای مثال ابعاد اجتماعی خواندن نماز را در جامعه‌ی سالم وعده می‌دهد و در آیه ۴۵ سوره‌ی عنکبوت می‌گوید «إِنَّ مَا أَوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز میدارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا میداند چه میکنی) و یا در آیه‌ی ۱۷ سوره لقمان می‌گوید «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَضِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (ای پسر من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسبایی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این "حاکم" از عزم جو اراده تو درج امور است).

توجه باید داشت که فتوی بیشتر در بخش سیاست‌های اسلام موضوع پیدا می‌کند و به واقع در راستای رمز گشایی از اموری برمی‌آید که در قرآن صراحت ندارد و یا در سنت نمونه‌ی عینی از آن وجود ندارد. همانطور که پیشتر اشاره داشتیم، فقه، با این تفسیر که واقعیت‌های موجود را، بدون مشخص کردن واقعیت، به کتاب و سنت ارجاع دهد، خالی از اشکال نخواهد بود. آنجاییکه باید مشخص شود آیا نظام دموکراتیک تأمین‌کننده‌ی آن کرامت انسانی است که در چندین آیه‌ی قرآن به صراحت به آن اشاره شده است و از سوی دیگر این کرامت فقط از آن مسلمانان است و یا آن بنی آدم که مفهوم عام تمام شهروندان جامعه را در بر می‌گیرد؟ به واقع زمانی که کرامت از دید خداوند متعلق به نوع بشر است و نه خاصی آن، چنانچه در آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسرا می‌گوید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَهْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم) و این در جایی است که مراد از وناسگ که در برخی آیات به آن اشاره شده است، بخش مشخصی از مردم است که بنا به تفاسیر متعدد، تنها به خاندان پیامبر اسلام اشاره دارد. اما در کنار همین نگاه در آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات می‌گوید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ای مردم! بی‌تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را قبیله‌ای

بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر بشناسید مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست، همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است).

در اینجا باید توجه داشت که در این آیه بازم نوع بشر یکسان تعریف می‌شوند و در ادامه‌ی آن ارزش معنوی انسانی نزد خدا تعریف می‌شود. در تفسیر این آیه مرحوم آیت الله منتظری می‌گوید: «بارزترین شما نزد خداوند با تقواترین شما هستند، ولی این کرامت ارزشی هیچ تأثیری در حقوق اجتماعی ندارد و در حقوق اجتماعی همه انسان‌ها - صرف نظر از درجه ایمان و تقوای آنها - از این گونه حقوق بهره‌مند هستند.» در ادامه می‌توان اشاره‌ای به آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره نیز داشت که می‌گوید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (در دین اکراه - به ناخواه واداشتن - نیست. رهیابی به راه راست) از بدراهی، روشن و نموده شده پس هر که به طاغوت کافر شود و به خدای ایمان آرد براستی به دستاویز استوار چنگ زده که آن را گسستن نیست و خدا شنوا و داناست) با تفسیر این آیه می‌توان دید که انسان در سرنوشت خود صاحب اختیار است و هیچ انسانی با این نگاه نمی‌تواند بر دیگری (جز پیامبر) حجت باشد که به واقع اختیاری است که به مردم واگذار می‌شود تا در زمان مشخص در امور عمومی خود با فردی که واجد شرایط فقاقت است بیعت کند؛ در واقع نه ولایت فقیه بر مردم که وکالت فقیه از سوی مردم تعبیر می‌شود.

با این دید اگر به قانون اساسی جمهوری اسلامی و نقش ولی فقیه و مسیر انتخاب او نگاهی دوباره داشته باشیم خواهیم دید، ولایت فقیه و در معنی اولی آن، ولایت مطلقه‌ی فقیه به هیچ عنوان نمی‌تواند مبنای فقهی داشته باشد، تفسیری که در اصلاحیه‌ی سال ۶۸ و به قدرت رسیدن سید علی خامنه‌ای به شکلی مفصل در قانون اساسی، شکلی قانونی نیز به خود گرفته است. در واقع با این تفسیر نمی‌توان موضوع انتخابات و انتخابات آزاد را در شرایطی تعریف نمود که رهبر جمهوری اسلامی نه بر امور فقهی دولت منتخب و جامعه که بر جزئیات سیاسی - اجتماعی آنان نظارت دارد و این حق شرعی را برای خود قائل است که با حکم خود تصمیم جمعی مردم را نقض کند. بی راه نیست که در چندین خطبه‌ی نماز جمعه در شهرهای گوناگون شنیده می‌شود انتخابات آزاد در تضاد با ولایت فقیه است، چرا که به وضوح انتخابات آزاد درگرو آزادی در انتخاب کردن و انتخاب شدن است. یک نظام انتخاباتی می‌تواند ۵ جزء اصلی مجریان و ناظران، انتخاب شوندگان، انتخاب کنندگان، سیاست‌های انتخاباتی (شامل قوانین کلی و جزئی) و رسانه‌های انتخاباتی را دارا باشد که با تطبیق آن بر اصول قانون اساسی شاهد حضور ولایت فقیه در سه بخش از این پنج بخش خواهیم بود و در دو بخش دیگر نیز این حضور به صورت غیرمستقیم نمود پیدا می‌کند.

رهبر جمهوری اسلامی ترکیب شورای نگهبان به عنوان رکن اصلی انتخابات در کشور را تعیین می‌کند، به طبع آن، چهره‌ی انتخاب شوندگان از همین مجرا عبور می‌کند و تنها رسانه‌ی ملی در ایران زیر نظر فردی منصوب رهبری اداره می‌شود. در واقع ولی فقیه جدا از این سه حوزه به حوزه‌ی انتخاب کنندگان نیز ورود می‌کند و همانطور که اشاره شد، تا زمانی که رای مردم را تنفیض نکرده است، از دید قانون، رای مردم بی‌اثر است. همچنین در حوزه‌ی سیاست‌های انتخاباتی نیز شاید تا امسال نقش ولی فقیه تنها در یک یا دو سخنرانی محدود می‌شد، ولی امسال با اختصاص بخشی در سایت رسمی خود و ترسیم بایدها و نبایدها، نشان می‌دهد که ولی فقیه می‌خواهد تمام ارکان نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی را در دست خود داشته باشد.

در بخشی دیگر حتی می‌توان به رویای نظام پارلمانی نگاه کرد که سید علی خامنه‌ای به آن اشاره

داشته است و به واقع حذف بخشی دیگر از اعمال نظر مستقیم مردم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی است. شاید این شیوه امروز در بسیاری از کشورها تعریف شده باشد، اما این سیستم تنها در مواردی پاسخگو است که پارلمان به واقع از نمایندگان مردم تشکیل شده باشد، نه آنکه مجموعه‌ای فیلتر شده از باورمندان به اصل ولایت فقیه و نظر ولی فقیه (به مانند آنچه امروز در ایران جاری است). همین نگاه نزد سید علی خامنه‌ای در دفاع از اصلاح قانون اساسی و حذف نقش نخست وزیر نیز مشاهده می‌شود.

سوی دیگر ماجرا را البته می‌توان از سال ۱۳۸۴ و با به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد و بالاگرفتن موضوعاتی مرتبط با امام دوازدهم شیعیان بررسی نمود. در این دوران مشخص است که بیشترین تعداد استفاده از لفظ و امام‌گرا برای سید علی خامنه‌ای، آن هم در رسانه‌های نزدیک به رئیس جمهور به وضوح قابل دیدن است و با همین نگاه نیابت بر حق امام زمان را به صورت متعدد شاهد هستیم. کاظم صدیقی یکی از امامان جمعه‌ی موقت تهران مدعی است که خداوند سید علی خامنه‌ای را رهبر جمهوری اسلامی کرده بود و ایشان برای رفع مشکلات به بیابان و یا مسجد جمکران می‌رود. صدیقی همچنین مدعی است امام دوازدهم شیعیان در صحرای عرفات، سید علی خامنه‌ای را دعا کرده است.

نکته‌ی قابل توجه آن است که در کل مکتوبات سید روح الله خمینی با عنوان مسجد جمکران تنها ۱ نامه موجود است که در سال ۵۸ و توشیح یک نامه است که دستور رسیدگی به وضعیت مسجد را می‌دهد و بسیاری از جمله سید محمد رضوی یزدی، درگفتگو با سایت جماران که مسئولیت نشر نوشته‌های سید روح الله خمینی را بر عهده دارد مدعی است که او هرگز به این مسجد نرفته است. به نحوی این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که برای رد این موضوع مستند مهر و ماه، تهیه می‌شود تا با صحنه‌سازی و حضور شهود ثابت کنند که حداقل دو بار در اوایل انقلاب سال ۵۷ سید روح الله خمینی در این مسجد دیده شده است. این در حالی است که سید علی خامنه‌ای این اواخر نیمه شب به مسجد جمکران می‌رود و تا زمان نماز صبح آنجا می‌ماند و نماز می‌خواند. او در دیدار با سید حسن نصرالله، مدعی می‌شود زمانیکه که با مشکلات لاینحل مواجه می‌شود به جمکران می‌رود تا دست غیب امام زمان را او راهنمایی کند و او همان تصمیم را اجرا می‌کند. بی‌راه نیست که او ۵۰ میلیارد تومان را در عرض ۵ سال برای توسعه‌ی این مسجد اختصاص می‌دهد و داستان امامت را چنان پیش می‌برد که سید احمد علم‌الهدی او و ولایتش را جانشینی مستقیم امامان شیعه می‌داند و بی‌احترامی به جایگاه ولایت فقیه را بی‌احترامی مستقیم به ذات امام دوازدهم معرفی می‌کند. این تشریح و توضیح در ظاهر از موضوع بحث خارج است، اما با تفکر در اصل آن می‌بینیم که سید علی خامنه‌ای نه تنها خود را مجتهد واجد شرایط و یا حتی ولی فقیه می‌داند، که یک گام جلوتر رفته است و برای خود جایگاه امامت نه در لفظ، که در واقع قائل است. با این برداشت هرکس بخواهد این جایگاه را به چالش کشیده و یا آن را محدود نماید، نه فقط یک نیروی ضدانقلاب، که ضد اصل امامت شیعه و مانع ظهور تشخیص داده می‌شود. یکی از این چالش‌ها اصرار بر انتخابات آزاد است که او به صراحت با آن مخالفت کرده است، چرا که می‌توان گفت هیچ نماینده‌ی واقعی از سوی مردم، این جایگاه امامت را برای او فراهم نمی‌کند، مگر آنانی که به مانند امروز مسند قدرت را با همین عنوان به دست گرفته‌اند.

در واقع این دستورات دینی نیستند که مخالف و یا مانع انتخابات آزاد در یک جامعه‌ی دینی هستند، که با تمام تفاسیری که اشاره شد در جامعه‌ی اسلامی نیز می‌توان حق انتخاب آزاد را تضمین و تأمین کرد، اما آنچه امروز و در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی مانع انتخابات است، نگاه ولایت فقهی به جامعه است.

کامیار بهرنگ سالها فعالیت اجتماعی و سیاسی خود را در میان انجمن‌های ایرانی در سوئد پیگیری کرده است. او نوشته‌های متعددی را در سایت‌های اینترنتی و مجله‌های ایرانی منتشر کرده است. او هم اکنون مقیم لندن است و اکنون به عنوان مجری خبر در تلویزیون‌ها مشغول به کار است

«»«»«»«»«»«»

منابع:

قرآن مجید (ترجمه فارسی مهدی محیی‌الدین الهی قمشه‌ای)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ولایت فقیه - حکومت اسلامی، سید روح الله خمینی

فصلنامه امامت پژوهی

حکومت اسلامی و ولایت فقیه، محمدتقی مصباح یزدی

پرسش‌ها و پاسخ‌ها، محمدتقی مصباح یزدی

ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، عبدالله جوادی آملی


فقه استدلالی در مسائل خلاقی، سید محمد جواد غروی

اصول فقه، جلد دوم، سید مصطفی محقق داماد

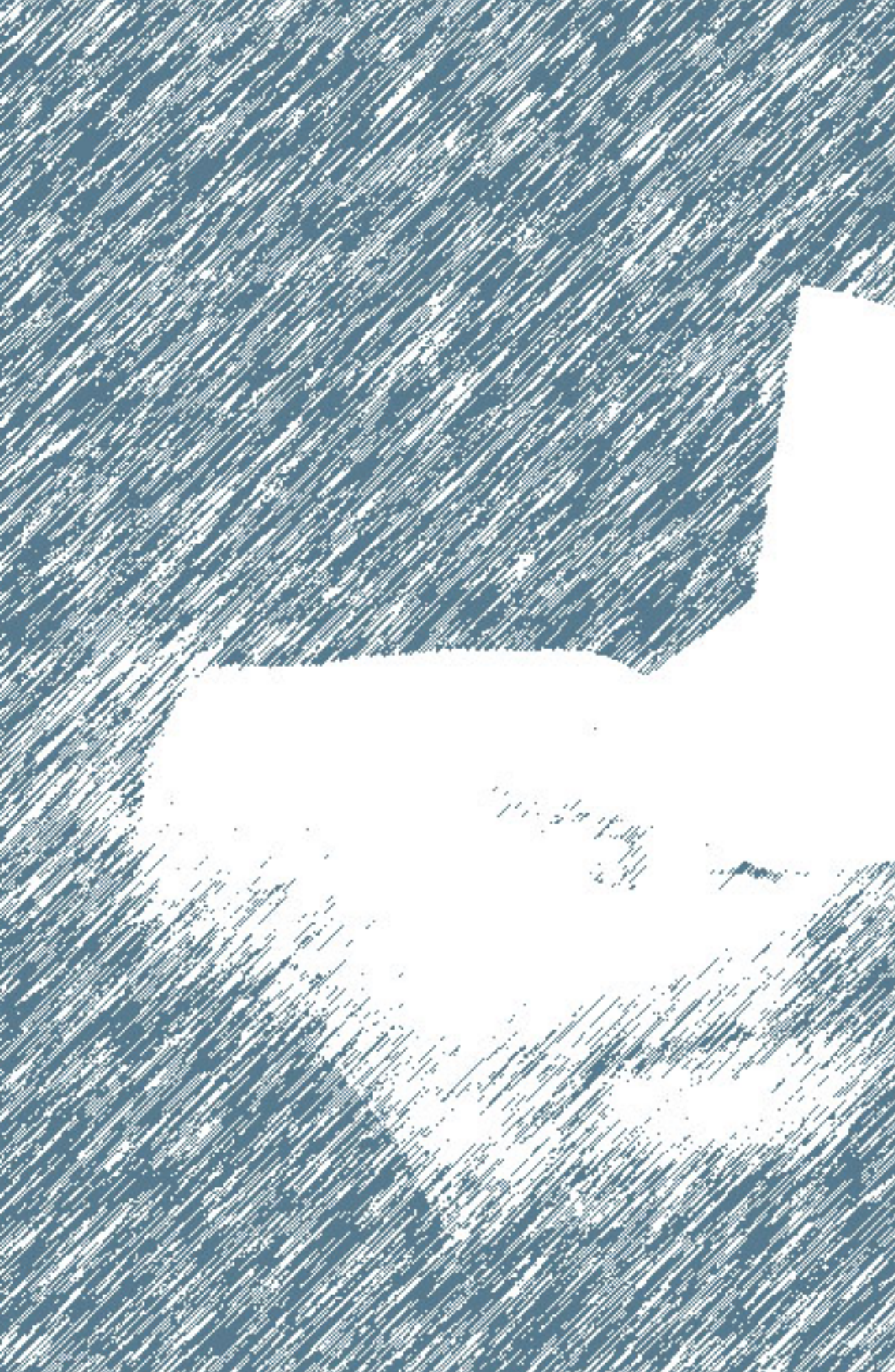
جزوه حقوق بشر، حسینعلی منتظری

رساله حقوق، حسینعلی منتظری





شوراها، زائده ای بر بوروکراسی
حکومتی



شوراها، زائده ای بر بوروکراسی حکومتی

حسین نورانی نژاد



راه اندازی شوراها یکی از شعارهای اولیه انقلابیونی بود که در سال ۵۷ به قصد دخالت دادن مردم در اداره جامعه سر داده شد. پیشقراول این شعار در دوره انقلاب مرحوم آیت الله طالقانی بود. روحانی که روشنفکری می کرد، با نگاهی مردم محور فعالیت می کرد، سابقه فعالیت نهادی و تشکیلاتی را با نهضت آزادی ایران و جبهه ملی داشت و از نخبه گرایی تا حد زیادی پرهیز داشت.

به دنبال پی گیری های آن مرحوم بود که اصل شوراها در قانون اساسی گنجانده شد و هرچند جزو اصول معطل مانده قانون اساسی ماند که تا دوره اصلاحات به سرانجام نرسید، اما همواره به عنوان یک مطالبه ملی، در قانون اساسی صاحب ظرفیت ماند.

اما آیا به قانون در آمدن شوراها و حتی اجرای آن لزوما تحول بزرگی برای جامعه مدنی ایران به حساب می آید؟ آیا شوراها به عنوان بخشی از جامعه مدنی هستند و یا آنکه در بین نهادهای قدرت در ایران دسته بندی می شوند؟ برای پاسخ به این پرسش ها بیش از آنکه به نیت طراحان اصل شوراها و مجریان آن بپردازیم، بهتر است نتایج عملی آن را بررسی کنیم. نتیجه ای که نشان می دهد به اندازه ای که روی این موضوع حساب باز شده بود و به میزانی که برای آن هزینه شد، دستاورد بزرگی برای جامعه مدنی به دست نیامد.

جامعه مدنی چیست؟

برای بیان دیدگاه خود در این باره ابتدا به توافقی مفهومی درباره جامعه مدنی بپردازیم. در میان تعریف های متعدد از جامعه مدنی، تعریف مدرسه اقتصاد لندن که مرکزی برای پژوهش در مورد جامعه مدنی است، را مرور می کنیم: وجامعه مدنی به بستری از کردارهای مشترک غیر تحمیلی، حول منافع، اهداف و ارزش های مشترک گفته می شود. قالب های نهادینه آن با دولت، خانواده و بازار متفاوت هستند. هر چند که در عمل مرز میان دولت، جامعه مدنی، خانواده و بازار پیچیده، نامشخص و محل مناقشه است. جامعه مدنی عموماً تنوعی از فضاها، عاملان و قالب های نهادینه در خود دارد که در درجه های مختلفی از تشریفات، استقلال داخلی و قدرت قرار دارند. جامعه های مدنی اغلب به وسیله نهادهایی مثل موسسه های خیریه ثبت شده، سازمان های غیردولتی توسعه، انجمن های گروه ها، سازمان های زنان، سازمان های عقیده محور، انجمن های متخصصان، اتحادیه های کارگری، گروه های خودیاری، حرکت های اجتماعی، انجمن های صنفی و ائتلاف ها پر می شوند.

بر اساس این تعریف، جامعه مدنی را بدون مرز دقیق و قطعی، جایی بین حوزه اقتدار و دولت از سوی و مردم و شهروندان از سوی دیگر باید جستجو کرد. جایی که مانع از اصطکاک بی واسطه و خشن دولت ها با مردم می شود و امکان تحقق جامعه اخلاقی را نیز بهتر و بیشتر فراهم می کند. چه به تعبیر راولز، جامعه اخلاقی، جامعه خوب سامان یافته ای است که نظم اجتماعی دارد و نهادها، قوانین، تصمیمات و ضد تابع نظم محوری (با فرض وجود عدالت در این محور) هستند. با تعبیرهای دیگر از جامعه اخلاقی، همچون عجامعه بدون اختلال هنجاری و عجامعه با اکثریت اخلاقی نیز بدیهی است که وجود نهادهای قوام یافته مدنی، می توانند نقش موثری در پیدایش این الگوهای مفهومی داشته باشند.

۸۱

سازمان

شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در فصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصدم آن آمده است: «برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کند.» در اصل ۱۰۳ نیز تأکید شده است که: «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.»

همان طور که از قانون برمی آید، شوراها از بستر حقوقی مناسبی در جمهوری اسلامی برخوردارند. مردم می توانند از اداره ده و محله گرفته تا شهر و استان، نمایندگان محلی خود را انتخاب کنند و در راه شکل گیری حکومت های محلی به واسطه نهادهایی همچون شوراها اقدام کنند.

به دلیل همین ظرفیت هاست که در سال ۷۶، در برنامه های انتخاباتی سید محمد خاتمی، توجه ویژه ای به شعار راه اندازی شوراها شد، بلافاصله پس از کسب دولت برای راه اندازی آنها اقدام شد و به فاصله کمی، دهیازری ها و شوراهای محلی (شورایاری) راه اندازی شدند.

فقدان تشکل های مردم نهاد؛ حلقه مفقوده تقویت جامعه مدنی از طریق شوراها

با وجود بستر به ظاهرا فراهم قانونی برای شوراها، نه شوراهای شهر و نه شوراییاری ها به تقویت جامعه مدنی، به نحو موثری منجر نشده اند. دلیل این امر را با وجود رقابت جدی بین کاندیداها و مشارکت نسبتا بالای رای دهندگان (به استثنای دور دوم شوراها در کلان شهرها، به خصوص تهران) فقدان ضلع سوم دموکراسی به عنوان نهادهای مدنی است.

جامعه مدنی، جامعه ای متفاوت از جامعه اهلیزه ای است که هرکس به تنهایی برای کاری که درست می داند، اقدام می کند. حتی اگر در جامعه ی اهلیزه، همه ی ظواهر نهادهای نمایندگی مانند پارلمان و شوراها فراهم باشد، در نبود نهادهای واسطی مانند احزاب و پتپ ها، نهایتا فرد منتخب به ابزاری در دست قدرت سیاسی و حکومت تبدیل شده و در صورت مقاومت در برابر ابزار شدن، منفعل و بی اثر خواهد شد.

اگر در جامعه ای، نهادهای مدنی نسبتا قوام یافته ای وجود داشته باشد، باز هم دولت ها برای تاثیرگذاری بر این نهادها و به تعبیر گرامشی فتح سنگر مردم در جامعه مدنی تلاش می کنند تا از این طریق به مدیریت امور به سود منافع دولت بپردازند. در مقابل مردم نیز پشت سنگر نهادهای مدنی به کسب منافع بیشتر در برابر حکومت می اندیشند. کاری که نهادهای مدنی در این وضعیت صورت می دهند، ایجاد زمینه گفتگو و تبادل استدلال بین طرفین نزاع با رویکرد طرفیت از مردم است، یعنی اولین و مهم ترین گام برای کاهش و مهار بحران. در این صورت شوراها برآمده از دل نهادهای مدنی مستقل نیز قدرت ایستادگی بیشتری در برابر دولت و حکومت داشته و می توانند منافع جامعه را در برابر تمایلات دولت حمایت کنند. اما در وضعیتی که نهادهای مدنی ضعیفند و یا وجود ندارند، جامعه توده وار است، فرد احساس بی پناهی می کند و حتی اگر عضو نهادی مانند شورای شهر یا شوراییاری باشد، قدرت مقابله با قدرت دولت را در خود نمی یابد.

به همین دلیل است که تصور طی مرحله ای که در ترکیه برای اسلامگرایان اصلاح طلب حزب عدالت و توسعه پیش آمد و آنها را بر مصدر امور کشورشان به صورت گام به گام نشانند و تقویت جامعه مدنی ترکیه را نیز در پی داشت، در ایرانی که قدرت سیاسی مانع از شکل گیری نهادهای مدنی است، ممکن نیست.

از سوی دیگر شاید این پرسش به وجود بیاید که با حضور افراد معتقد به جامعه مدنی در شوراها، تقویت جامعه مدنی به دست می آید.

اگر چه پاسخ مطلقا منفی به این پرسش درست نیست، اما تجربه نشان می دهد که نهادهای مدنی که این گونه پدید می آیند، پس از دوره حضور طرفداران جامعه مدنی در شوراها، خودبخود منحل شده و به پایان راه خود می رسند. NGO های متعددی که در شهرداری ها و با پوشش مجوز وزارت کشور و سازمان ملی جوانان در دوره اصلاحات فعال بودند و پس از دوره اصلاحات بدون کم ترین هزینه ای برای دولت جدید به فعالیت های خود پایان دادند، شاهد گویایی بر این ادعا هستند.

همچنین شوراها نیز در چنین وضعیتی، صرفا ابزاری در دست شهرداری ها شده و به ضرس قاطع می توان گفت که تنها به یک زانده در بوروکراسی حاکمیتی که در آن شهرداری ها نیز عملا جزیی از نهاد حکومتی محسوب می شوند، تبدیل شده اند.

دلیل حکومتی بودن شهرداری ها و شورای شهر در ایران

پاسخ به این پرسش، پاسخی ساده دارد؛ فقدان نهادهای مدنی قوی در کنار وجود نظارت استصوابی برای انتخاب کاندیداهای شورای شهر که به واسطه آنها، همین سلسله مراتب و تبعات به دهیاری ها و شورایاری ها هم ختم می شوند.

در واقع وقتی کاندیداهای شورای شهر از فیلترهیات های اجرایی کی گذرند که خود آنها برای رفتن به مجلس، بیشتر از فیلتر سخت شورای نگهبان گذشته اند، به صورت زنجیره وار همان نگاه حاکم بر شورای نگهبان، با مقداری رقیق شدن به پایین منتقل می شود.

به عنوان مثال اینکه در دور جدید انتخابات در پیش شوراها، بسیاری از ملایم ترین نیروهای اصلاح طلب رد صلاحیت می شوند، شورای برآمده از آن و شهردار انتخاب شده توسط چنین شورایی، در چارچوب فکری و ارزشی حلقه اول این چرخه، یعنی شورای نگهبان محصور می ماند. چرخه ای که در آن نهادهای مدنی عمدتاً رقیب دولت و گاه بر سازنده جامعه مدنی در برابر جامعه ولایی، به تعبیر دستگاه فکری آنها، منجر می شود.

آیا اینها دلیلی بر بی توجهی به شوراهاست؟

در نگاه اصلاح طلبانه که استفاده از همه ظرفیت های قانونی برای تغییرات دموکراتیک و تقویت جامعه مدنی در برابر دولت، یک اصل است، بی توجهی به ظرفیت شوراها با همه مشکلات پیش گفته خطاست.

۸۳

درواقع اگرچه راه سخت و صعبی پیش روی اصلاح طلبان برای ایجاد تغییرات مد نظر از طریق کسب کرسی های شوراها متصور است، اما تحقق فرض این هدف مطلقاً بدون دستاورد نخواهد بود. در واقع آنچه گفته شد مقایسه آن چیزی است که در ذهن طراحان و مجریان شوراها همچون سعید چچاریان و مصطفی تاج زاده که این دومی در زمان معاونت سیاسی وزارت کشور عبدالله نوری پروژه شوراها را به فرجام رساند به عنوان بستر امن جامعه مدنی است که در عمل زانده ای بر بوروکراسی حکومتی شد. آفتی که با در خلا نهادهای مدنی، پیدایش طبیعی به نظر می رسد.

بر این اساس است که هنوز برای تقویت جامعه مدنی، هم به تلاش هایی در سطوح زیرین جامعه همچون آموزش و فرهنگ سازی احتیاج است و هم به تلاش های سیاست ورزانه برای ورود به سطوح بالای قدرت. در واقع کسب قدرت در نهادهای بالادستی تر قدرت و اعمال فشار از پایین در کنار چانه زنی در بالا، شاید که بار دیگر منجر به دموکراتیک ترین انتخابات طول تاریخ جمهوری اسلامی شود. درانتخابات دور دوم شوراهای شهر و روستا، به واسطه تحمیل نیروی سیاسی اصلاح طلبان به قدرت که درمجلس ششم و متبلور شد، انتخاباتی بسیار آزاد و دموکراتیک در طول تاریخ جمهوری اسلامی تجربه شد. هرچند که آن انتخابات با فقر مردم به دلیل خطاهای متعدد اصلاح طلبان و عملکرد بد شورای اول شهر تهران مواجه و همان انتخابات چرخه بردهای پیاپی مجافظه کاران را در انتخابات بعدی و به قدرت رساندن احمدی نژاد و طیف او را در بر داشت.

به هر حال به نظر می رسد این دو بخش، یعنی نهادهای بالادستی قدرت و دیگری، لایه های زیرین جامعه که یکی به کار چانه زنی بیاید و دیگری به کار فشار از پایین، می توانند در کنارهم بال های پرواز نهادی واسطه به نام جامعه مدنی را رشد دهند، تا هر سه بخش، قدرت سیاسی، جامعه مدنی و توده جامعه از آن بهره ببرند.



SARTSIZ MILLET

احزاب و انتخابات آزاد، تجربه ترکیه



EGEMENLIK KAYITSIZ



احزاب و انتخابات آزاد، تجربه ترکیه

پارلمان در ترکیه

حمید مافی



ترکیه که تا یک دهه پیش سرزمین کودتا گران بود و نظامیان دست بالا در سیاست را داشتند، اکنون به الگویی تازه برای کشورهای در حال گذار به دموکراسی بدل شده است. کشوری که از نظام تک حزبی به نظام چند حزبی رسیده، حکومت و روشنفکرانش در تلاشند تا قانون اساسی را یک بار دیگر با رویکرد مترقی تدریجی در حقوق شهروندان تغییر دهند. هم چنین از در هم تنیدگی قوا و نهادهای حکومتی بکاهند.

نظام سیاسی حاکم بر ترکیه پارلمانی است و مجلس ملی این کشور بر اساس اصل ششم قانون اساسی وظیفه قانونگذاری را بر عهده دارد. اما مجلس ۵۵۰ نفره ترکیه تنها وظیفه‌اش قانون گذاری نیست، بلکه انتخاب رئیس جمهور هم در اختیار نمایندگان است که برای رسیدن به پارلمان راهی دشوار در پیش دارند. بر اساس بازنگری سال ۱۹۶۱ در قانون اساسی این کشور، تمام گروه‌های سیاسی باید در قالب احزاب شناسنامه دار فعالیت کنند. در سال ۲۰۰۷ با تغییراتی که در قانون اساسی این کشور صورت گرفت، نمایندگان مستقل از احزاب نیز امکان راه یافتن به مجلس را پیدا کردند. اما همچنان احزاب نقش اصلی در عرصه سیاست و پارلمان را ایفاء می‌کنند. به گونه‌ای که نخست وزیر رهبر حزب پیروز در انتخابات است و چنانچه یک حزب نتواند اکثریت آراء را به خود اختصاص دهد چاره‌ای جز تن دادن به ائتلاف با احزاب کوچک‌تر را ندارد. مجلس ترکیه هم اکنون اصلاح قانون اساسی این کشور را در دست بررسی دارد و چنانچه اصلاحات مورد نظردولت با موافقت عمومی مردم در همه پرسو

همراه شود، آنگاه نظام سیاسی ترکیه نیز ریاستی خواهد شد و رئیس جمهور با رای مستقیم مردم به قدرت خواهد رسید.

گام اول؛ حذف نظامیان

قانون اساسی ترکیه ارتش را حافظ میراث آتاتورک و لائیسیته در این کشور دانسته است. دست باز ارتش برای نقش آفرینی به بهانه حفاظت از میراث آتاتورک در سالهای گذشته این امکان را به نظامیان داده تاهرگاه که دولت را همسو با خواست‌های خود ندیدند، کودتا کنند. اگرچه نظامیان هیچگاه در این کشور به صورت مستقیم حکمرانی نکردند و به فاصله کوتاهی پس از کودتا دولت را به سیاستمدار برگزیده پارلمان تحویل دادند، اما دخالت‌های متعدد آنان فضای سیاسی ترکیه در سال‌های گذشته چندین بار با بحران سیاسی روبرو کرده است.

نظامیان اما در رویارویی با حزب عدالت و توسعه که برای نخستین بار پس از چند حزبی شدن ترکیه توانسته است به تنهایی دولت تشکیل دهد، چاره‌ای جز ترک سیاست نداشتند. اگرچه دستگاه قضایی ترکیه تلاش کرد تا در سال ۲۰۰۷ مانع از ادامه کار این حزب شود اما سرانجام این اسلام گرایان جوان در قالب حزب عدالت و توسعه بودند که توانستند راه خود را ادامه دهند.

پس از آنکه دادگاه مربوط انحلال حزب عدالت و توسعه به نتیجه نرسید، این دولت بود که نظامیان را به بهانه اقدام برای کودتا علیه دولت دستگیر و روانه زندان کرد. سرانجام فرمانده ارتش از مقام خود کناره گیری کرد تا برای نخستین بار حزب حاکم فرمانده ارتش را تعیین کند. دولت امیدوار است که در اصلاح قانون اساسی بخش زیادی از اختیارات ارتش را به وزارت دفاع منتقل کند تا نظامیان به صورت کامل در اختیار و کنترل دولت قرار گیرند.

۸۷



گام دوم؛ جامعه مدنی قدرتمند

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه بیش از هرچیز مرهون شبکه سازی و روی آوردن اسلام گرایان به نهادهای مدنی است. پس از تجربه ناکام "ارپکان" که با کودتای سفید ارتش قدرت را واگذار کرد، اسلام گرایان محروم از فعالیت سیاسی راهکار را در فعالیت مدنی و روی آوردن به نهادهای صنفی و اقتصادی دیدند.

اگرچه در ترکیه همچنان محدودیت‌های بسیاری برای فعالیت نهادهای صنفی و به ویژه سندیکالیست‌ها و اتحادیه‌های کارگری وجود دارد اما براساس آمار رسمی اعلام شده تا سال ۲۰۱۱ بیش از ۹۰ هزار سازمان غیردولتی در این کشور فعالیت می‌کنند و بیش از هشت میلیون نفر از جمعیت ۷۵ میلیون نفری ترکیه به عضویت سازمان‌های غیردولتی درآمده‌اند.

"بولنت کنش"، استاد دانشگاه و سردبیر روزنامه "تودی زمان" در ترکیه؛ توسعه کشور و چیرگی بر مافیای اقتصادی و سیاسی بدون وجود نهادهای مدنی قدرتمند و جنبش‌های مدنی را غیر ممکن دانسته است. به گفته او، سازمان‌های مدنی در ترکیه نسبت به دهه ۸۰ میلادی بیش از ۲۶۰ درصد رشد کرده‌اند. او به قدرت رسیدن عدالت و توسعه را نتیجه فرایند اتکا به جامعه مدنی دانسته است.

تا پیش از دوران "تورگت اوزال" که برای رسیدن ترکیه به یک آرامش نسبی کوشید، همه امور در اختیار دولت بود. اما پس از اصلاح قانون اساسی در این دوره، نهادهای مدنی و مذهبی در ترکیه اجازه فعالیت پیدا کردند. اسلام گرایان جوان نیز در همین دوران اتحادیه تولید کنندگان و تجار غیردولتی را

درمقابل اتحادیه دولتی بنیان نهادند و نهادهای خیریه را در مناطق محروم ترکیه فعال کردند.

آن‌ها پس از نزدیک به یک دهه فعالیت در نهادهای مدنی و صنفی سرانجام توانستند درانتخابات پارلمان ترکیه اکثریت پارلمان را در اختیار بگیرند. همین تجربه آن‌ها را در دوره‌ای که حزب عدالت و توسعه علیرغم در اختیار داشتن دولت، با رای دادگاه از دریافت کمک‌های دولتی محروم شد، زمین گیر نکرد به گونه‌ای که این حزب توانست در انتخابات بعدی نیز اکثریت آرا را به دست آورد.

جامعه مدنی ترکیه در دوران حکومت اسلام‌گرایان نقش بازدارنده ارتش را هم به خوبی ایفا کرده است. درحالی که احزاب سکولار ترکیه نگران اسلامی کردن قوانین بودند، سازمان‌های غیردولتی هرکجا که احساس کرده‌اند حقوق فردی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و یا اراده‌ای برای تغییر قوانین وجود دارد، اعتراض خیابانی پیشه کرده‌اند. کارشناسان براین باورند که پیشرفت‌هایی که در قوانین مربوط به زنان و اقلیت‌ها در ترکیه صورت گرفته نتیجه پایداری سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی است.

گام سوم؛ نظام حزبی

قانون اساسی ترکیه فعالیت گروه‌های سیاسی را تنها در قالب حزب به رسمیت می‌شناسد. اگرچه در نخستین سالهای اعلام جمهوریت، این کشور تک حزبی بود و تنها حزب جمهوریخواه خلق، اجازه فعالیت داشت اما پس از تغییرات چند باره در قانون اساسی، فعالیت احزاب آزاد شد.

بر اساس قانون اساسی ترکیه، کاندیداهای نمایندگی مجلس تنها در صورتی می‌توانند به پارلمان راه یابند که حزب متبوع آن‌ها ده درصد کل آرا کل کشور را به دست آورد و چنانچه حزب نتواند این میزان از آراء را به دست آورد نامزدهای معرفی شده علیرغم برخورداری از اکثریت آراء از راه یافتن به مجلس باز می‌مانند. اگرچه این قانون در انتخابات سال ۲۰۰۷ تغییر کرده و نامزدهای مستقل نیز اجازه شرکت در انتخابات را دارند، اما همچنان این احزاب هستند که نتیجه نهایی انتخابات را رقم می‌زنند.

قانون اساسی ترکیه احزاب سیاسی را از عناصر حیات سیاسی دموکراتیک معرفی می‌کند. احزاب سیاسی بدون نیاز به اجازه دولت تشکیل می‌شوند اما باید فعالیت‌های خود را درچارچوب قانون اساسی و احکام قانونی ادامه دهند. براساس آخرین آمار رسمی ۷۱ حزب سیاسی در ترکیه فعال هستند و ۱۰ میلیون نفر از شهروندان این کشور به عضویت احزاب درآمده‌اند. قانون اساسی ترکیه عضویت افراد زیر ۱۸ سال، نظامیان، قضات دادگستری و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها در احزاب را ممنوع کرده است. اعضای هیات علمی تنها در صورتی می‌توانند به عضویت احزاب درآیند که درکادر مرکزی قرار گیرند.

دولت موظف به حمایت مالی از احزاب است. احزاب براساس میزان رای و تعداد نمایندگانی که درمجلس دارند از خزانه داری کمک دریافت می‌کنند. درکنار این حق عضویت، فعالیت‌های اقتصادی درآمد زا و دریافت حق ثبت نام از نامزدهای نمایندگی مجلس از دیگر منابع درآمدی احزاب سیاسی به شمار می‌آیند.

احزاب چنانچه خلاف اصول قانون اساسی ترکیه فعالیت کنند، دیوان عالی قضایی در دادگاه به اتهام آنان رسیدگی می‌کند و در صورت اثبات اتهام، بر حسب قانون به ممنوعیت فعالیت و انحلال و یا محرومیت از دریافت خدمات دولتی در یک دوره زمانی مشخص محکوم می‌شوند.

در دهه‌های پیش برخی از احزاب اسلام‌گرای ترکیه با رای دادگاه منحل شده‌اند. اما اعضای آن با تأسیس حزبی جدید به صحنه سیاسی بازگشته‌اند. در انتخابات پارلمانی ترکیه تنها احزابی اجازه حضور دارند که دارای ۳۱ تشکیلات استانی در ۳۱ استان ترکیه باشند.

قانون اساسی ترکیه وظیفه برگزاری و نظارت بر انتخابات را برعهده دستگاه قضایی گذاشته است. شورای عالی انتخابات با هفت عضو اصلی و چهار عضو علی‌البدل وظیفه برگزاری و نظارت بر انتخابات را دارند. اعضای این هیأت توسط مجمع عمومی دادگاه عالی استیناف و مجمع عمومی شورای ایالتی انتخاب می‌شوند. این شورا تا ۱۱ روز پس از انتخابات به شکایت و اعتراض کاندیداها رسیدگی می‌کند.

طبق اعلام این شورا هر فرد ۲۵ ساله با سواد می‌تواند نامزد نمایندگی مجلس شود. اما اعضای وابسته به احزاب باید از طریق حزب متبوع خود در انتخابات ثبت نام کنند. هریک از نامزدها نیز سه ماه فرصت تبلیغات دارند. تبلیغات انتخابات در ترکیه معمولاً حزبی است و از طریق سخنرانی‌های عمومی صورت می‌گیرد. احزاب علاوه بر اینکه از رسانه‌های خصوصی برخوردارند با توجه به میزان رای در آخرین انتخابات برگزار شده می‌توانند از رسانه‌های دولتی و رادیو و تلویزیون استفاده کنند. پیش از شروع انتخابات کلیه پوسترها و سایر ابزار تبلیغاتی پاکسازی می‌شود.

در ترکیه انتخابات محلی شوراه و شهرداری‌ها هم از اهمیت فراوانی برخوردار است. شهردار نیز با رای مستقیم شهروندان انتخاب می‌شود و همچون دوران نمایندگی مجلس اعضای شورای و شهردار پنج سال فرصت دارند تا برنامه‌های خود را پیش ببرند. احزاب در انتخابات شهرداری‌ها نیز حضوری فعال دارند. رقابت در شهرهای بزرگ‌تر برای در اختیار گرفتن شهرداری‌ها پرنرگ‌تر است.

سخن آخر

در این سال‌ها هرچه ترکیه تلاش کرده تا سایه نظامیان بر سیاست را کمتر کند و به جامعه مدنی و احزاب سیاسی فضای بیشتری بدهد، در آن سوی مرزها یعنی در ایران نظامیان به بازیگران اصلی سیاست تبدیل شده و سایه‌شان بر نهاد سیاسی افزون‌تر شده است.

به گونه‌ای که سپاه پاسداران و بسیج به عنوان دو نهاد نظامی هم اکنون نقش فعال تری از احزاب در عرصه سیاسی دارند. نهاد ناظر بر انتخابات سپاه پاسداران را به عنوان یکی از مراجع استعلام صلاحیت نامزدهای انتخاباتی برگزیده و فرماندهان این نهاد نظامی آشکارا از ضرورت نقش خود در انتخابات سخن می‌گویند. به گونه‌ای که نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، وظیفه این نهاد را مهندسی انتخابات در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی عنوان کرده و نماینده ولی فقیه در بسیج هم خنثی بودن این نهاد در انتخابات را خیانت به انقلاب دانسته است.

همزمان با گسترده‌تر شدن تحرک سپاه در عرصه سیاسی و افزایش سیاستمداران با پیشینه نظامی در نهاد قانون‌گذاری و قوه مجریه، مجلس به دنبال تصویب قوانین محدود کننده برای احزاب سیاسی و نهادهای مدنی است. مجلس شورای اسلامی به تازگی طرحی را در دستور کار قرار داده که براساس آن احزاب سیاسی باید یک بار دیگر برای دریافت پروانه فعالیت اقدام کنند.

قوه مقننه پیش از این نیز طرحی را از تصویب گذرانده که براساس آن سازمان‌های غیردولتی برای اخذ مجوز با محدودیت‌های بیشتری روبرو می‌شوند و بر تعداد نمایندگان نهادهای امنیتی و نظامی در هیأت نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی افزوده خواهد شد.

علاوه بر این حکومت در یک دهه گذشته سرکوب فعالان مدنی در ایران را شدت بخشیده است. اگر چه ترکیه نیز همچون ایران دارای روزنامه نگاران و کنشگران مدنی بسیاری است، اما در ترکیه همچنان فرصت اعتراض مدنی و همراهی با زندانیان وجود دارد اما در ایران حکومت همزمان با تلاش برای نابودی نهادهای مدنی، اجازه هیچ گونه اعتراضی را هم نمی‌دهد.

نگاهی به تجربه دو کشور در یک دهه گذشته به خوبی تفاوت دو مسیر متفاوتی که در پیش گرفته‌اند را نشان می‌دهد. در شرایطی که ترکیه در تلاش است تا سرزمین کودتاهای پی در پی را به الگوی تازه‌ای از دموکراسی در خاورمیانه تبدیل کند، جمهوری اسلامی درصدد است تا اندک نشانه‌های دموکراسی صوری را نیز از بین برد و برای پایان دادن به دغدغه‌های امنیتی انتخابات، نظام ریاستی را به نظام پارلمانی کنترل شده تغییر دهد.

«»«»«»«»«»«»

حمید مافی عضو هیات تحریریه هفته نامه حدیث قزوین، نامه قزوین، سردبیر ویژه نامه استانی اعتماد ملی قزوین بود. برای روزنامه های اعتماد، شرق، کارگزاران می نوشت و هم چنین با سایت ردیو زمانه و ندای سبز آزادی همکاری می کند.





رجال زن و محرومیت از حق رئیس جمهورشدن

مطالبات زنان ۱



بنابر اصل ۱۱۵ قانون اساسی زنان در ایران حق رئیس جمهور شدن ندارند. هربار در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بحث در مورد این نمونه آشکار نقض حقوق بشر و تبعیض جنسیتی از سوی فعالان مدنی و رسانه‌ها در جامعه مطرح می‌شود و نطرات مخالفان و موافقان منعکس می‌شوند. اما این معضل پس از پایان انتخابات باز موقتاً به فراموشی سپرده می‌شود. بدون شک بسیاری از زنانی که در ایران در سطوح مدیریت شاغلند، هم نماینده مجلس، استاد دانشگاه، پزشک و مهندس هستند، و یا زنانی که با تحمل مشقات به تنهایی مسئولیت تأمین معاش و سرپرستی فرزندان را برعهده دارند، این روزها باردیگر با این سؤال مواجه شوند که بر چه مبنایی از یکی از حقوق بدیهی و شهروندی خود یعنی حق رئیس جمهورشدن محروم شده‌اند؟

تنها با یک بررسی سریع اینترنتی می‌توان دریافت که در در دنیای پیشرفته و هم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه زنان امکان دسترسی به پست‌های بالا و رهبری سیاسی کشورشان را دارند و می‌توان بلافاصله به موارد متعددی هم اشاره کرد. از امریکای لاتین گرفته تا آفریقا و اروپا، هم در

آسیای میانه و شرق دور به اسامی زنانی که ریاست دولت را جوامع خود برعهده داشته و دارند بر می خوریم.

بر طبق قوانین ایران زنان حق رأی دادن دارند، می‌توانند به عنوان نماینده مجلس انتخاب شده یا وزیر شوند. اما بنا بر اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی این تنها رجال سیاسی و مذهبی واجد شرایط هستند که می‌توانند رئیس جمهور شوند.

دراصل ۱۱۵ قانون اساسی در تعریف ویژگی‌های رئیس جمهور آمده است:

«رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

در تفسیر واژه "رجال" می‌خوانیم که به تعبیرقانون‌گذاران و اعضای شورای نگهبان این تنها مردان هستند که شایستگی برخوردار از این عنوان را دارند. بنابراین خود به خود از زنان و حقوق آن‌ها در این اصل سخنی به میان نمی‌آید و به راحتی یکی از ابتدایی‌ترین حقوق میلیون‌ها نفر از شهروندان کشور تنها به این دلیل که زن هستند پامال شده، درقانون مشروعیت یافته و سند می‌شود.

درجملات بالا از جنسیت رجال صحبتی به میان نیامده است، بنابراین هر زن ایرانی مدیر و مدبر می‌تواند از خود سؤال کند به چه علت او نمی‌تواند واجد شرایط و هم یکی از "رجال" باشد؟

۹۳ با بررسی تلاش‌های مستمر فعالین حوزه زنان برای از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی و به خصوص در حوزه قوانین تبعیض‌آلود به موارد متعدد اعتراض به مورد بالا هم برمی‌خوریم. کنشگران جنبش برابری خواهی در چند سال اخیر بارها از مقامات مسئول دراین باره توضیح خواسته‌اند.

از نمونه‌های مشهور دراین زمینه می‌توانیم به اقدام اعظم طالبانی نماینده سابق مجلس و فعال حوزه زنان درسال ۱۳۷۶ اشاره کنیم که برای ایجاد بحث اجتماعی در این زمینه و چالش با قوانین نابرابر خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کرد. به عقیده او می‌بایست روشن کرد که مراد از واژه "رجال" چیست و این کلمه چه جنسیتی را نمایندگی می‌کند. در تداوم همین حرکت بود که در دوره‌های قبلی انتخابات ریاست جمهوری تعداد قابل توجهی از زنان به وزارت کشور رفته و برای نشان دادن اعتراض خود به قانون خود را نامزد انتخابات کردند. در انتخابات سال ۱۳۸۴ تعدادی از زنان یعنی ۸۹ نفر خود را کاندید کردند که البته همه آن‌ها رد صلاحیت شدند. این زنان بدون شک از قبل می‌دانستند که ردصلاحیت می‌شوند اما برای تابوشکنی بیشتر در این مورد و اعتراض به این نوع از نابرابری حقوقی درمقابل دفتر ریاست جمهوری تحصن کرده بودند.

در انتخابات قبلی ریاست جمهوری درسال ۱۳۸۸ نیز شاهد بودیم که نهادهای مدافع زنان و جنبش‌های زنانی‌ها برای اعتراض به اصل ۱۱۵ قانون اساسی فعالیت‌های متعددی را سامان دادند از جمله گروه "همگرایی زنان" دربیانیه‌ای ضمن اعتراض به رد صلاحیت زنان خواهان تغییر ماده ۱۱۵ قانون اساسی شدند. در مقاله سارا مقدم به تاریخ ۴ خرداد ۸۸ می‌خوانیم که:

"گروه" همگرایی زنان، با تاکید دوباره بر خواست زنان در تغییر ماده ۱۱۵ قانون اساسی، تفسیر واژه رجل از این ماده را علت اصلی رد صلاحیت زنان دانسته و خواستار تغییر آن شده است. همچنین جمعیله کدیور نیز با امضای «معاونت بانوان ستاد مهدی کروبی» روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای دراین

باره گفته است: آیا رد صلاحیت زنان به اعتبار جنسیت آنان بوده است و یا این که صلاحیت زنان کاندیدا از حیث توانایی و تدبیر برای اداره کشور احراز نشده است. به نظر می‌رسد وقت آن است که شورای نگهبان تفسیر خود را از اصل ۱۱۵ و واژه رجل سیاسی مذهبی قانون اساسی شفاف و سریع بیان کند. گروه همگرایی زنان که برای طرح مطالبات زنان در فرصت انتخاباتی شکل گرفته و فعالانی از گروه‌ها و طیفهای مختلف فکری و سیاسی را در بر می‌گیرد، در بیانیه پادشده که از سوی کمیته تبلیغ و ترویج این ائتلاف منتشر شده بود گفت: "از میان ۴۷۱ نفر کاندیدای ریاست جمهوری تنها ۴ نفر صلاحیت شان تایید شده است و از میان ۴۲ زن داوطلب ریاست جمهوری از جمله خانم‌ها ژیلدا موحد شریعت پناه و رفعت بیات، هیچ یک مورد تایید قرار نگرفتند." این بیانیه با "مردانه" خواندن عرصه انتخابات، حضور همگرایی زنان را تحمیل خواسته‌های زنان به این فضا خوانده و نوشته است: برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری، با بیانیه‌ها و اظهارنظرهای خود، کم و بیش مطالبات زنان را در برنامه‌های انتخاباتی خود قرار داده‌اند. چنین اقدامی از سوی این کاندیدها بی‌شک مورد استقبال زنان قرار دارد، اما مهم است که ما زنان به عینه مشاهده کنیم چگونه و با چه روشی این کاندیدها می‌خواهند خواسته‌ها و مطالبات زنان هموطن شان را پس از رسیدن به ریاست جمهوری برآورده سازند."

انتخابات ۱۳۹۲

اما امسال هم باردیگر با داغ شدن بازار انتخابات تعدادی از زنان یعنی دقیقا ۳۰ نفر در اقدامی اعتراضی خود را نامزد این انتخابات کرده‌اند، عملی که بلافاصله با واکنش توهین آمیز آیت الله محمد یزدی از اعضای شورای نگهبان روبرو شد. او گفته بود که:

«در بین افرادی که ثبت‌نام کرده‌اند، ده، دوازده خانم حضور دارند؛ یکی از آنها گفته که "اگر من رئیس‌جمهور شوم، نیمی از کابینه‌ام خانم‌ها و نیمی دیگر آقایان خواهند بود" مثل معروفی هست که کسی می‌خواست وارد روستایی شود، اصلا راهش نمی‌دادند وارد روستا شود، اما می‌گفت "خانه کدخدا کجاست؟! قانون اجازه رئیس‌جمهور شدن را به خانم‌ها نمی‌دهد، حالا چطور این فرد ترکیب کابینه را هم مشخص کرده است!"

این نحوه برخورد تحقیرآمیز و فاقد احترام برای شهروندان زن از سوی یکی از فقهای شورای نگهبان واکنش تعدادی از فعالان مدنی و حوزه زنان را در پی داشت. رضوان مقدم از گنشگران حوزه زنان در فیس بوک مدرسه فمینیستی نوشت:

«آقای یزدی در سخنان خود نه تنها رقم ۳۰ نفر زن نامزد ریاست جمهوری را به دلخواه تقلیل داده‌اند بلکه به خودشان اجازه می‌دهند که خیلی راحت بگویند: "ده، دوازده خانم حضور دارند" انگار دارد از نخود و کشمش حرف می‌زند. ده نفر خانم یا دوازده نفر کدام عدد درست است؟ هر کس که در ادبیات فارسی دستی دارد می‌داند این گونه صحبت کردن و چنین ادبیاتی را بکار بردن از نشانه‌های گفتار تحقیر آمیز است. حذف نفر یازدهم یعنی این که زن عددی نیست و نه تنها می‌شود یکی را حذف کرد بلکه نیمی از جمعیت را که زنان باشند هم می‌شود حذف کرد. همانگونه که در این سالهای پس از انقلاب، زنان در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به رغم تخصص و تحصیل و شایستگی کنار گذاشته شده‌اند. همانطور که تاکنون از عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح بالای مدیریتی حذف شده‌اند. باید از آقای یزدی پرسید اگر شما نظرتان این است پس چرا تاکنون در مقابل این ستوال همگانی سی و چهار سال سکوت کردید و گره از این مشکل باز نکردید که منظور از رجال سیاسی چیست؟ به علاوه ایشان به جای پرداختن به این ستوال که چرا زنان از حق انتخاب شدن که یکی از بالاترین حقوق شهروندی است محرومند؟ می‌گویند "قانون اجازه رییس‌جمهور شدن را

به خانم‌ها نمی‌دهد،" اگر زنان حق انتخاب شدن نداشته اند چرا اجازه کاندیدا شدن دارند؟ چرا تاکنون در رد صلاحیت‌ها به صراحت گفته نشده به دلیل زن بودنشان حق ندارند رئیس‌جمهور شوند؟»

از جمله اعتراضات بین‌المللی به سخنان آیات الله یزدی اطلاعیه سازمان عفو بین‌الملل درمورد اظهارات او بود. این سازمان با یادآوری آنکه رد صلاحیت زنان ناقض مصوبات بین‌المللی در زمینه تأمین حقوق برابر است، این نکته را هم قید می‌کند که بر طبق اصول قانون اساسی در ایران همه شهروندان در برابر قانون با هم برابرند. عفو بین‌الملل هم چنین تذکر می‌دهد دولت ایران معاهدات بین‌المللی در مورد منع تبعیض بر مبنای جنسیت را امضا کرده است و موظف است که به تعهدات خود پای بند باشد.



در باره ما عرصه سوم



جامعه مدنی کانون مقاومت، تحدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات جدید اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

در سی سال اخیر با بازگشت جامعه مدنی به عرصه آکادمیک و سپهر عمومی، نقش آن در اقصی نقاط جهان به طور چشمگیری رشد و گسترش یافته است به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران جامعه مدنی را بزرگ‌ترین پروژه هزاره جدید می‌نامند.

جامعه مدنی به مثابه عرصه سوم در فرایند توسعه، صلح و دموکراتیک سازی بدلیل برخورداری از قابلیت‌ها یی چون: نمایندگی گروههای اجتماعی، ارتباط نزدیک‌تر و گسترده‌تر با جوامع محلی، مفصل بندی و پیگیری مطالبات آنان، منعکس کردن صدای مردم و گروههای به حاشیه رانده شده، فراهم ساختن ابزارها و فرصت‌های لازم برای ارائه و بیان دیدگاه‌های شهروندان، قدرتمند ساختن شهروندان برای پیکار و تغییر سیاست‌های عمومی و ساختن جهان دیگر وض از سایر بازیگران توسعه (دولت و بخش خصوصی) متمایز می‌شوند.

جامعه مدنی تلاش می‌کند در پارادایم جدید توسعه و فرایند دموکراتیک سازی، الگوی جدیدی از کارایی و کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و تکثر و نظم انجمنی در جامعه ارائه دهد.

در چند دهه اخیر جامعه ایرانی نیز با پایان جنگ تحمیلی عراق و ایران، فروکش کردن هیجان‌های انقلابی، افول پوپولیسم، غیرایدئولوژیک شدن جامعه و مسلط شدن گفتمان توسعه، همگام با تحولات جامعه جهانی و موج سوم دموکراسی، شاهد بازگشت اما آرام جامعه مدنی بوده است در این سال‌ها جامعه مدنی ایرانی به‌رغم محدودیت‌ها و تنگناها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتاً چشمگیر برخوردار بوده است.

اما با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ با به قدرت رسیدن یک طبقه جدید سیاسی، شکل‌گیری دولت پادگانی، ورود نظامیان به عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه مجازی و مسلط شدن گفتمان‌های دموکراسی‌ستیز و جامعه مدنی‌هراسی بر جامعه ایرانی، جامعه مدنی با تهدیدات و تنگناهای جدی مواجه شده است.

در شرایط پر مخاطره کنونی برای جلوگیری از جوانمردی و بسط جامعه مدنی، قدرت یابی شهروندان، دفاع از آزادی انجمن‌ها و حقوق شهروندان و توانا سازی محیط سیاسی و اجتماعی وض مهم‌ترین و دغدغه و هدف استراتژیک فعالان و اصحاب جامعه مدنی است.

از این رو جمعی از فعالان مدنی به منظور:

« ترویج و بسط اندیشه‌های مدنی، صلح، دموکراسی و حقوق بشر،

« ظرفیت سازی سازمان‌ها، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر،

« ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ اقدام‌های داوطلبانه

« تسهیل در دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات،

« ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفتگو بین فعالان جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی‌ض

اقدام به تاسیس موسسه عرصه سوم در عرصه جامعه مدنی ایرانی کرده‌اند. موسسه عرصه سوم که نام آن به نقش جامعه مدنی اشاره دارد، سازمانی غیر دولتی و غیر انتفاعی است که سال ۱۳۸۹ در آمستردام هلند تاسیس و به ثبت رسیده است.

عرصه سوم سازمانی غیر سیاسی و مستقل مدنی است که بر حقوق بشر، صلح و دموکراسی برسه معضل گرهی جامعه ایرانی تاکید دارد.

عرصه سوم ارتقاء دهنده حقوق همه احاد جامعه، گروه‌ها و نیروهای اجتماعی با هر نوع اعتقادی از هر جنس، قوم و تعلق‌های سیاسی غیر خشونت‌آمیز است. از آنجا که برای گذار به یک جامعه دمکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آنجامعه اهمیت دارد، عرصه سوم در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی و سیاسی در ایران و برای ظرفیت سازی و تامین نیازهای آتی و توسعه جامعه مدنی دمکراتیک و توسعه گرا، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

عرصه سوم همچنین برای جهت دادن به نگرش روشنفکران، دانش‌گامیان، روزنامه نگاران و بلاگرها، فعالان مدنی و سیاسی و عموم مردم، تولید و ترویج ادبیات جامعه مدنی، حقوق بشر، صلح و دموکراسی، ارتقای دانش تئوریک، ظرفیت سازی سازمان‌ها و فعالان مدنی، مبادله دانش، اطلاعات و انتقال تجربیات، اطلاع رسانی شفاف و... در کانون فعالیت‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است.

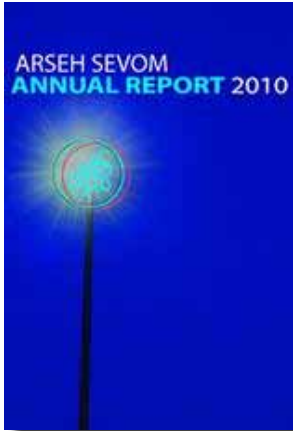


انتشارات عرصه سوم



گزارش های سالانه

۱۰۱



عرضه سوم سازمانی غیر سیاسی و مستقل مدنی است که بر حقوق بشر، صلح و دموکراسی برسه معضل گرهی جامعه ایرانی تاکید دارد.

عرضه سوم ارتقاء دهنده حقوق همه احاد جامعه، گروه‌ها و نیروهای اجتماعی با هر نوع اعتقادی از هر جنس، قوم و تعلق‌های سیاسی غیر خشونت‌آمیز است. از آنجا که برای گذار به یک جامعه دموکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن جامعه اهمیت دارد، عرضه سوم در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی و سیاسی در ایران و برای ظرفیت‌سازی و تامین نیازهای آتی و توسعه جامعه مدنی دموکراتیک و توسعه‌گرا، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

این کتابچه راهنما با هدف تحلیل مفاهیم حقوقی و سیاسی انتخابات و همچنین بررسی مسائل انتخابات از زاویه جامعه مدنی تهیه‌شده است. انتخابات به عنوان یکی از موضوعات اصلی جامعه مدنی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیدایش و دوام جامعه مدنی ایفا می‌کند. از این رو برگزاری یک انتخابات آزاد و سالم و مطابق استانداردهای بین‌المللی یکی از شروط لازم تحکیم پایه نهادهای مدنی است. بنابراین شناخت عوامل و مسائل تاثیر گذار بر سلامت و آزادی انتخابات می‌تواند یکی از دغدغه‌های جدی جامعه مدنی بشمار رود. عرضه سوم بر این امید است تا با انتشار این کتابچه، ضمن تقویت دانش حقوقی و سیاسی در خصوص انتخابات زمینه را برای ترویج فرهنگ انتخابات سالم و آزاد فراهم سازد

www.arsehsevom.net



انتشارات

[De Wittenstraat 25
1052 AK, Amsterdam
The Netherlands]

[Phone:+31 (0) 85 878 6434
contact@arsehsevom.net
press@arsehsevom.net]